کتاب‌های درسی مربوط وزارت معارف بوده، خرید و
فروش آن ممنوع است.

curriculum@moe.gov.af

جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

دروس اجتماعی

صنف ۹

(برای مدارس دینی)

۱۳۹۸
هـ . ش

جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

دروس اجتماعی

صنف نهم

(برای مدارس دینی)

۱۳۹۸
هـ. ش.

مؤلفان:

- پوهنمل زلمی هوتک
- معاون سرمؤلف شیر محمد رونقی
- مؤلف قدیم شیرزی بابکر خیل
- معاون سرمؤلف سامعه واعظ
- رحمن عنایت
- پوهنیار محمد فاروق عمرخیل
- سرمؤلف میرعبیدالله فاضل
- مؤلف محمد انور مشفق

ایدیت مسلکی:

- سرمؤلف عبدالغیاث غوری
- پوهاند غلام جیلانی عارض
- سرمؤلف محمد افضل حضرتی

ایدیت زبانی:

- سید محمود خلیق
- مؤلف سید محمود پایمناری

کمیتهٔ دینی، سیاسی و فرهنگی:

- دکتور عبدالصبور فخری
- حبیب الله راحل، مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی.

إشراف:

- دکتور شیر علی ظریفی، رئیس پروژه انکشاف نصاب تعلیمی.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيم

سرود ملی

دا وطن افغانستـــان دی
دا عزت د هــر افــغان دی
کور د سولې کور د تورې
هر بچی یې قهرمـــان دی
دا وطن د ټولو کـور دی
د بـــلوڅـــو د ازبکـــو
د پښتـــون او هزاره وو
د تـــرکمنـــو د تاجکـــو
ورسره عرب، گوجـر دي
پـــامیـریان، نورستانیـــان
براهوي دي، قزلباش دي
هـــم ایمـــاق، هم پشه ېان
دا هېـواد به تل ځلېږي
لـــکـه لمـر پر شنه اسمان
په سینـه کې د اسیـــا به
لـــکـه زړه وي جـاوېدان
نوم د حق مو دی رهبـــر
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم

پیام وزیر معارف

الحمدلله رب العالمین والصلاۀ والسلام علی نبیه و رسوله محمد وعلی آله وأصحابه أجمعین، أما بعد:

نصاب تعلیمی معارف، اساس نظام تعلیم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعۀ علمی، فکری و سلوکی نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد.

نصاب تعلیمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه های مختلف زندگی، مطابق با نیازهای جامعه باید هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش تقدیم معلومات، تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه های نصاب تعلیمی که باید مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود باشد، نصاب تعلیمات اسلامی است، زیرا تعلیمات اسلامی، شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام است که بحیث نظام و قانون مکمل تمام ابعاد زندگی انسان ها را دربر گرفته و بحیث آخرین پیام خالق و پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می دهد.

علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنامندی سیستم تعلیمات و معارف اسلامی، مخصوصا انکشاف تدریجی نصاب تعلیمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام ایفاء کرده اند.

مطالعۀ دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می دهد که نصاب تعلیمی مدارس و مراکز علمی ما همواره بنا بر ضرورت های جامعه و در تطابق با ثوابت و طبیعت دین اسلام که برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها می باشد، توسعه یافته است.

کشور عزیز ما با تاریخ علمی درخشان، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود هزاران دانشمند و عالم در عرصه های مختلف علم و فرهنگ، مخصوصاً در علوم شرعی مانند عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره، گواه واضح آنچه گفته شد، می باشد.

همزمان با رشد موج بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعلیمات اسلامی در کشور، شاهد تحول کمی و کیفی بوده و اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعلیمات اسلامی رخ مینمایند.

وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت ورسالت خویش در مطابقت با احکام قانون اساسی کشور، به منظور رشد و توسعۀ کیفی و کمی تعلیمات اسلامی و از جمله نصاب تعلیمات اسلامی، اقدامات قابل توجه نموده است.

این وزارت با دعوت از علماء، استادان و متخصصین فرهیخته و قابل اعتماد کشور به بِه سازی نصاب تعلیمی پرداخته و بدون کم و کاست در مضامین و کتابهای مقرر در نصاب تعلیمی رائج مدارس تعلیمات اسلامی، به منظور استفادۀ خوبتر و بیشتر، کتابهای مقرر را شکل درسی داده و با شرح و توضیح لازم متون و اضافۀ فعالیتها و ارزیابی و تمارین مناسب، به غنامندی متون درسی موجود پرداخت.

امیدوارم این خدمت ناچیز وزارت معارف و تلاشهای قابل تمجید علماء و دانشمندان و متخصصان کشور عزیز ما مورد قبول خداوند متعال قرار گرفته و در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر تعلیمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شود.

وبالله التوفیق

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

مقدمه

استادان محترم و شاگردان گرامی،

کتاب درسی مضمون اجتماعیات مدارس دینی بنا بر ضرورت و نیازمندی های جامعه افغانی، پالیسی وزارت معارف، با در نظر داشت معیارهای معاصر فن نصاب نویسی و بر بنیاد مفردات درسی، تهیه و ترتیب گردیده است.

مضمون اجتماعیات مدارس دینی مشتمل بر مطالب و مفاهیم تاریخی، جغرافیایی و معلومات مدنی میباشد. در بخش تاریخ، سعی به عمل آمده تا شاگردان مدارس دینی در جریان تحصیل با رویداد ها و حوادث تاریخ قدیم، قرون وسطی، جدیده و معاصر افغانستان و جهان آشنا شوند و بدانند که انسان ها در سراسر جهان و به طوری اخص در کشور عزیز ما افغانستان کدام مراحل تاریخی را عقب گذشتانده و هم با آینده چگونه برخورد نمایند.

در بخش جغرافیه با در نظرداشت ضرورت های علمی مطالب طوری توضیح شده که شاگردان در مورد موقعیت ها، طول البلد، عرض البلد، کوه ها، دریا ها، جهیل ها، ابحار، زراعت، مالداری، معادن، ترانسپورت زمینی ، آبی و هوایی، نژاد، زبان، مذهب، براعظم ها و کشورها معلومات حاصل نمایند و در پیشبرد امور زنده گی آز آن استفاده نمایند.

در بخش معلومات مدنی، راجع به جوامع بشری، ارزش ها، مقررات و قوانین، اعتقادات، اقتصاد، سازمانها، نهادها، ساختارها و تشکلات، احتیاجات مادی و معنوی انسان، مفاهیم و مطالب ضروری و لازمی توضیح شده است. که در حیات روزمره می توان از آن مستفید گردند.

توقع میرود تا با فراگیری یک دورهٔ مکمل (از صنف هفت الی صنف دوازده) مضمون اجتماعیات شاگردان مدارس دینی، مبادی علوم اجتماعی را بدانند؛ با اصطلاحات عمدهٔ این علم آشنا شوند؛ از اخبار رویداد های روزمره کشور و جهان مستفید شده و حوادث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تجزیه، تحلیل و نتیجه گیری کرده بتوانند، تا اعضای فعال و مطرح در جامعه بار آمده و با مزج علوم دینی با علوم اجتماعی دعات مؤثر و برپا کننده گان حقیقی دین خدا قرار گیرند.

امیدواریم که محتویات این کتاب مورد دلچسپی استادان و منبع مفید علوم اجتماعی برای شاگردان مدارس دینی قرار گیرد.

والله ولی التوفیق

فهرست

عنوان	صفحات
بخش اول: تاریخ	
فصل اول اسلام و افغانستان	۱
اهداف فصل	۲
اوضاع افغانستان، مقارن ظهور اسلام	۳-۴
ورود و انتشار دین اسلام در افغانستان	۵_۶
افغانستان در عصر اموی ها	۷_۸
• افغانستان در عصر عباسی ها	۹_۱۰
•نقش افغان ها در انتقال قدرت از اموی ها به عباسی ها	۱۱_۱۲
• سوریان	۱۳_۱۴
• برمکیان	۱۵_۱۶
فصل دوم حکومت های مستقل و ملی	
• اهداف فصل	۱۷_۱۸
• طاهریان، اقتصاد و فر هنگ	۱۹_۲۰
• صفاریان، اقتصاد و فر هنگ	۲۱_۲۲
• سامانیان، اقتصاد و فرهنگ	۲۳_۲۴
• غزنویان، اقتصاد و فرهنگ	۲۵_۲۶
• سلجوقیان، اقتصاد و فرهنگ	۲۷_۲۸
• غوریان، اقتصاد و فرهنگ	۲۹_۳۲
• خوارزمشاهیان	۳۳_۳۴
• مغول ها	۳۵_۳۶
• آل کرت	۳۷_۳۸
• درگیری های افغان ها با همسایه ها	۳۹_۴۲
• قیام قندهار به رهبری حاجی میرویس نیکه	۴۳_۵۲
بخش دوم: جغرافیه	
فصل اول (براعظم افریقا)	
معلومات مختصر راجع به معرفی قارهٔ افریقا، حدود و موقعیت آن	۵۵-۵۶
جغرافیهٔ سیاسی افریقا	۵۷-۶۰

جغرافیهٔ بشری (نژاد، زبان و ادیان).....۶۱-۶۴
جغرافیهٔ اقتصادی (زراعت، مالداری، معادن و صنایع).....۶۵-۶۸
ترانسپورت(فضایی، زمینی و آبی) ۶۹-۷۲

فصل دوم براعظم استرالیا و اقیانوسیه

معرفی براعظم آسترالیا و اقیانوسیه (حدود و موقعیت آن) ۷۵-۷۶
جغرافیهٔ سیاسی آسترالیا و اقیانوسیه ۷۷-۷۸
جغرافیهٔ بشری (نژاد، زبان و ادیان).....۷۹-۸۰
جغرافیهٔ اقتصادی (زراعت، مالداری، معادن و صنایع).....۸۱-۸۴
ترانسپورت(فضایی، زمینی و آبی) ۸۵-۸۶
اوقیانوسیه ۸۷-۸۸
حالت اقتصادی ۸۹-۹۰
زیلاند جدید.....۹۱-۹۲

بخش سوم: تعلیمات مدنی

فصل اول ارگان های خدمات اجتماعی

پست چه کارهایی را انجام می دهد؟.....۹۵-۹۶
مخابرات چه خدماتی را ارائه می دارد؟.....۹۷-۹۸
بانک چه خدماتی را انجام میدهد؟ ۹۹-۱۰۰
سره میاشت ووظایف آن. ۱۰۱-۱۰۲
چرا محیط زیست خود را پاک و زیبا نگهداریم؟..... ۱۰۳-۱۰۴
شاروالی چه کارهایی را انجام می دهد؟..... ۱۰۵-۱۰۶
ارگانهای تأمین امنیت (پولیس) ۱۰۷-۱۰۸
پولیس ترافیک چه نقشی در زنده گی ما دارد؟..... ۱۰۹-۱۱۱

فصل دوم دولت

ضرورت به دولت. ۱۱۵-۱۱۶
اقسام دولت ۱۱۷-۱۱۸
قانون چیست؟..... ۱۱۹-۱۲۰
با قانون اساسی کشور ما آشنا شوید. ۱۲۱-۱۲۲
نظام سیاسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان..... ۱۲۳-۱۲۴
قوهٔ مقننه یا شورای ملی چیست؟..... ۱۲۵-۱۲۶
قوهٔ قضائیه ۱۲۷-۱۲۸
لویه جرگه..... ۱۲۹-۱۳۰

بخش تاریخ

فصل اول

اسلام و افغانستان

اهداف فصل

از شاگردان انتظار میرود که در پایان این فصل به اهداف ذیل نایل آیند:
۱. شاگردان با اوضاع اجتماعی افغانستان قبل از ظهور اسلام آشنا شوند.
۲. زمینه‌های ورود و انتشار دین مقدس اسلام را در افغانستان بدانند.
۳. او ضاع کشور را در دور اموی‌ها تحلیل کرده بتوانند.
۴. رویدادها و حوادث عصر عباسیان را تحلیل و تفسیر کرده بتوانند.
۵. زمینه‌های قیام ابومسلم خراسانی را بدانند.
۶. از نقشه‌ها و اطلس‌ها استفاده کرده بتوانند.

اوضاع افغانستان مقارن ظهور اسلام

شاگردان درین درس اوضاع افغانستان را از لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مقارن ظهور دین مقدس اسلام مطالعه مینمایند.

وضع سیاسی: زمانی که دولت یفتلی، در نیمهٔ دوم قرن ششم میلادی، از لحاظ سیاسی به سقوط مواجه شد، زمینه برای مداخلات خارجی‌ها در کشور ما مساعد گردید. ساسانیان ایران، ترکان ماوراءالنهر و چینایی‌ها، به ترتیب در شمال، شمال غرب و شمال شرق کشور مداخله نمودند و مناطق فوق الذکر را اشغال کردند. بقیهٔ کشور به ملوک الطوایفی تبدیل شده، هرج و مرج در همه ساحات کشور، بر پا گردید. چندین حکومت چون شامان، در غور، شیران در بامیان، رتبیل شاهان یا رتبیلیان، در کابل و لاویک‌ها در غزنی و گردیز تشکیل گردیدند. مقارن ظهور و ورود دین مقدس اسلام در افغانستان، کشور نظر به شرایط سیاسی و اجتماعی آمادهٔ پذیرش یک تحول اساسی و بنیادی بود، زیرا دولت مرکزی، وجود نداشت تا از بی عدالتی، نابسامانی، اختناق و مشکلات مردم جلوگیری کند.

وضع اجتماعی: از لحاظ اجتماعی موجودیت نژادهای متعدد، بعضی اوقات برای مردم مشکلات خلق مینمود، زیرا برخوردهای ملیتی گاه گاه باعث قتل و قتال و اذیت مردم می گردید.

تشکیل خانواده، اساس استوار نداشت، به زنان هیچ ارجی گذاشته نمی‌شد، زنان را به دیدهٔ حقارت می‌نگریستند؛ بدین معنی که زنان مجبور بودند از اوامر مردان به هر نحوی که باشد اطاعت نمایند و در زنده گی فامیلی فاقد حقوق بودند.

ظلم وبی عدالتی در جامعهٔ افغانی ریشهٔ عمیق داشت و حقوق مردم عامه پایمال بود. زورمندان و صاحبان مقامات از هر نوع امتیاز برخوردار بودند.

وضع اقتصادی: زراعت و مالداری بزرگترین منابع اقتصاد مردم را تشکیل میداد و یک تعداد مردم به صنایع دستی نیز اشتغال داشتند که برای رفع احتیاجات مردم از فلزاتی که بصورت غیر فنی استخراج می گردید، یک تعداد سامان آلات از قبیل اسلحه، ظروف و زیورات می‌ساختند.

وضع دینی و فرهنگی: مقارن انتشار و ورود دین مقدس اسلام (قرن هفتم میلادی) مردم افغانستان از آیین های متعددی چون بودایی، زردشتی، برهمنی و آفتاب پرستی، پیروی مینمودند؛ چنانچه در مناطق غربی که تحت نفوذ سیاسی، دینی و ادبی ساسانی‌ها قرار داشت آیین زردشتی مروج بود ولی در مناطق مرکزی، زابلستان و وادی دریای کابل (گندهارا) و وادی ارغنداب تا سلسله جبال هندوکش و هم چنین کرانه‌های سند، مردم از آیین بودایی و برهمنی پیروی می‌نمودند.

افغانستان سرزمین کوهستانی بوده و موجودیت سلسله جبال، کشور ما را به دره‌ها و وادیهای متعدد تقسیم نموده و دور افتاده گی مناطق از همدیگر، باعث گردیده بود تا هر منطقه دارای زبان و لهجهٔ جداگانه باشد چنانچه مقارن ظهور دین مقدس اسلام، مردم افغانستان به السنهٔ متعدد تکلم می‌نمودند،

مانند: دری، پشتو، تخاری و سانسگرت؛ فلهذا هر منطقه دارای فرهنگ تقریباً جداگانه بود.

در بین سالهای(۲۱- ۴۰هـ.ق./۶۴۱- ۶۶۰م) مردم افغانستان به ریاضی، نجوم و طب دسترسی داشتند. مردم علوم مروج یونانی، ساسانی و فلسفهٔ هندی را نیز می‌دانستند. تعلیم و تربیه عام نبود صرف آموختن اساسات ادیان، نوشتن و خواندن در معابد و منازل توسط کاهنان تدریس میشد. در چنین اوضاع و احوال بود که آوازهٔ ظهور دین مقدس اسلام به سرزمین ما رسید. دینی که همه را به پرستش خدای یگانه، آزادی، عدالت و برابری فرا می‌خواند. بزودی مجاهدان و دعوت گران راه حق، خود را به مرزهای مملکت ما رساندند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به چهار گروپ تقسیم شوند و هر گروپ راجع به یکی از موضوعات زیر با یکدیگر مشوره نموده، بعداً هر گروپ موضوع مذکور را در صنف ارائه نماید.

- وضع سیاسی افغانستان، مقارن ظهور دین مقدس اسلام.
- وضع اجتماعی افغانستان، مقارن ظهور دین مقدس اسلام.
- وضع اقتصادی افغانستان، مقارن ظهور دین مقدس اسلام.
- وضع دینی و فرهنگی افغانستان، مقارن ظهور دین مقدس اسلام.

سؤال‌ها

۱- آئین‌های که قبل از اسلام در افغانستان مروج بودند، آنها را نام ببرید.

۲- منابع اقتصادی افغانستان را قبل از اسلام نام ببرید.

۳- قبل از اسلام آئین‌های بودایی، زردشتی و برهمنی در کدام مناطق افغانستان مروج بودند؟

فعالیت خارج صنف

مردم افغانستان نظر به کدام دلایل از دین مقدس اسلام استقبال نموده و آنرا پذیرفتند؟ شاگردان راجع به آن چند سطر بنویسند و قبل از درس جدید آنرا در صنف ارائه نمایند.

ورود و انتشار دین مقدس اسلام در افغانستان

شاگردان درین درس با چگونگی ورود و انتشار دین مقدس اسلام در افغانستان معلومات حاصل می‌نمایند.

پیشروی مسلمانان به جانب افغانستان«خراسان» از دوران خلافت حضرت عمر فاروق (رض) آغاز گردید. بعد از نیشاپور هرات اولین شهری بود که توسط مجاهدان دین مبین اسلام فتح گردید. بزودی یکتعداد شهرهایی دیگر افغانستان یکی بعد دیگری فتح شدند؛ مخصوصاً بعد از سال ۴۱ هجری قمری به سرعت و ثباتی که با فتوحات مسلمانان همراه بود، در تاریخ جهان سابقه نداشت. از این رو بجاست که آنرا معجزهٔ الهی بنامیم؛ زیرا محرک اصلی این موفقیت ارشادات و پیام‌های آسمانی بود که در قالب دین جدید توسط حضرت محمد مصطفی(ص) ابلاغ گردید.

اولین حمله مسلمانان به جانب سر زمین شرق جزیرة العرب، تحت رهبری مثنی پسر حارث شیبانی در سال (۱۲ هجری- قمری) صورت گرفت. مسلمانان، شهر(حیره) را در ساحل غربی رودخانه فرات تصرف کردند که با این فتح، کلید فتح بین النهرین به دست مسلمانان افتاد. پس از ین، مسلمانان در طی مدت یک دهه کار تصرف ایران ساسانی را به پایان رساندند، به خصوص فتح نهاوند در جنوب همدان، نزدیک تهران کنونی در سال (۲۱ هجری) که مسلمانان آنرا (فتح الفتوح) نامیدند، دولت ساسانی به کلی فرو پاشید و منطقه حایل که بین اعراب و خراسان موجود بود، فتح گردید؛ سپس مجاهدین اسلام خود را به مرزهای افغانستان رساندند و منتظر فرمان خلیفه ماندند. تا اینکه در سال(۲۲ هجری) امیرالمؤمنین حضرت عمر فاروق(رض) فرمان صادر نمود و مسلمانان تحت رهبری (احنف پسر قیس) در جنوب شرق ایران، طوس را تصرف و به هرات رسیدند و هرات فتح گردید.

با تحولاتیکه در مرکز خلافت در پی جانیشینی امیرالمؤمنین حضرت عثمان (رض) روی داد در کار پیشروی مجاهدین اسلام در کشور ما اندکی وقفه ایجاد شد اما این بار خلیفه مسلمین (عبدالله بن عامر بن کریز (رض) را مسئوول فتح سرزمین‌های شرقی عربستان (افغانستان) تعیین نمود و او مجاهدت عظیمی درین ماموریت انجام داد.

حضرت عبدالله(رض) ساکنان شهرهایی را که از اسلام روی گردانیده بودند، دو باره به اسلام مشرف گردانید و مردم قوانین شرعی را پذیرفتند و بعد از فتح نیشاپور در سال ۳۰ هجری قمری راه او به جانب شهرهای افغانستان باز شد. شهرهای مهم کشور؛ مانند: هرات، فاریاب، تالقان، جوز جان، تخار و بلخ به دست مسلمانان فتح گردید. پسر عم او (عبدالرحمن بن سمره«رض» ماموریت فتح سرزمین‌های جنوب افغانستان را عهده دار شد و سرزمین سیستان را که در آن زمان(زمین داور، قندهار و غزنی) یاد میشد تصرف نمود و از انجا عزم کابل کرد، در کابل مسلمانان رنج و زحمت زیادی را متقبل گردیدند زیرا یک تعداد در مقابل آنها مقاومت شدید نمودند، اما سر انجام شکست خوردند.

بعد از فتح سر زمین افغانستان، مردم دین مبین اسلام را به اشتیاق پذیر فتند. عوامل ودلایل پیروزی

مسلمانان را میتوان چنین خلاصه نمود:

۱- ایمان قوی به خداوند(ج)، روز قیامت، پیامبر اسلام(ص) و ارشادات قرآن عظیم الشأن مهم ترین عوامل پیروزی مجاهدین به شمار میرود، زیرا این اعتقاد به آنان روحیهٔ بسیار قوی می‌بخشید.

۲- فرماندهی قوی نظامی و استفاده از تاکتیک‌های مؤثر جنگی روحیهٔ اطاعت و فرمانبرداری در میان مجاهدین خلق مینمود.

۳- شوق شهادت در راه خدا که همواره از پیامبر اسلام(ص) شنیده بودند: هر که در راه خدا کشته شود، بهشت برین جایگاه اوست.

۴- علاقمندی شدید به پیروی و تطبیق اوامر خداوند و دستورات پیامبر اسلام که همواره تأکید می‌فرمود دین اسلام آخرین دین آسمانی است و خطابش هم تمام بشریت است.

۵- انگیزه‌های مادی. زیرا یک برپنج غنایم به بیت المال و چهار بر پنج، طبق قوانین اسلام به مجاهدین پرداخته میشد.

۶- پیشبرد سیاست مدبرانه مسلمانان با شعارهای عدالت و مساوات، زیرا مردم از وجود نظام اشرافی به ستوه آمده بودند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به گروپ‌های مناسب تقسیم گردند و هر گروپ راجع به دلایل پیروزی مجاهدین اسلام مباحثه نموده، بعداً نماینده هر گروپ یک دلیل پیروزی مجاهدان اسلام را برای دیگران ارائه نماید.

سؤال‌ها

۱- نظر به کدام دلیل یا د لایلی مسلمانان به جانب شرق لشکر کشی نمودند؟

۲- اولین حملهٔ مسلمانان به حکومت ایران در سال..... هجری ق. و به فرماندهی..... صورت گرفت و طی آن شهر مهم .....به تصرف مسلمانان در آمد.

۳- لشکریان اسلام در زمان کدام خلیفه مسلمانان به خراسان یا افغانستان رسیدند؟

فعالیت خارج صنف

شاگردان مقالهٔ ای در باره علل پیروزی مجاهدان اسلام در افغانستان بنویسند.

افغانستان در عصر اموی‌ها

درین درس با چگونگی طرز اداره، وضع سیاسی و اقتصادی افغانستان در زمان امویها آگاهی پیدا خواهید نمود و نیز خواهید دانست که چرا نارضایتی‌ها در برابر آنها افزایش یافت.

خاندان امویها مربوط قبیلهٔ قریش است که با سلسلهٔ خاندان هاشمی (بنی هاشم) با عبدالمناف یکجا می‌شود.

پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد(ص) و خلیفه چهارم مسلمانان حضرت علی(رض) از خاندان بنی هاشم بودند. امویها در دورهٔ قبل از اسلام (جهالت) با بنی هاشم رقابت جدی داشتند و به همین دلیل سران امویها با پیامبر بزرگ اسلام جنگیدند تا آنکه در سال هشتم هجری، پس از فتح مکه، به دین اسلام مشرف گردیدند.

امویها در سال (۴۱ هجری- قمری) به قدرت رسیدند، نود سال بر جهان اسلام حکمروایی نمودند. اسلام در زمان امویها وسعت و گسترش زیادی پیدا نمود. دین مقدس اسلام در دوران آنها سراسر افغانستان را فرا گرفت و یک تعداد اعراب از طوایف مختلف از جزیرة العرب به افغانستان مهاجرت نمودند. سلسله اموی‌ها بر اساس برتری قبیلوی استوار بود. آنان که بنیاد نظام قبیله یی را تا اندازه ای حفظ کرده بودند، برای ادارهٔ مناطق مفتوحه از افراد متنفذ قبیله یی، کارمندان دولت را تعیین می‌نمودند، زیرا این افراد از صلاحیت‌های زیادی برخور دار بودند. در اثر بلند رفتن مصارف دربار اموی‌ها، که از مدرک مالیات تأمین می گردید، نه تنها موجبات نارضایتی دهقانان و پیشه وران را در کشور ما فراهم نموده بود، بلکه مالکان اراضی و سیع نیز از آنها ناراضی شدند، زیرا حقوق سیاسی طبقه بالائی جامعه نیز محدود گردید و افزایش روز افزون مالیات برای دهقانان باعث کم شدن عایدات اشراف محلی شد، چنانچه اصل مالیات سالانهٔ خراسان در عصر دولت اموی به چهل ملیون درهم میرسید.

نارضایتی علیه دولت اموی در میان اعراب نیز بروز نمود. عباسی‌ها که شاخهٔ دیگر از قبیله قریش بودند، در رقابت با اموی‌ها قرار داشتند. روز بروز به طرفداران عباسی‌ها افزوده میشد، زیرا ایشان به مردم وعده میدادند، در صورت احراز قدرت سیاسی روش زمامداری خلفای راشدین را احیأ خواهند کرد.

بدین ترتیب مخالفت میان امویها و عباسی‌ها شدید شد. چنانچه در دوران حکومت

(اسد بن عبدالله) ۱۱۴- ۱۱۷ هجری قمری، چند نفر فعالان مخفی عباسی‌ها دستگیر و مجازات گردیدند، اما امویها نتوانستند جلو فعالیت‌های مخالفین را بگیرند که سرا انجام شورش‌ها و قیام‌ها در ساحات قلمرو اموی‌ها بالا گرفت و در اثر یکی از همین قیام‌ها که توسط ابومسلم خراسانی رهبری می‌شد، خلافت از اموی‌ها به عباسی‌ها انتقال یافت.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم گردند و هر گروپ یکی از موضوعات زیر را به طور خلاصه برای دیگران بیان نماید:

_ راجع به وضعیت سیاسی کشور ما در عصر اموی‌ها معلومات بدهید؟

_ راجع به وضعیت اقتصادی کشور ما در عصر اموی‌ها معلومات بدهید؟

سؤال‌ها

۱_ علل عمدهٔ قیام مردم افغانستان علیه اموی‌ها را نام ببرید.

۲_ اموی‌ها در کدام سال به قدرت رسیدند و چند سال حکمروایی نمودند؟

۳_ در عصر امویها عوامل بلند رفتن مالیات چه بود؟

فعالیت خارج صنف

شاگردان راجع به عوامل اصلی اختلاف میان اموی‌ها و عباسی‌ها معلومات حاصل و درصنف ارایهٔ نمایند.

افغانستان در عصر عباسی‌ها

درین درس با چگونگی طرز ادارهٔ عباسی‌ها، وضعیت سیاسی واقتصادی افغانستان آگاهی پیدا خواهید نمود.

عباسی‌ها از اولادهٔ حضرت عباس، کاکای حضرت پیامبر (ص) هستند که از شاخه دیگر بنی هاشم قریش میباشند. آنها از اواخر قرن اول هجری قمری وارد میدان سیاست شدند، چون از اوضاع نا آرام خراسان آگاهی یافتند، در سال (۱۰۶ هـ ق/ ۷۲۴ م) عباسیان، اعیان و مبلغان خود را به این سر زمین فرستادند. شعار اصلی آنها عمل به ارشادات قرآن عظیم الشان و پیروی از سنن حضرت محمد(ص) و احترام به اهل بیت آنحضرت(صلی الله علیه وسلم) بود.

مردم افغانستان از شعار و هدف آنها حمایت کردند و با جان نثاری، آنان را در سال (۱۳۲ هـ ق/ ۷۴۹م) به عوض امویها به خلافت رساندند. دوران حکومت عباسیان(۵۲۳) سال طول کشید و سر انجام در ۲۰ محرم سال ۶۳۷ هـ ق مطابق ۲۷ جنوری سال ۱۲۵۸ م سلسلهٔ خلافت آنها توسط هلاکو، سردار مغل‌ها به پایان رسید.

در عهد عباسی‌ها مالیات اراضی افغانستان از چهل ملیون درهم به هفتاد ملیون درهم افزایش یافت. به همین دلیل بود که قیام‌های متعددی در افغانستان بر ضد ازدیاد مالیات اراضی عباسیان به میان آمد و به خصوص مردم شمال و غرب کشور سالها مبارزه کردند تا خود را از زیر بار عباسیان نجات دهند. عباسی‌ها نمی‌توانستند در برابر قیام‌های سیاسی و اقتصادی افغانستان به تنهایی فایق آیند، لذا برای اجرای چنین تفوقی بیشتر به جلب همکاری اعیان و اشراف محلی می‌پرداختند و در سایهٔ اشتراک منافع با آنان به تسلط خود ادامه دادند.

درین دوره، زراعت و سیستم آبیاری افغانستان ایجاد و در مسیر هریرود و دریای هلمند کانال‌ها و جوی‌های جدید حفر و کشیده شد. در بلخ بیشتر از (۷۰) آسیاب آبی و در سیستان نیز آسیاب‌های بادی ساخته شد. انواع حبوبات مانند گندم، برنج، جو و ماش زرع میشد در بادغیس و غور نیز زراعت و مالداری انکشاف نموده بود. تالقان و مرغاب مراکز عمده منسوجات پشمی و نخی به شمار میرفت و شهر بلخ مرکز تجارت بود.

پیشه وری و صنعت ابریشم نیز در برخی نقاط کشور ما رایج بود. در غور آهن و مس به طور غیر فنی استخراج می گردید و اسلحه ای که در غور ساخته میشد، در ممالک همسایه شهرت زیاد داشت، در تخارستان وسایر شهرهای شمال نیز اقسام فلزات چون آهن، مس، طلا و نقره استخراج میشد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم گردند نمایندهٔ هر گروپ راجع به یکی از موضوعات زیر، بعد از مشوره با اعضای گروپ خود برای دیگران موضوعات مذکور را ارائه نمایند.

-وضعیت سیاسی افغانستان در عصر عباسی‌ها

-وضعیت اقتصادی افغانستان در عصر عباسی‌ها

سؤال‌ها

۱- شجرهٔ عباسی‌ها را معرفی نمایید؟

۲- عباسی‌ها در کدام سال به قدرت رسیدند و دوران حکومت آنها چند سال طول کشید؟

۳- مقدار مالیات افغانستان در عصر امویها و عباسی‌ها چقدر بود؟

فعالیت خارج از صنف

راجع به منابع اقتصادی افغانستان در عصر عباسی‌ها پنج سطر بنوسید و آنرا در صنف ارایهٔ نمایید.

نقش افغانها در انتقال قدرت از امویها به عباسیها

درین درس شما راجع به چگونگی انتقال قدرت از سلسلهٔ امویها به عباسیها و همچنین نقش مؤثر ابو مسلم خراسانی، امیر فولاد و امیر کرور را در انتقال قدرت می‌آموزید.

الف- ابو مسلم خراسانی

عبدالرحمن ملقب به ابو مسلم پسر (بنداد هرمزد) در سال (۱۰۰ هـ ق ۷۱۸ م)در قریه «سفیدنج» شهر انبار جوزجان متولد گردید. بعد از فرا گیری تحصیلات مروجه، لسان عربی را آموخت، در نزده سالگی به عرصهٔ سیاست پا گذاشت. فهم، احساس وطن دوستی و عزم قوی او سبب شد تا به بسیار سرعت مرکز و محور فعالیت‌های مردمی قرار گیرد و در بیست و سه سالگی به کوفه سفر نمود وبعداً با ابراهیم عباسی در مکهٔ معظمه دیدار کرد. ارتباط خود را با حزب سری بنی عباس که علیه بنی امیه مبارزه مینمود، بر قرار ساخت و زمانیکه به وطن برگشت، بعد از قتل یحی بن زید که مربوط خاندان حضرت پیغمبر(ص) بود، رهبری قیام ضد امویها را به عهده گرفت. در روزهای اول قیام، مردم زیادی به دور او جمع شدند تا اینکه در روز اول عید فطر (۱۳۰ هـ ق ۷۴۷م) در سفیدنج بیرق امویها را پایان نمود و در عوض بیرق عباسی‌ها را بر افراشت.

نظر به دعوت ابو مسلم، مردم زیادی در میان خراسانی‌ها واعراب حمایت خود را از عباسی‌ها اعلان نمودند و در افغانستان تعداد زیاد مردم هرات، بادغیس، تالقان، سرخس، مرو ، طوس، غور، نیشاپور، بلخ و تخارستان به کمک ابو مسلم سواره و پیاده پیوستند.

«نصر بن سیار» والی خراسان که علیه ابو مسلم قرار گرفته بود، نتوانست به مقابل قیام کنندگان مقاومت کند. بعد از تصرف شهر مرو توسط ابو مسلم، تاب مقاومت نیاورد. و نصر از خراسان به نیشاپور عقب نیشینی کرد. ابو مسلم قوای او راتعقیب نموده و آنرا شکست داد.

مروان حمار آخرین خلیفه سلسله اموی‌ها، ابراهیم عباسی را به قتل رسانید و بسیار کوشید تا این جنبش را سرکوب نماید بدین منظور قشون جدید جمع آوری کرد؛ ولی قیام کننده گان در عراق چند بار قشون مروان را شکست دادند و شهر دمشق، مرکز خلافت امویها را تصرف نمودند. و ابو العباس سفاح را در مسجد جامع شهر کوفه در (۱۲ ربیع الاول به روز جمعه سال ۱۳۲ هـ ق- ۷۴۹ م) به حیث اولین خلیفهٔ عباسیان اعلان نمودند. مروان به مصر فرار نمود و در آنجا به قتل رسید و بدین ترتیب عباسی‌ها به عوض امویها به قدرت رسیدند، اما عباسی‌ها برای بهتر ساختن زنده گی مردم کدام اقدام مهم نکرده و با تعهدات قبلی خود عمل ننمودند.

ابو مسلم والی خراسان تعیین گردید، ولی عباسی‌ها به ابو مسلم و دیگر رهبران جنبش خوشبین نبودند بناءً برای از بین بردن ایشان اقدام نمودند؛ چنانچه در سال(۱۳۴ هـ ق - ۷۵۱م) المنصور ابو مسلم را به حیله و نیرنگ به مرکز خلافت دعوت نموده و او را به قتل رسانید. قتل

ابومسلم خراسانی مردم را دوباره تحریک نمود و قیام کننده گان تحت رهبری (سنباد)، استاد (سیس)، و (مقنع) متحد شدند و علیه عباسی‌ها قیام نمودند.

ب_ امیر فولاد و امیر کروړ:

علی ملقب به امیر فولاد یکی از پسران ملک شنسب و امیر کرور پسر امیر فولاد از امرا بودند که در غور و نواحی اطراف آن حاکمیت داشتند، وقتیکه مردم افغانستان به رهبری ابومسلم خراسانی علیه حکام اموی قیام کردند، امیر فولاد و امیر کروړ با جمع آوری مردم به حمایت از اهل بیت پیامبر(ص) در نهضت عباسی‌ها شرکت نمودند.

غور و نواحی اطراف آن را از وجود امرای اموی پاک ساختند که در دروس بعدی به تفصیل معلومات خواهد داده شد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. نمایندهٔ هر گروپ راجع به یکی از موضوعات زیر بعد از مباحثه با یکدیگر معلومات خویش را در صنف ارائه نماید.

-راجع به مبارزات و سفرهای ابو مسلم خراسانی.

-راجع به مبارزات و موقف سیاسی امیر فولاد و امیر کرور.

سوال‌ها

۱- ابو مسلم را مختصر معرفی نمایید.

۲- ابومسلم در چند سالگی به کجا سفر نمود و با کی ملاقات نمود؟

۳- بیرق عباسی‌ها در کدام سال و در کجا بر افراشته شد؟

۴- نقش امیر فولاد و امیر کروړ را در سقوط اموی‌ها توضیح نمایید.

فعالیت خارج صنف

راجع به مبارزات ابو مسلم خراسانی، امیر فولاد و امیر کرور مطلب تهیه و آنرا در صنف ارائه نمایند.

سوریان

در این درس در مورد ریشه و نصب سوریان و هم امرای مهم این سلسله آشنایی حاصل مینمائید.

قبل از اینکه راجع به امیر کرور و امیر فولاد معلومات ارایهٔ گردد، لازم است به طور فشرده در مورد ریشه، اصل و نصب امرای سوری ویا زوری مطالب بیان شود. سوری یا زوری همان طایفهٔ مشهور تاریخ است که در غور و اطراف آن سکونت داشتند.

این نام نهایت قدیم است، مورخین و جغرافیا نگاران عرب هم آنرا زورو یا زوری نامیده اند. اسم«زور» در عصر بعد از اسلام توسعه می‌یابد و به نام سوروسوری تبدیل میشود.

ملک شنسب بن خرنک که شخص مشهور و نام دار بود و امیر پولاد غوری یکی از فرزندان وی، که از جمله اشخاص معروفی خاندان غوری هم میباشند، اطراف جبال غور در تصرف او بود. امیر کروړ (جهان پهلوان) فرزند وی بود. که در تاریخ از شهرت خاص برخودار بوده است که ذیلاً به معرفی گرفته میشود.

امیر پولاد و امیر کروړ

امیر پولاد: امیر پولاد «نام اصلی اش علی ملقب به امیر پولاد» یکی از فرزندان ملک شنسب بن خرنک از امرای غور، در مرکز افغانستان بود که در اطراف جبا ل غور حاکمیت داشت. وقتی که مردم افغانستان علیه اموی‌ها قیام کردند، او نیز قیام کرد و به حمایت از اهل بیت پیامبر(ص) در نهضت عباسی همراه ابو مسلم خراسانی شرکت کرد و مناطق غور را از وجود امرای اموی‌ها پاک نمود.

امیر کروړ: «نام اصلی اش محمد ملقب به امیر کروړ» فرزند امیر پولاد در سال(۱۲۹هـ ق / ۷۴۶م) در مندیش غور امیر شد. موصوف به کروړ (جهان پهلوان) که به معنی سخت ومحکم میباشد، معروف بود.

امیر کروړ در موسم تابستان در زمینداور میبود و در آنجا قصری داشت که عیناً مانند قصر مندیش بود و در محل مذکور به شکار می‌پرداخت. این امرأ از قرن‌های زیاد در غور و بالشتان و بست ساکن بودند و از اولاد همان« سوری » نام اند که از نژاد سهاک بود.

امیر کروړ مرد با تدبیر، شجاع و دلیر بود. وی توانست که قلاع غور، قصرهای بالشتان، و خیسار، تمران و برکوشت همه را فتح نماید و با دودمان رسالت درکسب خلافت مساعدتهای زیادی کرد و توانست بر نواحی و اطراف غور دامنه قدرت خویش را گسترش دهد و مانند پدر

در راه حمایت از اهل بیت پیغمبر(ص) و نهضت عباسی همراه با ابومسلم سهم فعال داشته باشد و گویند اولین شعر پشتو را او سروده است.

وی بر سبیل افتخار ابیاتی را سرود که آنرا ویاړنه (فخریه) گویند. نمونهٔ ابیات مذکور چنین است:

زه یم زمری، پر دې نړۍ له ما اتل نسته
په هند وسند وپر تخار او پر کابل نسته
بل په زابل نسته له ما اتل نسته
غشی دمن مې ځي، برېښنا پر میر ځمنو باندې
په ژوبله یونم یرغالم پر تښتېدونو باندې؟
په ماتېدونو باندې له ما اتل نسته
زما د بریو پرخول تاوېږي هسک په نمنځ او په ویاړ
د آس له سور مې ځمکه اېږدي غرونه کاندم لتاړ
کړم ایوادونه ویجاړ له ما اتل نسته
زما د تورې تر شپول لاندې دي هرات و جروم؟
عرج و بامیان و تخار بولي نوم زما په اودوم
زه پیژندویم په روم له ما اتل نسته

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ اول راجع به تاریخچهٔ سوریها و گروپ دوم راجع به شخصیت و کارنامه‌های امیر کروړ بین هم گفتگو نمایند.

سوالات

۱- سوری‌ها از کجا بودند؟
۲- امیر پولاد را مختصراً معرفی نمایید.
۳- راجع به شخصیت امیر کروړ معلومات داده و هم بگویید کدام مناطق را فتح نمود؟

فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به شخصیت امیر کروړ به کمک استادان و دانشمندان مطالبی را تهیه نموده و آنرا در صنف قرائت نمایند.

برمکیان

در این درس در مورد زادگاه و شخصیت‌های مهم این فامیل معلومات حاصل مینمایید.

دودمان یا خاندان برمکی یکی از سلسله‌های است که در استحکام دولت عباسی، انکشاف فرهنگ و تمدن اسلامی در تاریخ افغانستان دورهٔ اسلامی اهمیت بسزایی دارد.

برمک

اسم برمک اساساً به شخص معین اطلاق نشده ، بلکه اسم دودمانیست که خدمتگاران و متولیان معبد نو بهاربلخ بودند. سلسلهٔ نسب برمک چنین شرح شده: برمک بن جاماس بن یشتاسف از اولادهٔ گودرز شمرده می‌شوند که ازسال(۹۷ هـ ق) به وزارت بنی امیه منصوب شد و به قول نظام الملک از زمان سلطنت ارد شیر، پدران او وزیران بودند و نوبهار بلخ مربوط آنها بود.

برمکیان اساساً امور وزارت را پیش می‌بردند و مقام وزارت برایشان میراثی بوده و در رابطه به امور وزارت کتاب‌ها نوشتند که پسران ایشان آنرا خوانده و اداب وزارت را یاد میگرفتند.

برمکیان عموماً مردمان دانشمند و کار فهم بودند که در دولت عباسیان امور وزارت را پیش میبردند که به طور مختصر چند تن از اشخاص معروف این خاندان ذیلاً معرفی میگردند:

جعفر برمکی اول

جعفر برمکی نخستین فرد معروف عصر اسلامی از خاندان برمکیان بوده که بنا بر روایات مورخان اسلامی خاندانش در حدود(۳۰ هـ ق / ۶۵۱م) به دین اسلام مشرف شد.

بنا بر روایتی جعفر برمکی با ده تن فرزندانش کشته و اموال وی تاراج حکمران وقت شد. تنها جعفر با مادرش جان به سلامت برد و به کشمیر فرار کرد و در آنجا طب، نجوم، ریاضیات و علوم طبیعی کسب نمود و دین نیاکان خویش را حفظ کرد.

جعفر در عصر ولید بن عبدالملک در دمشق به دربار خلیفه رسید چون عالم، ادیب و سخنور بود. در دربار ولید به رتبهٔ کتابت(سر منشی) رسید. همچنان در دربار سلیمان بن عبدالملک در سالهای (۹۶-۹۹ هـ ق) مقام وزارت را در دست داشت.

خالد برمکی (۹۰ - ۱۶۳ هـ ق)

از خاندان برمکیان شخصی که نخستین بار وجود و هویت او نزد مورخان ثابت است و او را مورث اعلای این خاندان بزرگ می‌شناسند، خالد برمکی است.

ایام کودکی خالد در کشمیر سپری شد؛ زیرا در سنهٔ(۹۰ هـ ق) که سال تولد او است، پدرش در کشمیر زنده گی می کرد. او در آنجا طب، نجوم و دیگر علوم را یاد گرفت.

خالد بن برمک از رجال برجسته و دانشمند، بزرگ و دور اندیش دولت عباسی بود که سفاح او را به مقام وزارت مقرر نموده، ولی او با وجودی که کارهای وزارت را انجام می‌داد. خود را وزیر نمی گفت. زمانی که ابومسلم خراسانی در خراسان با بنی امیه می‌جنگید، خالد برمکی یکی از لشکر کشان دلیر و معتمد او بود.خالد در سال (۱۶۳ هـ ق) وفات نمود.

یحیی بن خالد

یحیی بن خالد برمکی در سال (۱۲۵ هـ ق ۷۴۲ م) به دنیا آمد. موصوف تحت پرورش خاندانش تربیت نیکو یافت. او مردی بود کریم، سخنور و دانشمند، چون پدرش از ارکان دربار عباسی در دورۀ سفاح و منصور بود، یحی نیز در دربار پرورش یافت، و از طرف خلیفه به حکمرانی آذربایجان گماشته شد. بعداً در هنگام خلافت هارون الرشید به مقام وزارت رسید.

چون یحیی استاد هارون الرشید بود بناً هارون الرشید امور مملکت را به موصوف سپرد. یحیی نه تنها در امور مملکت از صلاحیت و لیاقت عالی بر خوردار بود؛ بلکه در نهضت علمی دورۀ عباسی و نشر علوم و ترجمۀ کتب علمی و پرورش دانشمندان کار نامه‌های درخشانی داشت. زمانی مامون خلیفۀ عباسی در مورد وی گفته بود: ((یحیی بن خالد و فرزندانش در بلاغت، کفایت، سخاوت و شجاعت نظیری نیست)). به اثر همین فهم و شجاعت بود که یحیی و پسران چهارگانه اش بعد از ۱۷۳هـ ق. در امور دولت عباسی دست یافتند و در حقیقت کار گردانان دستگاه خلافت و دربار بغداد گشتند و برای هارون جزء نام امیرالمؤمنین چیزی دیگری باقی نماند. هارون الرشید دید که قدرت و نیروی ایشان به نهایت رسیده و نزدیک است که خطری به مقام خلافت وارد گردد؛ بنا برآن در سال ۱۸۷هـ ق. بالای آل برمک حمله نمود و روزهای بدبختی خاندان برمک آغاز شد، جعفر فرزند مقتدر یحیی به امر هارون الرشید کشته شد و یحیی با دو تن فرزندان دیگرش زندانی شد. تمام اموال و جایداد برمکیان ضبط گردید. یحیی بعد از سپری نمودن سه سال زندان به سن ۷۰ سالگی در محرم(۱۹۰هـ) وفات نمود.و بدین ترتیب سلسلۀ برمکیان به سقوط مواجه گردید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ اول راجع به سلسله نسب برمکیان و گروپ دوم در رابطه به کارنامه‌های خالد برمکی و یحیی برمکی بین هم مباحثه نمایند.

سؤالات

۱- سلسلۀ برمک را معرفی نمایید.

۲- خالد برمکی در کدام سال تولد و در کشمیر کدام علوم را آموخت؟

۳- راجع به شخصیت یحیی بن خالد برمکی مختصراً معلومات دهید؟

فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به کار نامه‌های خاندان برمک چند سطر ترتیب نموده و آنرا در صنف ارایۀ نمایند.

فصل دوم

حکومت‌های مستقل و ملی

اهداف فصل

از شاگردان انتظار میرود که در پایان این فصل به اهداف ذیل دست یابند:
۱_ شاگردان با اوضاع افغانستان در عصر طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان و غوریان آشنا شوند.
۲_ رویدادها و حوادث زمان مغولان را تحلیل کرده بتوانند.
۳_ درگیری افغانها را با شیبانی‌ها ، بابری‌ها و صفوی‌ها و هم عواقب ناگوار آن را بدانند.
۴_ زمینه‌های رستاخیز قندهار را تحلیل و تفسیر کرده بتوانند.
۵_ از نقشه‌ها و اطلس‌ها استفاده کرده بتوانند.

طاهریان(۲۰۶- ۲۵۹ ق/ ۸۲۱ - ۸۷۲ میلادی)

در این درس درمورد بنیان گذار طاهریان و اقدامات مهم آن‌ها معلومات ارایهٔ میگردد.

بنیان گذار این خاندان، طاهر فرزند حسین که یکی از شخصیت‌های مهم خاندان مقتدر پوشنگ (زنده جان امروز) در ولایت هرات بود، پدر کلانش در عصر عباسیان مسؤولیت حکومت پوشنج رابه عهده داشت. بعد از حسین پسرش به حکومت پوشنج رسید. طاهر فرزند او یکی از دلاوران و آزادی خواهان خراسان بار آمد و به دست وی اساس اولین حکومت ملی در خراسان گذاشته شد، که به این اساس، آرمان گذشته گان به همت این مرد تحقق یافت.

طاهر در سال (۲۰۵هـ ق/ ۸۲۰ م) وارد افغانستان شد. موصوف وحدت خراسان را تأمین کرد و در ظرف دو تا سه سال کرمان، سیستان، هرات، نیشاپور، مرو، جوزجان، بلخ و تخارستان را به مرکز خود وصل نمود.

بعد از آنکه از فتوحات مهم فارغ شد و مرکزیت بوجود آورد و هم مردم خراسان را بدور خود جمع کرد، در سال (۲۰۷هـ ق/ ۸۲۲ م) اعلان استقلال خراسان را نمود و در خطبهٔ نماز جمعه نام مامون را ذکر نکرد و اساس نخستین حکومت ملی را در خراسان بنیاد گذاشت.

طاهر در همین شب از جهان در گذشت و پسر او طلحه که مرد دانشمند بود، بر مسند پدرش نشست و شش سال با عدالت و مردم پروری حکمروایی نمود. این امیر فاضل، متدین و عادل در سال (۲۱۳هـ ق/ ۸۲۸م) وفات نمود و برادرش علی ابن طاهر قدرت را بدست گرفت. موصوف در ضمن یک شورش مردم کشته شد. در سال (۲۱۴هـ ق/ ۸۲۹م) عبدالله پسر بزرگ طاهر که مدتی در شام و مصر حکمران بوده به امارت رسید و دربار بغداد اورا رسماً به امارت خراسان شناخت. روابط عبدالله با دربار بغداد خیلی صمیمانه بود و همواره با دشمنان بزرگ خلافت می‌جنگید و شورش‌های مردمان طبرستان و سیستان را از بین برد و در سال (۲۳۰هـ ق/ ۸۴۴م) وفات نمود. وی نیز شاعر، ادیب، عالم و عمران پسند بود.

بعد از مرگ عبدالله، پسر او طاهر دوم به قدرت رسید و تا سال (۲۴۷هـ ق/ ۸۶۱م) اقتدار وی دوام کرد.

محمد بن طاهر بعد از پدر در سال (۲۴۷هـ ق / ۸۶۱م) اقتدار را در دست گرفت و تا سال(۲۵۹هـ ق /۸۷۲م) سلطنت کرد او شخص بی کفایت، تنبل و عیاش بود، لهذا نتواست حکومت سلسلهٔ طاهریان را دوام دهد و جای خود را به یک دولت جدید و قوی تخلیه نموده که درتاریخ بنام صفاریان شهرت دارد.

اقتصاد و فرهنگ

با ایجاد دولت طاهری از فشار شدید دولت عباسی بر مردم افغانستان کاسته شد، ولی فشار طبقهٔ زمین دار بر دهقان به حال خود باقی ماند. درین دوره وسایل آبیاری و زراعت رشد کرد، چون ماوراءالنهر هم تحت ادارهٔ طاهری‌ها قرارداشت. عواید دولت بلند رفت و سالانه بر ۴۸ میلیون درهم بالغ گردید. خلافت بغداد از مالیات دولت طاهری که سالانه ۴۵ میلیون درهم، دو هزار گوسفند، دو هزار غلام، تقریباً دو هزار پارچه باب کتانی، باسیزده اسپ بالغ می گردید. خراج میگرفت.

امیر عبدالله بن طاهر به نوبهٔ خود قبول کرده بود که در عوض این همه نقد و جنس، سالانه ۳۸ میلیون درهم به خزانهٔ خلیفه بپردازد، زیرا سیاست دولت طاهری سازش با خلافت اسلامی و حمایت از طبقات عالیه بود.

دولت طاهری زمانی در افغانستان ظهور کرد که عصر اعتلای فرهنگی اسلام بود. خانوادهٔ طاهر مردمان تحصیل کرده بودند، طاهر مرد ادیب و شاعر بود و پسرش عبدالله نیز مانند پدرش شاعر بود و طلحه درعلم نحو وارد بود. منصور بن طلحه در فلسفهٔ رسالهٔ نوشت. دولت طاهری در بخش زراعت و معارف توجه زیادی به خرچ دادند. در این دوره از زبان عربی و دین مقدس اسلام حمایت می‌شد. طاهریان در سرکوب مخالفین خلافت عباسی سهم فعال داشته و در استحکام خلافت اسلامی از هیچگونه مساعی دریغ نه ورزیدند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند گروپ اول راجع به کارنامه‌ها و فتوحات طاهریان و گروپ دوم در رابطه به وضع اقتصادی و فرهنگی طاهریان بین هم گفتگو نمایند، بعداً نمایندهٔ هر گروپ معلومات خود را برای دیگران ارائه دارد.

سوالات

۱- بنیان گذار خاندن طاهریان کی بود آنرا معرفی نمایید؟

۲- راجع به شخصیت طلحه معلومات داده و هم بگویید که در کدام سال وفات نمود؟

۳- در مورد روابط عبدالله با دربار بغداد معلومات داده و هم شورش کدام مردمان را سرکوب نمود و دست آوردهای آن چی بود؟

فعالیت خارج از صنف

شاگردان در رابطه به اقتصاد و فرهنگ طاهریان معلومات بدست آورده و در صنف ارائه نمایند.

صفاریان(۲۵۹- ۲۹۸هـ.ق. / ۸۷۲ - ۹۱۰ م.)

آیا میدانید بنیان گذار صفاریان چه کسی بود؟

بنیانگذار این سلسله یعقوب پسر لیث از قریهٔ قرنین سیستان در زرنج بود که بعد شامل دستهٔ عیاران شده همرای برادر خویش عمر و لیث صفاری با صالح بن نصر حکمران سیستان پیوست و به رتبهٔ سپهسالاری رسید، یعقوب مرد دلیر و شجاع بود که میخواست حکومت مقتدری را در خراسان و سیستان تشکیل دهد، زیرا در این وقت طاهریان ضعیف شده و توان مقاومت را با خلافت مقتدر بغداد نداشتند. یعقوب به کمک عیاران، رقیبان خویش را شکست داد و از مردم سیستان بیعت گرفت. موصوف در جنگ‌های متعددی، صالح حکمران سیستان، رتبیل شاه حکمران کابل و تعداد دیگر را کوبیده و ده‌ها هزار اسیر و اموا ل غنیمت را به دست آورد.

یعقوب لیث صفاری به یک حکمروای مقتدر تبدیل گردید، وی در سلسله‌های اسلامی اولین حکمران عادل و مقتدری بود که تمام افغانستان را از دریای آمو تا سیستان و مکران و از بادغیس، مرو، هرات تا کابل، گردیز و زابل را در مدت چند سال وحدت سیاسی بخشید، همچنان ایران را جزء قلمرو خود ساخت و از دولت عباسی تنفر داشت.

یعقوب لیث صفاری در تنظیم امور نظامی، عمرانی و تقویهٔ خزاین جد و جهد کرده بعد از مرگ وی چهار میلیون دینار و پنجاه میلیون درهم وده هزار الاغ و پنج هزار شتر بجا ماند. به اثر مریضی که به آن مبتلا بود در سال (۱۶۲هـ ق/ ۸۷۸م) چشم از جهان پوشید.

یعقوب نخستین پادشاه افغانستان بود که در پایتخت خلافت اسلامی نام او را در خطبه با نام خلیفهٔ بغداد یکجا ذکر نمود.

بعد از مرگ یعقوب برادرش عمرو لیث در سال (۱۶۲هـ ق/ ۸۷۸م) به سلطنت نشست و دربار خلافت هم او را به رسمیت شناخت.عمرو لیث شورشهای متعددی را که در خراسان علیه او واقع شده بود، با تدبیر خاموش کرد. دشمنان خود را از بین برد و خراسان را تصفیه کرد. بالآخره در یکی از جنگ‌های که در بلخ با لشکر اسماعیل بن احمد سامانی به وقوع پیوست، در سال (۲۸۱هـ ق/ ۸۹۴م) کشته شد.

عمرو لیث صفاری نیز پادشاه عمران دوست و عادل بود که هزار رباط، پنجصد مسجد، پل‌ها و راه‌های زیاد اعمار نمود. در حسن سیاست و تدبیر مملکت نظیر نداشت.

بعد از عمرولیث دولت صفاری ضعیف شد و سامانیان بر افغانستان شمالی و هرات تا حدود سیستان تسلط پیدا کردند. اخلاف صفاریان تا مدتی حکمرانان سیستان بودند و از سال

(۲۸۹هـ ق/ ۹۰۱م) به بعد حکمرانان متعددی از این خاندان بر سیستان حکمرانی کردند، که بعدها سامانیان روز به روز نیرومند تر و بر عکس صفاریان رو به زوال شدند، همان بود که امیر احمد سامانی پایتخت صفاریان را تحت تصرف خود در آورد و سلسله صفاریان خاتمه یافت.

اقتصاد و فرهنگ

در طول دورهٔ نیم قرنهٔ صفاری، انکشاف اجتماعی افغانستان دوام داشت و مرکزیت سیاسی استحکام یافت. از نظر اقتصادی، صنایع و تجارت کشور در حال انکشاف بود، زراعت و آبیاری نیز رشد قابل ملاحظه نمود.

مخصوصاً در حوزهٔ هریرود و هلمند باغداری، راه سازی، آسیای بادی و آبی، حفر جوی‌ها و کانال‌ها احداث وهم چنان پیشه وری و معماری نیز در شهرها رونق داشت.

صفاریان توجه زیاد در راه آبادی و عمران کشورمبذول داشته و پول هنگفت در این بخش تخصیص دادند، همچنان در مسیر شاهراه‌ها رباط‌ها و در دشت‌ها مناره‌های متعدد ساخته شده بود.

علوم و هنر در قرن دهم به اوج خود رسید، در همین قرن در زمینهٔ تاریخ ادب، نجوم و حساب پیشرفت‌های صورت گرفت.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ اول راجع به امور نظامی و فتوحات صفاریان و گروپ دوم راجع به اقتصاد و فرهنگ این دوره با هم بحث نمایند و نمایندهٔ هر گروپ راجع به موضوعات فوق به دیگران معلومات ارائه نمایند.

سوالات

۱- بنیان گذار سلسلهٔ صفاریان را معرفی نمایید.
۲- در رابطه به کارنامه‌های یعقوب لیث صفاری مختصراً معلومات دهید.
۳- راجع به وضع اقتصادی صفاریان معلومات ارائه نمایید.
۴- راجع به وضع سیاسی صفاریان معلومات ارائه نمایید.

فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به سلسلهٔ صفاریان مقالات ترتیب و آنرا در صنف بیان نمایند.

سامانیان(۲۹۸- ۳۵۰ هـ ق/ ۹۱۰ - ۹۶۱ م)

در این مبحث راجع به مؤسس سامانیان و اقدامات مهم آن معلومات ارایهٔ میگردد.

سامانیان از ساکنان بلخ و پیرو دین زردشتی بودند، سامان خدات مؤسس این سلسله از متنفذین محل و حاکم بلخ بود، با اسد والی عربی خراسان دوست شد. موصوف دین اسلام را پذیرفت و نام پسر خود را اسد گذاشت. اسد چهار فرزند داشت (نوح، احمد، یحیی و الیاس). پسران اسد اشخاص باکفایتی بودند که در دوران مامون عباسی به حکومت محلی ماوراءالنهر و هرات مقرر شدند. از آنجمله نوح در سمرقند، احمد در فرغانه و الیاس در هرات حاکم بودند. ابراهیم پسر الیاس به سپهسالاری دولت طاهری افغانستان رسید. حاکم فرغانه در سال (۲۶۱هـ ق/ ۸۷۴ م) فوت و نصر پسرش در سمرقند جانشین او گردید. اسمعیل برادر نصر حاکم بخارا شد و همین شخص بود که بعدها دولت سامانی را در سال(۲۷۹هـ ق/ ۸۹۲ م) بعد از مرگ نصر و گرفتن سمرقند اساس گذاشت. به تعقیب آن تمام ماوراءالنهر و خراسان به دست اسمعیل افتاد و در بار خلافت عباسی نیز او را رسماً به پادشاهی شناخت. اسمعیل در سال ۲۸۸هـ ق. (۹۰۰ م) به حمایت خلافت بغداددر مقابل صفاریان لشکر کشی نموده و عمرو لیث صفاری را اسیر نمود. مناطق تخارستان تا مرو، هرات و شمال ایران و ممالک ماوراء النهر را ضمیمهٔ حکومت سامانی گردانید.

بعد از مرگ اسمعیل، فرزندش، احمد بجای او نشست وی در سال(۲۹۸هـ ق/ ۹۱۰ م) سیستان و بست را از دولت صفاری گرفت و خودش در سال(۳۰۱هـ ق/ ۹۱۳ م) به دست غلامان در بار کشته شد. بعد از آن نصر کوچک پسر او به سلطنت رسید. حکام نصر در افغانستان تا قندهار و غزنی هم رسیدند. بعد از مرگ نصر در سال ۳۱۲هجری قمری (۹۴۲ م)، نوح پسرش پادشاه شد، در عهد وی شورشهایی بوجود آمد وادارهٔ دولت رو به انحطاط گرایید.

در سال ۳۴۲هجری قمری (۹۵۴ م) نوح وفات نمود و عبدالملک پسرش جانشین او شد، مگر سیر انحطاطی دوام داشت. در عصر وی الپتگین غلام ترکی زبان دربار سامانی به سپاه سالاری خراسان رسید. عبدالملک در سال ۹۶۱م درگذشت و برادرش منصور بن نوح جانشین او شد. الپتگین از منصور اطاعت ننمود و دست به اغتشاش زد، منصور سپاهی برای سر کوبی او در بلخ سوق نمود و الپتگین سپاه منصور را شکست داده بلخ، تخارستان و غزنی را تصرف نمود و اساس حکومت غزنوی رابنیاد گذاشت.

اقتصاد و فرهنگ

قرن نهم و دهم میلادی که دورهٔ اوج ترقی و تعالی فرهنگ تمدن اسلامی در جهان بود، در این عصر دولت سامانی بنیان گذاری شد، آسیای وسطی (افغانستان، ماوراءالنهر و ایران) با این قافله حرکت میکرد. درین دوره دولت سامانی، مرحلهٔ رشد وانکشاف خود را سپری میکرد. زراعت و آبیاری در آسیای وسطی پیشرفت نموده، مالداری انکشاف نمود، صنعت ابریشم، نساجی و کاغذسازی ترقی

کرده بود. طلا، نقره، آهن، مس، سرب و نوشادر از معادن افغانستان و ماوراءالنهر استخراج می‌شد. ساختن اسلحه، آلات زراعتی، ظروف، چرم و صابون، شمع ریزی، پوست دوزی، قالین بافی و غیره رونق داشت.

تجارت وسیع با چین، هند، شرق نزدیک و روسیه بر قرار بود وراه‌های تجارتی وکاروان سراها باز بود. تبادلهٔ اموا ل تجارتی از قبیل: اسلحه، ظروف، چرم باب، احجار کریمه و ادویه، کاغذ، پوست، ابریشم، غله جات، حبوبات، روغن، صابون، میوه، نقره، آهن، مس و غیره. بین ممالک به پیمانه وسیع صورت می گرفت.

قرن نهم و دهم میلادی عصر شگوفایی علم و هنر آسیای وسطی محسوب میگردید، شهرهای افغانستان و ماوارء النهر مرکز علما، شعرا و هنرمندان سایر ممالک جهان گردیده بود. دربار سامانی مشوق و حامی علم و هنر بود، دانشمندان وفضلا مانند ابوالفضل محمد، رودکی، ابو علی محمد، مترجم تاریخ طبری ابو عبد الله احمد مولف کتب المسالک و کتاب الزیادات، ابو منصور عبدالله، ابوطبیب مصعب، ابوالحسن عتبی و غیره در همین عصر زنده گی داشتند که ایشان در نشر علم و هنر تأثیر بارزی داشتند.

فلاسفه و علمای این دوره از پیش قدمان علمی دورهٔ اسلامی خراسان هستند. که به گونه مثال می‌توان ابوزید بلخی ابو سعید، ابو سلیمان، ابو جعفر و ابو الوفأ و غیره در علوم دینی، ابو حاتم، محمد بن الکاتب و غیره از همه مشهور تر محصول قرن نهم و دهم میلادی ابو نصر فارابی و ابن سینای بلخی را نام برد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ اول راجع به حکمروایی و فتوحات دورهٔ سامانیان و گروپ دوم در مورد اقتصاد و فرهنگ این دوره باهم مباحثه نمایند، بعداً نمایندهٔ هر گروپ راجع به موضوعات فوق برای دیگران معلومات ارائه نمایند.

سؤالات

۱- راجع به سلسلهٔ سامانیان مختصراً معلومات دهید.
۲- شاه اسمعیل سامانی کدام مناطق را ضمیمهٔ حکمروایی خویش گردانید؟
۳- منصوربن نوح سامانی چرا بر ضد الپتگین لشکر کشید و نتیجه چه شد؟
۴- فلاسفه و علمای دورهٔ سامانیان را نام بگیرید.

فعالیت خارج از صنف

شاگردان در رابطه به سلسلهٔ سامانیان مطالبی تهیه و آنرا در صنف بیان نمایند.

غزنویان (۳۵۱- ۵۴۳ هـ ق/ ۹۶۲ - ۱۱۴۸ م)

در این درس راجع به ریشهٔ نژادی، ساحهٔ قلمرو و اقدامات مهم دودمان غزنوی‌ها معلومات ارائه می‌شود.

الپتگین از غلامان ترکی زبان دربار سامانی بود که بعدها به مقام سپاه سالاری اردوی سامانی رسید. بعد از شکست سپاه منصور بن نوح سامانی، در سال ۳۵۱ هـ ق/ ۹۶۲م اساس یک حکومت مستقل محلی را گذاشت. الپتگین در سال ۳۵۳هـ ق/ ۹۶۴ م در گذشت و حکومت غزنی به دست پسرش ابراهیم و باز به دست افسران او بلکاتگین و پرتگین افتاد. اینها ۱۳ سال یکی پی دیگر حکومت کردند، ولی حدود حکومت شان از علاقهٔ غزنی تجاوز نکرد.

در سال (۳۶۷هـ ق/۹۷۷ م) سبگتگین داماد و افسر الپتگین به حکومت رسید، که مؤسس دولت غزنوی گردیده و عنوان امیر خراسان را اختیار میکند.

سبگتگین در سال(۳۸۹هـ ق/ ۹۹۸ م) وفات نمود و یک دولت مقتدر غزنوی را به میراث گذاشت. بعد از او سلطان محمود غزنوی پسرش به عمر ۲۷ سالگی در نیشاپور و اسمعیل برادرش در بلخ اعلان سلطنت کردند. محمود اسمعیل را در جنگ غزنی شکست داده و محبوس نمود تا بالآخره وفات کرد. محمود سپاه سامانی را در مرو مغلوب، طوس و غرجستان را فتح و سیستان را تحت کنترول خود در آورد.

در سال ۴۰۸ هـ ق/ ۱۰۱۷ م خوارزم را تصرف نمود. و با پنجاه هزار عسکر ایلک خان در بلخ مقابل شد و آنرا به شکست مواجه ساخت و در سال ۴۱۵هـ ق/ ۱۰۲۴ م آنقدر نیرومند شد که از جیحون عبور کرده و قدرخان برادر ایلک خان نزد او آمد و قرار داد دوستانه با او امضأ کرد.

درجبهۀ شرق جیپا ل پادشاه بر همنی کابلستان را در ساحل سند شکست داد و پشاور را مرکز سوق و اداره خویش قرار داد و بعداً حکومت اسمعیلیه ملتان را سقوط داد و متفقاً بالای پنجاب حمله کرد. کشمیر و قنوچ را فتح و برهمن شاه را با مرکزش در کنار چپ ستلج از بین برد، گوالیار، کالنجر و سومنات را فتح کرد و بت‌ها را شکستاند و لقب بت شکن را حاصل نمود. به تعقیب آن همدان و اصفهان را در ۴۱۹هـ ق/ ۱۰۲۸م. تحت کنترول خود در آورد. قلمرو غزنویان از قزوین(ایران) تا دریای ستلج (هندوستان شمال) و از خوارزم تا بحیرۀ عرب و سعت داد. سرانجام در سال ۱۰۳۰ م به عمر ۵۹ سالگی وفات یافت. بعد از مرگ سلطان محمود پسرش محمد از جوزجان به غزنی آمد و اعلان سلطنت کرد، درباریان برادرش مسعود را که والی ایران بود دعوت و محمد را محبوس نمود. مسعود در سال ۴۲۱هـ ق/ ۱۰۳۰م از اصفهان به غزنی رسید و برادر محبوس خود را کور کرد و اعلان پادشاهی کرد.

مسعود شخص تحصیل کرده، تجمل پسند، تنومند قوی، دلیر، خود خواه و حریص بود، او دوبار به هندوستان لشکر کشی نمود و قلعه‌های سرستی و هانستی را تصرف نمود.

سلطان مسعود از اینکه یک شخص عیاش و خودخواه بود، همیشه به تجمل و عیاشی میپرداخت و خزانۀ دولت را به امور بیهوده و شخصی به مصرف میرساند و از طرف مردم نیز حمایت خویش را از دست داده و هیچ کاری در عرصۀ پیشرفت کشور و آسایش مردم انجام نداد. همان بود که ترکمن‌ها بعد از دوبار شکست دادن سلطان مسعود در سال ۴۳۰هـ ق/ ۱۰۳۸ م در نیشاپور بنام طغرل بیگ خطبه خواندند. جنگ سوم در سرخس و چهارم در راه مرو بین طرفین واقع شد، مسعود به غزنی عقب نشینی نموده و راه هند را در پیش گرفت. سپاه او در عرض راه موصوف را خلع و خزاین آن را تاراج کردند و امیر محمد نابینا را به تخت شاندند، امیر محمد قدرت را به پسر خویش امیر احمد داد. اولین کار امیر احمد قتل، مسعود بود.

مودود پسر مسعود از بلخ بالای کاکا و پسر کاکای خود حمله نمود و محمد و احمد را با خانواده اش از بین بردند و به تخت غزنی نشست. بعد از وفات مودود امیر عبدالرشید پسر محمود پادشاه شد. که آن هم از

طرف طغرل بیک کشته شد.

بالاخره دورهٔ غزنویان آهسته آهسته رو به انحطاط گرایید و طی سالها تعدادی از حکمرانان دیگر غزنوی نیز حکومت‌های خورد کوچکی را تشکیل داده و آخرین پادشاه غزنوی خسرو و پسرش خسرو ملک تا سال۵۹۸هـ ق/ ۱۲۰۱م در لاهور حکومت کردند.

اقتصاد و فرهنگ: در قرن ۱۰ تا ۱۲ م که مصادف با دورهٔ غزنویان است، تمام شؤون اجتماعی این کشور مراحل نهایی تکامل قرون وسطی خود را می‌پیمود. زراعت و آبیاری انکشاف یافت و بندهای آبی ساخته شد آسیاب‌های بادی و آبی و چرخ‌های آب کشی به میان آمد. تولیدات زراعتی از قبیل جو، گندم، پنبه، برنج، انگور، کشمش، بادام و غیره بود، در پهلوی زراعت، صنایع و پیشه وری وجود داشت. نساجی، قالین بافی، فلز کاری، اسلحه سازی، صابون سازی و ظروف سازی پیشرفت نموده بود. همچنان معادن نقره، سرب و سایر معدنیات مورد نیاز قسماً به کار افتاده بود. ساختمان و عمارات عالی ساخته شد، شهرهای عمدهٔ افغانستان، بلخ، هرات، کابل، مرو و نیشاپور، مراکز عمده تجارتی آسیای وسطی بود، راه ابریشم که ازساحهٔ قلمرو دولت غزنوی میگذشت، کاروان‌های عظیمی در آن رفت و آمد داشتند. کشور چین و هند را با مدیترانه وصل می‌نمود. مال‌های تجارتی مانند مواشی، منسوجات، عطریات، ادویه جات، آلات فلزی، اسلحه و احجار کریمه، ظروف، کاغذ، پشم، پوست و چرم، حبوبات و شحمیات و غیره توسط کاروان‌های تجارتی از یک کشور به کشور دیگر انتقال می‌شد.

در بخش فرهنگی نیز در دورهٔ غزنویان کارهای قا بل ملاجظه صورت گرفت در آن دوره توجه زیاد تر به تعالیم دینی بود که در اکثر مدارس افغانستان علوم دینی و ادبی تدریس می گردید. تعلیمات عالی شامل زبان عربی، علوم شرعی، ادبی و مقداری از حساب، نجوم و طب بود. سیر تکاملی علوم فلسفی متوقف گردید. به همین جهت بود که مشهور ترین دانشمندان عصر، ابن سینا و ابو سهل مسیحی دعوت سلطان محمود غزنوی را رد کردند و عوض غزنی از خوارزم به دربار کوچک آل بویه شتافتند. با وجودآن هم در بار غزنه مرکز تجمع شعرا و ادبا محسوب می گردید.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ اول راجع به زمام داران غزنوی وطرز حکومت داری آنان و گروپ دوم راجع به وضع اقتصادی و فرهنگی این دوره از همدیگر سؤال مطرح کنند.

سؤالات

۱- مؤسس دولت غزنوی کدام شخص و چه وقت به قدرت رسید؟

۲- سلطان محمود غزنوی در چند سالگی به سلطنت رسید و قلمرو غزنویان را تا کدام مناطق وسعت داد؟

۳- آخرین پادشاه غزنوی کی و در کجا حکومت کرد؟

۴- راجع به وضعیت فرهنگی غزنویان مختصراً معلومات دهید.

فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به حکمروایی سلطان محمود غزنوی معلومات جمع آوری نموده و آنرا در صنف ارائه نمایند.

سلجوقیان

در این درس راجع به اصل و نسب سلجوقیان، ساحهٔ حکمراویی، اقتصاد و فرهنگ ایشان معلومات حاصل مینمایید.

سلاجقه اصلاً از ترکمنان اُغُز محسوب میشوند که در قرن هشتم میلادی به حوالی بحیرهٔ خوارزم (آرال) و سیردریا کوچ کردند. جد بزرگ خاندان سلجوقی دقاق (تقاق) نام داشت. او در خدمت پادشاهان ترک بود و سلجوق پسر دقاق بود که همچون پدرش در خدمت پادشاهان ترک قرار داشت. گویند او و خاندانش به سال ۳۸۲ هـ ق/ ۹۹۲ م مسلمان شدند. سه پسر سلجوق به نام‌های اسرائیل، میکائیل و موسی به سوی ماوراءالنهر کوچ کردند و در خدمت سامانیان درآمدند. اما دستگیری اسرائیل توسط سلطان محمود غزنوی و فوت او پس از هفت سال زندان درکالنجرهندوستان، روابط سلجوقیان ترکمن با غزنویان ترک را خراب کرد. و بخصوص سیاست‌های سلطان مسعود غزنوی فرصت خوبی به آنان داد تا قدرت سیاسی و نظامی را به چنگ آورند. آنان در سال ۴۲۹ ق/ ۱۰۳۸ م شهر مهم نیشاپور در خراسان را گرفتند و سپس در جنگی در ناحیهٔ دندانقان شکست سختی بر نیروهای سلطان مسعود غزنوی وارد ساختند. رهبری سلاجقه را در این نبرد طغرل بیگ پسر میکائیل بر عهده داشت و او علاوه بر نیشابور، ولایات مهم دیگری را در ماوراءالنهر، افغانستان و ایران به دست آورد.

نقشهٔ حکمروایی سلجوقیان

طغرل بیگ به عنوان بنیانگذار حکومت سلسلهٔ سلجوقی محسوب می شود و تا سال ۴۵۵ ق/ ۱۰۶۳م سلطنت کرد. با فوت او پس از ۲۶ سال سلطنت، آلپ ارسلان، برادرزاده اش به حکومت رسید و او خواجه نظام الملک را به وزیری برگزید و با اقدامات این وزیر دانشمند، دولت و نظام سلجوقی در داخل از ثبات خوبی برخوردار شد و در بُعد خارجی، سلاجقه، رومیان را در جنگ معروف ملازجرد واقع در بین بحیرهٔ وان و ارزروم، در سال ۴۶۲هجری قمری/ ۱۰۶۹م شکست دادند. قیصر روم، دیوژن رومانوس را اسیر و آسیای صغیر را تصرف کردند.

آلپ ارسلان به سال ۴۶۵ هجری قمری/ ۱۰۷۲م در راه خوارزم به قتل رسید و پس از او فرزندش ملک شاه سلجوقی به کوشش خواجه نظام الملک به سلطنت رسید. او نه تنها بر شورش‌های داخلی فایق آمد، بلکه قلمرو دولت سلجوقی را در شرق تا چین و در غرب تا بحیرهٔ مدیترانه رسانید.

حکومت ملک شاه بعد از برکناری خواجه نظام الملک و روی کار آمدن تاج الملک قُمی رو به ضعف گذاشت و با فوت او در سال ۴۸۵ ق/ ۱۰۹۲ م جنگ‌های خانگی میان اعضای خاندان سلطنتی به خاطر به دست گرفتن قدرت شروع شد و موجب گردید تا قلمرو وسیع سلجوقی‌ها میان شاهزادگان تقسیم و هر شاهزاده با کمک وزیر و سرپرست خویش که اصطلاحاً «اتابک» نامیده می شدند، ولایتی را اداره می کردند. اتا بکان نیز پس از مدتی دم از استقلال زدند و خود سلسله‌های مستقلی را در آذربایجان و لرستان ایران تشکیل دادند. شرق قلمرو سلجوقی شامل افغانستان در اختیار سلطان سنجر قرار گرفت و او پس از کشمکش‌های زیاد، مرو را

منحیث پایتخت برگزید اما با مرگ وی در سال ۵۵۲ ق/ ۱۱۵۷ م پس از تقریباً ۴۲ سال سلطنت، دودمان سلاجقهٔ شرق نیز راه افول در پیش گرفتند و چون سلطان سنجر جانشینی نداشت، خواهرزاده اش رکن الدین محمود تا سال ۵۵۷ هجری قمری/ ۱۱۶۱ م بر قسمتی از افغانستان و ماوراءالنهر سلطنت کرد اما در این سال توسط یکی از سرداران سلجوقی دستگیر و کور شد. از این پس افغانستان و ماوراءالنهر میدان کشمکش میان امرای غوری و خوارزم شاهی گردید.

اقتصاد و فرهنگ دورهٔ سلجوقیان

گرچه سلاجقه از حیث فرهنگ و تمدن عقب مانده تر بودند و هنوز خوی و خصلت قبایلی خود را از دست نداده بودند با این وصف توجه پادشاهان سلجوقی به وزرا و شخصیت‌های دانشمند محلی و استمداد از آنان در امر حکومت داری موجب شد تا حدودی از زیان‌های نظام قبایلی کاسته شود.

در این دوره املاک و زمین‌های زراعتی به شکل اقطاع در اختیار افراد وابسته به سلاجقه قرار گرفت و از این ناحیه صدماتی به بخش زراعت وارد آمد، اما در این دوره بنای مساجد، مقابر و آرامگاه‌ها از اهمیت خاص مذهبی برخوردار شد. و مدارسی نیز به نام «نظامیه» به منظور تعلیم و تربیت در نقاط مختلف مملکت ما به وجود آمد. از جمله عمرانات آنها می توانیم از زیارتگاه امام خرد در سرپل جوزجان، یک منار در دولت آباد بلخ، زیارت بابا حاتم در بلخ نام ببریم.

از تغییرات دیگر فرهنگی رواج یافتن اصطلاحات اداری ترکی مانند کوتوال (فرماندهٔ قلعه‌ها)، باسقاق (مامور اخذ مالیات) و نیز ورود و رواج لباس‌های رنگارنگ و با شکوه می باشد.

همچنین سلاجقه را می توان خدمت گزاران جدی زبان و فرهنگ دری دانست زیرا زبان مذکور از طریق ایشان به عراق، آذربایجان و آسیای صغیر (ترکیهٔ فعلی) انتقال یافت. از جمله شخصیت‌های مهم علمی و فرهنگی دورهٔ سلجوقی می توانیم از حکیم مجدود آدم مشهور به سنائی غزنوی، خواجه عبدالله انصاری، شیخ محمد غزالی، خانم منیژه مهستی، و غیره نام ببریم.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دوگروپ تقسم شوند. گروپ اول در مورد ریشهٔ نژادی سلجوقیان ، گروپ دوم دربارهٔ روابطه غزنویان با سلجوقیان مطالبی را تهیه و در صنف ارائه نمایند.

سوال‌ها

۱. سلجوقیان در اصل از کدام مردم بوده و چگونه قدرت دولتی را تصاحب کردند؟
۲. مهم ترین وزیر دولت سلجوقی را نام ببرید.
۳. آخرین شاه سلجوقی چگونه از بین رفت؟

فعالیت خارج صنف

شاگردان در باره زنده گی و آثار خواجه عبدالله انصاری و حکیم سنایی مقالات ترتیب داده و در صنف قرائت نمایند.

غوریان

غوریان از جمله سلسله‌هایی اند که در تاریخ کشور ما و منطقه از نقش و سهم مهمی برخوردار بودند. غوریان با تأسیس سلطنت د رغور، هندوستان را نیز به زیر فرمان خویش درآوردند که در این درس بطور فشرده به آن آشنا می‌شوید.

غوریان که از غور در (مرکزافغانستان) برخاستند در اصل منسوب به ملک شنسب می باشند که در غور امارت داشت و بنا بر نوشتهٔ منهاج السراج جوزجانی در کتاب طبقات ناصری وی (ملک شنسب) در صدر اسلام حیات داشت و خود، داوطلبانه در روزگار خلافت حضرت علی(رض) و بر دست ایشان اسلام آورد، «عهد» و «لوا» که دو نشانهٔ امارت بود از آن حضرت گرفت.

امرای غور به دلیل وضعیت خاص جغرافیایی و واقع شدن در ناحیهٔ صعب العبور از همان ابتدا از استقلال نسبی برخوردار بودند و بیشتر پادشاهان و کشورگشایان نتوانسته اند که این سرزمین را به زیر فرمان خویش در آورند.

غوریان در نهضت عباسی سهم فعالی گرفتند و امیر فولاد غوری با ابومسلم خراسانی همکاری نمود. اما اول کسی که عهد و لوا از هارون الرشید عباسی گرفت امیر بنجی نهاران نام داشت.

نقشهٔ دولت غوریان

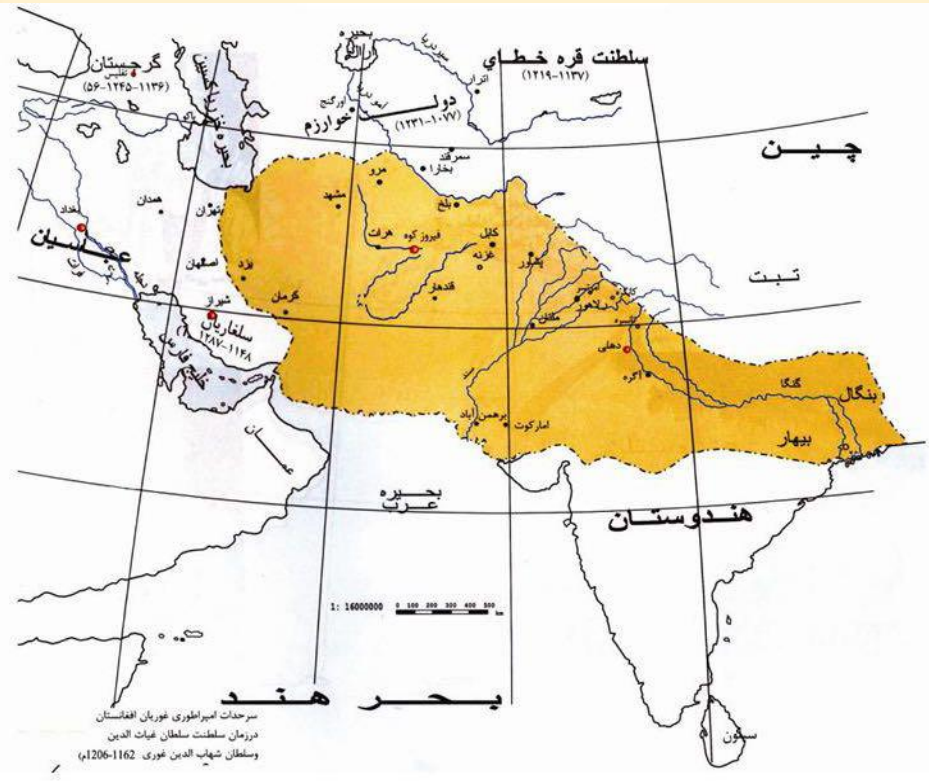

او پس از امیر فولاد، دومین امیر قدرتمند غور محسوب می شود. از امرای غور شخصی که با سبکتگین و پسرش سلطان محمود غزنوی همزمان بوده و پیوسته متعرض متصرفات این پدر و پسر می شد، محمد سوری نام داشت. آخر الامر سلطان محمود غزنوی در سال ۴۰۱ هـ ق/ ۱۰۱۰ م بر محمد سوری هجوم برد و اورا به اسارت گرفت . محمد سوری در اسارت محمود غزنوی درگذشت اما سرپرستی ایالت

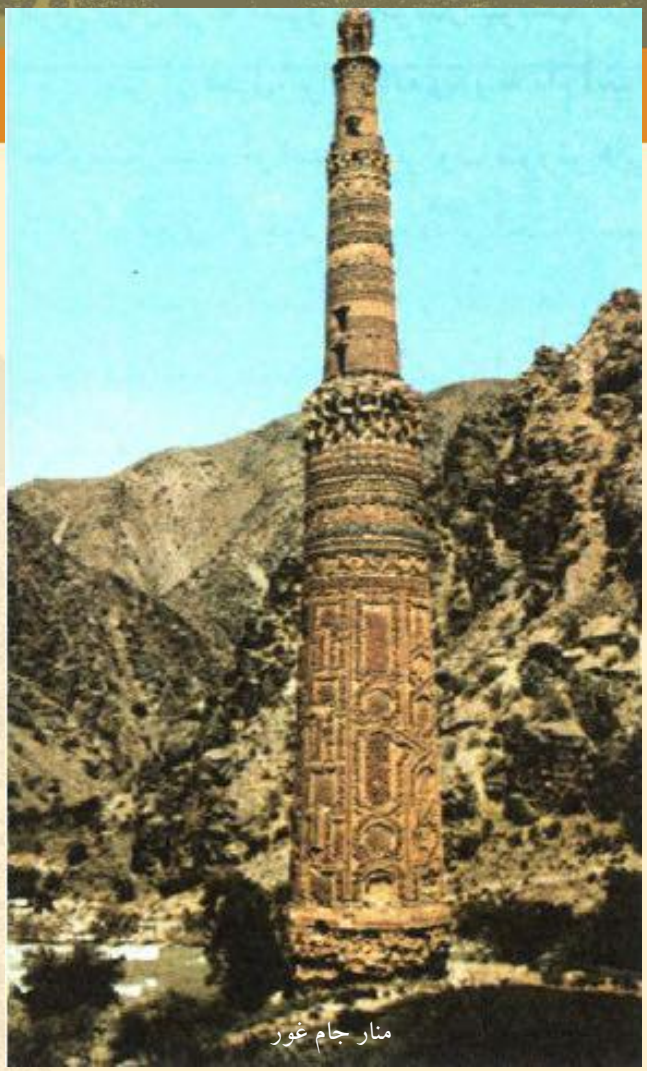
منار جام غور

غور از طرف سلطان محمود به پسر او (شیث) واگذار شد.

غوریان از این تاریخ به زیر فرمان غزنویان درآمدند و با اینکه در منطقهٔ خود شان مستقل بودند، اما خراجگزارغزنه محسوب می شدند. این وضعیت تا روزگار امارت سلطان بهرام شاه غزنوی و سلطان سنجر سلجوقی ادامه یافت. در این دوره غوریان تحت رهبری علاالدین حسین با سلطان سنجر سلجوقی درگیر جنگ شدند (۵۴۷ ق / ۱۱۵۲ م)، اما علاالدین حسین پس از شکست از سلطان سنجر، دوباره به حکومت غور رسید.

علاالدین حسین پس از چندی بر غزنه هجوم برد و آن را تصرف کرد. وی برادر خود سیف الدین را در عوض بهرام شاه غزنوی به حکومت غزنه منصوب ساخت. پس از چندی مردم غزنه علیه او شوریدند و با قتل سیف الدین، بار دیگر بهرام شاه غزنوی را به قدرت رساندند.

علاالدین حسین به انتقام این عمل غزنویان، در سال ۵۵۶ ق/۱۱۶۰ م در روزگار خسرو شاه فرزند بهرام شاه بر غزنه یورش برد و آن را گرفت و آتش زد. از این پس وی به علاالدین جهانسوز معروف شد.

چندی پس از علاالدین یکی از برادرزادگانش به نام غیاث الدین بن سام به پادشاهی غور رسید و او با همکاری برادر دلیرش شهاب الدین محمد بن سام ضمن شکست غزان که بر غزنه دست یافته بودند، قلمرو غوریان را از کرمان تا سند رسانید. سلطان شهاب الدین در سال ۵۷۹ ق/ ۱۱۸۳ م لاهور را نیز تصرف نمود و سلطنت غزنویان را کاملاً منقرض ساخت. در اثر اقدامات شهاب الدین مملکت غوریان وسعت زیادی یافت به نحوی که از کناره‌های بحیرهٔ کسپین(خزر) تا ساحل جمنا در هند و از جیحون تا بلوچستان خطبه به نام سلطان غیاث الدین خوانده می شد.

بعد از فوت سلطان غیاث الدین در سال ۵۹۹ ق/ ۱۲۰۳ م برادرش شهاب الدین محمد با

لقب معزالدین بر جای او نشست. اما وی با قدرت دیگری در آسیای مرکزی موسوم به خوارزم شاهیان مواجه شد که نهایتاً به شکست غوریان منجر گردید و سلطان شهاب الدین نیز در سال ۶۰۲ ق/ ۱۲۰۶ م توسط یک تن از مخالفان به قتل رسید.

سلطان غیاث الدین غوری

ضعف حکومت غوریان از زمان غیاث الدین محمود فرزند غیاث الدین محمد آغاز شد و امپراتوری اش رو به تجزیه گذاشت- چنانکه قطب الدین ایبک در دهلی و ناصرالدین قباجه در سند پرچم استقلال را بلند کردند و به تدریج دولت غوری منحصر در غور شد.

وضع اقتصادی و فرهنگی دوره غوریان

هرچند این دوره به دلیل حملات و لشکرکشی‌های پیاپی و جنگ‌های متعدد، از ثبات و آرامش لازم برای رونق و شگوفایی اقتصادی برخوردار نبود اما با این وصف مردمان سرزمین ما در این عصر، در حد رفع ضرورت‌های اولیه به کشاورزی و زراعت و تولید احتیاجات خویش مبادرت می کردند. جو و گندم، پنبه و برنج، انگور و کشمش، بادام و پنیر تولید می شد. هم چنین از بعضی معادن کشور طلا و نقره، آهن و مس، سرب و نوشادر استخراج می گردید و صنایع کوچک مانند پارچه بافی، چرم سازی، قالین بافی و اسلحه سازی رواج یافت. اما در عرصهٔ فرهنگ و علوم ،این دوره را می توانیم ادامهٔ دورهٔ سامانی و غزنوی به حساب آوریم. با اینهمه، به خصوص غوریان به آبادانی و عمران توجه کردند و بعضی مساجد، قلعه‌ها و آبادی‌هایی را به وجود آوردند.

در زمرهٔ عمرانات مهم شان یکی مسجد هرات است که کار آن در زمان سلطنت غیاث الدین محمد غوری آغاز شد. دیگری منار جام غور (که از شهکارهای بزرگ جهان اسلام و جز میراث‌های فرهنگی جهان به شمار می‌رود) می باشد که با ارتفاع ۶۴ متر و با کتیبه ای به نام محمد غوری در منطقهٔ جام غور قرار دارد و یکی از مناره‌های با عظمت دنیا محسوب می‌شود. از سوی دیگر غوریان که به تسامح مذهبی اشتهار داشتند و دربار شان محل تجمع علما و

دانشمندان از فرقه‌ها و گروه‌های مختلف دینی و مذهبی بود، از زمرهٔ حامیان جدی علما و فضلا به حساب می آمدند. آنها به علماء و دانشمندان به دیدهٔ تکریم و تعظیم می نگریستند. ادب و علم دوستی امیران غوری به اندازه ای بود که معروف است علاالدین جهان سوز وقتی قصرهای مجلل و عالی محمود غزنوی و جانشینانش را سوختاند و ویران کرد، در همان حال اشعاری را که در توصیف این بناها سروده شده بود، همه را با طلا خرید و در کتابخانهٔ خویش ضبط کرد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان با استفاده از نقشهٔ جغرافیایی در بارهٔ اهمیت تاریخی سرزمین غور بحث نمایند.

سؤال‌ها

۱. چرا غوریان در نهضت عباسی شرکت کردند؟
۲. مهم ترین امرای غوری را نام ببرید.
۳. حدود و ساحه قلمر و غوریان را تذکردهید.

فعالیت خارج صنف

شاگردان در بارهٔ اهمیت غوریان در تاریخ افغانستان مطلب مختصری را تهیه نموده و در صنف قرائت کنند.

خوارزم شاهیان

در این درس راجع به خوارزم شاهیان، ساحهٔ حکمروایی و اقتصاد و فرهنگ آن معلومات حاصل مینمایید.

خوارزم که در منابع قدیمی به نام هوارزمیا آمده، نام منطقه ای میان سفلای دریای جیحون و کرانهٔ شمالی بحیرهٔ کسپین(خزر) است و خوارزم شاهیان منسوب به این ناحیه هستند. اینان نیز در روزگار برخاستن حکومت‌های محلی اسلامی، پرچم استقلال برافراشتند و سلسلهٔ حکمرانی جداگانه ای را به وجود آوردند. نخستین شخصیت خوارزم شاهیان انوشتگین غرجه نام داشت. که در اصل از مردم غرجستان (هزارجات کنونی) بود در مرکز افغانستان. وی در نتیجهٔ خدماتی که به دولت سلجوقی انجام داد، به مقامات مهم اداری و سرانجام به امارت خوارزم رسید. پس از مرگ انوشتگین غرجه، فرزندش محمد، از سوی سلطان سلجوقی در سال ۴۹۱ ق/ ۱۰۹۷ م حکمران خوارزم مقرر شد. همین شخص (محمد) نخستین بار خود را (خوارزم شاه) نامید و در تمام دوران حکومتش زیر حمایت سلطان سنجر سلجوقی به سر برد اما فرزندش (اتسز) که شخصی دانشمند و صاحب فضل بود و به سال ۵۲۲ق/۱۱۲۸م امیر خوارزم شد، در جهت استقلال از حکومت سلجوقی تلاش کرد.

وی در سال ۵۳۵ ق/ ۱۱۴۰ م نام سلجوقیان را از خطبه و سکه انداخت و استقلال کامل خویش را اعلام نمود و کوشید تا با تصرف مناطق جدیدی بر قلمرو جغرافیایی زیر سلطهٔ خویش بیفزاید.

امرای برجستهٔ خوارزم شاهیان عبارت بودند از علاالدین تکش و علاالدین محمد و به خصوص در روزگار حکومت علاالدین محمد متصرفات دولت خوارزم شاهی به حد اعلای خود رسید. حکومت غوریان نیز در سال ۶۰۲ ق/ ۱۲۰۵ م توسط علاالدین محمد مضمحل گردید و به این ترتیب تا سواحل دریای سند در اختیار خوارزم شاهیان قرار گرفت. با همهٔ این وسعت، دولت خوارزم شاهی دیری نپایید؛ زیرا از یک سو با خلیفهٔ عباسی روابط خصمانه ای داشت و در نتیجه خلیفه (الناصرالدین الله در ۵۷۵- ۶۲۲ ق/ ۱۱۷۹- ۱۲۲۵م از مخالفان خوارزم شاهیان حمایت کرد و از جانب دیگر مغولان به رهبری چنگیز خان نیز به سال ۶۱۷ ق/ ۱۲۲۰م قلمرو او را آماج حملات خویش قرار دادند. مغولان شهر خوارزم را تصرف کردند و به این ترتیب زمان زوال قدرت و دولت خوارزم شاهی فرا رسید. علاالدین محمد خوارزم

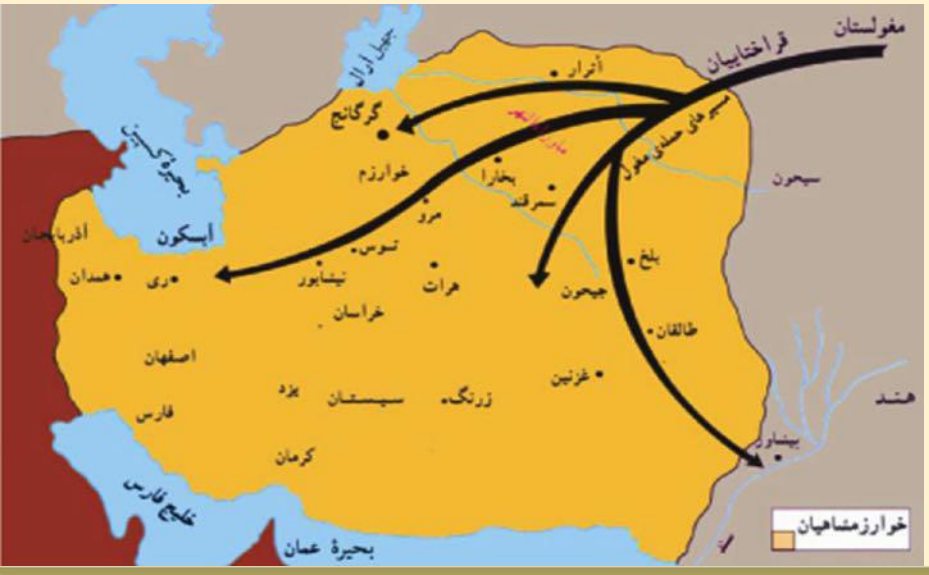

شاه از نزد مغولان گریخت و به یکی از جزایر دریای مازندران پناه برد و بعداً در آنجا درگذشت؛ اما پیش از وفات، فرزندش جلال الدین را جانشین خویش ساخت.وی مقاومت زیادی در برابر مغولان انجام داد اما بعد از جنگ پروان از آنان شکست خورد و به سند گریخت، بار دیگر در نزدیکی سند از چنگیز خان شکست خورد و به دهلی فرار کرد. بالآخره از طریق کرمان و شیراز خود را به اصفهان و آذربایجان رسانید. اما سرانجام به سال۶۲۷ ق/ ۱۳۲۹ م توسط کردها کشته شد و حکومت خوارزم شاهی نیز با فوت او به تاریخ پیوست.

وضع اقتصادی و فرهنگی خوارزم شاهیان

خوارزم شاهیان نیز به سیاست حمایت از شعرا و ادبا ادامه دادند و مشهور است که اتسز خوارزم شاه ،رشیدالدین محمد وطواط بلخی را رئیس دیوان انشای خویش مقرر کرد و این شاعر چیره دست که در نظم و نثر عربی و فارسی دست داشت، کتاب بسیار مشهور خود «حدایق السحر فی دقایق الشعر» را به اشاره و فرمان اتسز نوشت. این کتاب در بارهٔ معانی و بیان و در صنایع لفظی و معنوی کلام می باشد؛ همچنین سیده بیگم (علویه) صاحب فضل وکمال و دارندهٔ دیوان شعر نیز در همین روزگار می‌زیست . وی اشعاری را در جواب وطواط بلخی سرود.

علاالدین محمد نیز به رغم شهرتش به عنوان شخصیت بی رحم و خالی از تدبیر و سیاست، به حیث فرد دانش دوست و ادب پرور نیز معرفی گردیده است و گویند او پادشاهی عالم و دیندار و ادب دوست بود.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ او ل در مورد زادگاه خوارزم شاهیان و گروپ دوم در رابطه به شاهان مشهور این سلسله بحث نمایند.

سؤالها

۱. نخستین شخصیت خوارزم شاهیان چی نام داشت؟
۲. خوارزمشاهیان چگونه به قدرت رسیدند؟
۳. عوامل سقوط خوارزمشاهیان را مختصراً بیان کنید.

فعالیت خارج صنف

شاگردان به کمک منابع و شخصیت‌های فرهنگی راجع به وضعیت اقتصادی و کلتوری خوارزمشاهیان معلومات حاصل و در صنف ارایهٔ نمایند.

مغول‌ها

حملات مغول بر کشور ما، از مهم ترین وقایع تاریخ سرزمین ما را تشکیل می دهد. حملات مذکور که منجر به استیلا و غلبهٔ اقوام مغول شد، نتایج مختلفی را در عرصه‌های جداگانه حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم افغانستان به دنبال داشت.

تشکیل نخستین حکمروای مغولی

مغول‌ها اصلاً از اقوام زرد پوست اند که در قسمتی از آسیای مرکزی و شرقی زنده گی می کردند. این قوم از طوایف متعددی ترکیب یافته و مهم ترین این طوایف عبارت بودند از: تاتار، قیات، جلایر، قنقرات و کرائیت. آن‌ها به شکل قبیله یی و به شیوهٔ کوچ نشینی زنده گی می کردند و تا مادامی که یسوکابهادر (پدر چنگیز خان) در قرن ششم هجری/ دوازدهم میلادی آنان را متحد نساخته بود، بیشتر اوقات، در جنگ و اختلاف به سر می بردند. پس از فوت او فرزندش «تموچین» رهبری مغول را به دست گرفت. تموچین در اجتماع بزرگی از قبایل مغولی در اواخر قرن ششم هجری لقب چنگیز خان را گرفت. وی توانست تا اوایل قرن هفتم هجری/ سیزدهم میلادی اکثر طوایف و قبایل مغولی، آسیای مرکزی را مطیع خویش سازد.

اخبار پیشرفت‌ها و دست اندازی‌های مغولان به سرزمین چین به گوش سلطان محمد خوارزم شاه نیز رسید و از طرف چنگیز خان نیز هیأتی برای دولت خوارزم شاهی فرستاده شد که در نتیجه معاهده ای میان فرستادهٔ چنگیز خان و سلطان محمد خوارزم شاه به سال ۶۱۵ ق/ ۱۲۱۹م بسته شد اما غارت یک کاروان تجارتی مغولی از سوی حکمران شهر اُترار که از نزدیکان سلطان محمد خوارزم شاه بود و قتل تجار کاروان مذکور بهانهٔ خوبی به دست چنگیز خان داد تا قلمرو خوارزم شاهی را آماج حملات خویش قرار دهد؛ بنا بر این در سال ۶۱۶ق/ ۱۲۲۰ م فرمان حمله صادر شد و دهها هزار نفر از سپاهیان مغولی وارد سرزمین‌های اسلامی شدند. پس از قتل و غارت شهرهای بخارا، سمرقند، خوارزم و مرو، شهرهای مهم مملکت ما نظیر هرات، غزنه، کابل و بامیان توسط مغولان به شدت ویران شدند و مردم آنها به قتل رسیدند. به این ترتیب اقوام مغول بر افغانستان استیلا یافتند و یک دورهٔ تاریک در تاریخ مملکت ما رخ داد.

پس از انهدام و اشغال سرزمین‌های زیر فرمان دولت خوارزم شاهی، چنگیز خان در سال ۶۲۱ق/ ۱۲۲۴م به مغولستان برگشت. وی در سال ۶۲۴ق/ ۱۲۲۶م پس از غلبه بر شمال تبت به سن ۷۲ سالگی درگذشت. از میان جانشینان چنگیز خان، بار دیگر در روزگار فرمانروایی منگوقاآن (۶۴۸ –۶۵۷ ق/ ۱۲۵۰ – ۱۲۵۸م) هولاکو خان از طرف او وظیفه یافت تا بر جهان

اسلام یورش برد. وی ماموریت خود را در سال ۶۵۱ق/ ۱۲۵۳م آغاز نمود. هولاکوخان در سال ۶۵۶ق/ ۱۲۵۸م با کشتن خلیفهٔ عباسی المستعصم بالله و تصرف بغداد به خلافت ۵۰۸ سالهٔ عباسیان پایان داد. وی پس از عراق، هم چنین گرجستان، ارمنستان و شهرهای آسیای صغیر (ترکیه فعلی) را نیز تصرف نمود. هولاکوخان سرانجام در سال ۶۶۳ق/ ۱۲۶۴م پس از آنکه از جیحون تا شام را منکوب، مطیع مغولان ساخته بود درگذشت.از این پس، ادارهٔ ایران امروزی و قسمتی از غرب افغانستان، در اختیار ایلخانان مغول از فرزندان هولاکو خان قرار گرفت؛ اما ماوراءالنهر و افغانستان شامل تخارستان، بلخ و زابل به شاخهٔ دیگر مغولی موسوم به جغتائیان واگذار شد. در دیگر نقاط افغانستان ملوک محلی حکمرانی میراندند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان با استفاده از نقشه، موقعیت مغولستان در آسیا را پیدا نموده و راههای نفوذ و حرکت مغولان به جانب افغانستان را مشخص سازند.

سؤال‌ها

۱. مهم ترین قبایل مغولی را نام ببرید.

۲. مغولان نخستین بار تحت رهبری کدام شخص گرد آمدند؟

فعالیت خارج صنف

شاگردان در بارهٔ خصوصیات زنده گی قبایلی مغول‌ها مقاله ای را فراهم آورده و در صنف ارائه دارند.

آل کرت

در این درس در مورد امرای آل کرت وروابط آنها با مغولان معلومات حاصل مینمایید.

یکی از حکومات محلی که در دورهٔ مغول بر بخش بزرگی از افغانستان حکومت کرد، آل کرت یا کرتیان می باشد. در مورد اصل و نسب کرتیان اختلاف است. بعضی ایشان را از وابستگان غوری‌ها و شمار دیگر از مورخان به استناد شعری از ربیع فوشنجی در مدح ملک فخرالدین کرت آنها را از وابستگان سلاطین سلجوقی و ترکمن دانسته اند. آن شعر فوشنجی چنین بود:

قاعدهٔ دودهٔ سنجـــر تو یی واسطهٔ ملک سکندر تویی

دودهٔ سنجر ز تو خواهد نوید ملک سکندر به تو دارد امید

در هر حال؛ از شخصیت‌های معروف این خاندان، ملک رکن الدین می باشد که پسر تاج الدین مرغنی از گماشتگان غوریان در قلعهٔ خیسار غور بود. وی به هنگام یورش‌های مغولان، بر غور و بخشی از غزنه فرمانروایی داشت و چون آوازهٔ فتوحات چنگیز خان را شنید، از در اطاعت درآمد و بنا بر این، حکومت ولایت غور و اطراف آن به او سپرده شد. ملک رکن الدین در خلال ۲۶ سال امارتش (۶۱۷ - ۶۴۳ ق/ ۱۲۲۰ - ۱۲۴۵ م) توجه ویژه ای به نواسهٔ دختری اش، شمس الدین کرت داشت و او را به جانشینی خویش برگزید و همین شمس الدین کرت که پس از فوت جدش بر جای او نشست، سر سلسلهٔ ملوک و امرای کرتی محسوب می شود.

ملک شمس الدین نیز مانند جدش، همکار مغولان بود و مغولان به پاس این کار، حکمرانی ایالات مهم شرقی شامل بخش مهمی از افغانستان تا دریای سند را به او سپردند. بیشتر فرزندان و جانشینان ملک شمس الدین کرت، به سیاست همکاری با مغولان ادامه دادند. هرچند ملک معزالدین حسین کرت در جهت استقلال از مغولان گام‌هایی برداشت؛ اما به دلیل اتخاذ سیاست خشونت بار در قبال مخالفان و نیز قتل و غارت اهالی بلخ، بادغیس و شبرغان با شورش‌های زیادتری مواجه شد و عاقبت توسط امرای غوری از حکومت خلع گردید.

نقشهٔ حکمروایی ملوک کرت

آخرین فرمانروای این دودمان ملک

قلعهٔ اختیارالدین در هرات

غیاث الدین، پسر ملک حسین بود که همزمان با ظهور امیر تیمور گورکانی میزیست و سرانجام قلمرو حکومتش ضمیمهٔ امپراتوری گورکانی گردید. وی پس از یک سال اسارت در دست امیر تیمور، به سال ۷۸۴ ق/ ۱۳۸۲م به دستور موصوف به قتل رسید و به این ترتیب دولت آل کرت نیز به سقوط مواجه گردید.

تعدد امرای آل کرت، هشت نفر و مدت حکومت شان یک صد و سی سال بود.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ اول راجع به امرای مشهور آل کرت و گروپ دوم راجع به راوبط آل کرت با مغولان معلومات حاصل و در صنف ارایهٔ نمایند.

سؤال‌ها

۱. در بارهٔ سیاست آل کرت در برابر مغولان چه میدانید؟ توضیح دهید.
۲. دورهٔ حکمراویی آل کرت را از لحاظ فرهنگی چگونه برسی میکنید؟
۳. حکمروایی ال کرت چند سال دوام نمود؟

فعالیت خارج صنف

شاگردان در بارهٔ سقوط آل کرت معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

در گیری‌های افغانها با همسایه‌ها

دراین درس، اوضاع افغانستان قبل از رستاخیز قندهار، به بخصوص چگونگی روابط کشور ما با سه دولت همسایه (شیبانیان، صفویان و بابریان) مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

با سقوط سلسلهٔ تیموریان هرات، یک مرحله (حدود دونیم قرن) در کشور ما پدید آمد که طی آن مرکزیت سیاسی و وحدت قلمرو افغانستان از بین رفت. کشورها و اقوام مجاور بخش‌هایی از مملکت ما را به اشغال خویش درآوردند. عمده ترین این قدرت‌ها، شیبانیان ازبک، صفوی‌های ایران و مغولان هند بودند که از بخارا، سمرقند، اصفهان و دهلی مناطق و ولایاتی را در مملکت ما اداره می کردند. بررسی این وضعیت و چگونگی احیای مجدد افغانستان توسط هوتکی‌ها، موضوع این درس می باشد که خواهیم خواند.

الف : شیبانی‌ها و افغانستان

شیبانیان به بخصوص پس از وفات سلطان حسین میرزا و بروز اختلاف میان فرزندان او، توجه شان را به جانب افغانستان معطوف داشت و شهر هرات به عنوان مرکز قدرت تیموریان، در محرم سال ۹۱۳ ق/ ۱۵۰۷ میلادی به دست شیبک خان ازبک افتاد.و این شهر که تا آن زمان در اختیار یادگار ناصرمیرزا برادر بابر پادشاه بود، در همین سال (۹۱۳ ق ۱۵۰۷م) به تصرف شیبانیان درآمد. آنان در جانب غرب نیز تا استرآباد در شمال ایران پیشروی کردند. قدرت و استیلای شیبانیان تا سال ۹۱۶ ق/ ۱۵۱۰ م که شاه اسماعیل صفوی بر ازبکان تاخت، ادامه یافت اما در این سال، در جنگ خونینی که در نزدیکی مرو رخ داد، محمدخان شیبانی به همراه حدود ده هزار نفر از افراد جنگجویش توسط قزلباشان صفوی ایران به قتل رسید و به این ترتیب، این بار بخش‌های غربی، شمالی و مرکزی مملکت ما به زیر تصرف صفویان درآمد.

هرچند موقتاً شیبانیان به آن طرف آمو دریا عقب نشستند اما حملات و یورش‌های آنان بخصوص بر شمال افغانستان متوقف نشد و آنان در شمال کشور از بدخشان تا میمنه و بادغیس و نیز هرات در غرب افغانستان را بارها مورد یورش‌ها و دست اندازی‌های خویش قرار دادند. به خصوص عبیدالله خان پسر محمد سلطان خان پسر ابوالخیر پادشاه قدرتمند ازبک، طی ۳۳ سال حکومتش، هفت بار بر کشور ما و ایران لشکر کشید و تلفات و خسارات بس عظیمی را وارد نمود.

شیبانی‌ها تا سال ۱۰۰۷ ق/ ۱۵۹۸م حکومت کردند. پایتخت ایشان بیشتر اوقات سمرقند

و زمانی بخارا نیز بود و در مجموع برای حدود یک قرن نواحی شمالی و غربی افغانستان را مورد حملات و دست اندازی‌های خویش قرار دادند.

استراخانی‌های ازبک نیز که از سال ۱۰۰۷ق بر جای شیبانی‌ها در آسیای مرکزی نشستند، همان سیاست شیبانیان را در قبال افغانستان در پیش گرفتند و هرچند گاه بر ولایات شمالی کشور ما به خصوص تخار، بلخ و گاهی هرات دست می انداختند. حکومت استراخانی‌ها تا سال ۱۱۶۷ ق/ ۱۷۵۴میلادی دوام نمود و مردم کشور ما در طی این مدت با نیروهای اشغالگر در گیر بودند.

ب: بابریان و افغانستان

سلسلهٔ دیگری که در خلال دورهٔ انحطاط و تجزیه، بخش‌هایی از کشور ما را در اختیار داشتند، بابریان می باشند. ایشان نیز در رقابت با سایر قدرت‌های همسایهٔ افغانستان، موجب پریشانی، رکود و گرفتاری‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور ما شدند.

ظهیرالدین محمد بابر (بابر به معنی ببر) از جملهٔ نوادگان تیمور به حساب می آمد، پدرش حاکم ناحیهٔ «اندیجان» در ازبکستان بود. وی در پی گسترش قدرت شیبانیان ازبک، در سال ۹۰۶ ق/ ۱۵۰۱م از آسیای مرکزی به افغانستان گریخت و در آغاز ورود، مورد استقبال خسرو شاه، حکمران محلی تخارستان واقع شد.

خسرو شاه در این زمان در شمال کشور ما تا بدخشان را در اختیار داشت. بابر سپس با جذب حدود سه هزار از نیروهای خسرو شاه که از او روی گردان شده بودند، آهنگ کابل نمود. کابل در این زمان از سوی حاکمی از جانب تیموریان هرات اداره می شد. وی این شهر را بدون بروز جنگ و مقاومتی در سال ۹۱۰ق/ ۱۵۰۴م گرفت. این زمان که مصادف با سال‌های ضعف و سقوط سلسلهٔ تیموریان هرات است، بابر به جوانب مختلف لشکر کشید و در مجموع بدون ولایات غربی و شمال غربی افغانستان که در اشغال صفویان ایران ماندند، وی موفق شد بیشتر مناطق افغانستان را به تصرف خویش درآورد.

بابر پس از استحکام قدرتش در بخش‌های مهمی از مملکت ما، به جانب هند لشکر کشید و با استفاده از نیروهای کابل، بدخشان و قندهار، دهلی را گرفت و به این ترتیب بنیاد سلسلهٔ جدیدی در هند گذاشته شد که تا چند قرن دوام نمود.

بابر در سال ۹۳۵ ق/ ۱۵۲۸م فوت کرد و مطابق وصیتش در کابل به خاک سپرده شد. پس از وی فرزندا نش بر بخش‌های از افغانستان و هندو ستان حکمروایی نمودند.

در زمان پادشاهی جهانگیر شاه عباس صفوی بر قندهار یورش برد و آن را در شعبان

۱۰۳۲ق/ ۱۶۲۳م به تصرف خویش درآورد. سرنوشت قندهار در طول زمامداری گورکانی‌ها و صفویه یکی از پدیده‌های مهم اختلافی و مناقشه انگیز میان دو سلسلهٔ مذکور بود و گورکانیان هند و صفویان ایران بارها بر سر آن باهم درگیر شدند.

جانشینان جهانگیر- شاه جهان و اورنگ زیب- نیز به منظور توسعهٔ سلطهٔ شان بر افغانستان بارها تلاش ورزیدند و به خصوص سرنوشت کابل، بلخ و بدخشان موجب درگیری میان ایشان و قدرت‌های محلی شد. مانند جنگ‌های بابریان با استراخانیان ازبک بر سر تصرف بلخ و نواحی شمال کشور و نیز تصادمات و درگیری‌ها با اقوام ختک و یوسفزائی‌ها که بخصوص در زمان حکمرانی ۵۰ سالهٔ اورنگ زیب صورت گرفت و موجب تلفات و خسارات هنگفت شد.

این وقایع نشان میداد که تجزیه ، انحطاط و اضمحلال افغانستان در اثر مداخلات و دست اندازی‌های بیگانگان و همراهی و همکاری شماری از صاحبان نفوذ و رسوخ محلی با قدرت‌های بیرونی، موجب ادامهٔ وضعیت ناخوشایند مزبور برای مدت طولانی گردیده است.

ج: صفوی‌ها و افغانستان

صفوی‌های ایران نیز در دورهٔ موسوم به انحطاط و تجزیه چشم طمع به سرزمین ما دوختند و در جریان تلاش‌ها برای استیلا بر کشور ما و یا رقابت‌ها با دو دودمان هم عصر (ازبکان و گورکانیان)، خسارات و صدمات فراوانی را به کشور ما وارد ساختند.

هرچند مخالفت‌ها با صفوی‌ها در دیگر مناطق و سرزمین‌های زیر سلطهٔ آنان نیز وجود داشت اما مشخصاً افغان‌ها از نخستین گروه‌هایی بودند که استقلال خویش را از صفویان به دست آوردند.

شاه اسماعیل پس از غلبه بر رقبا و مخالفانش در سال ۹۰۷ق/ ۱۵۰۱م در شهر تبریز ایران تاجگذاری کرد. وی پس از استحکام پایه‌های دولتش در ایران که با کمک مریدان و حامیان ترک تبارش موسوم به قزلباشان صورت گرفت، به جانب افغانستان نیز توجه نشان داد.

با فوت این پادشاه قدرتمند ایران، در سال ۱۰۳۸ق/ ۱۶۲۸م سقوط این دودمان نیز آغاز شد، زیرا بلافاصله پس از او شاه صفی روی کار آمد و وی تقریباً تمام افراد خاندان صفوی را کشت. در روزگار او عثمانی‌ها، بغداد را در غرب و گورکانیان قندهار را در شرق به سال ۱۰۴۷ق/ ۱۶۳۷م به دست آوردند با این حال ، شاه عباس دوم بار دیگر قندهار را در سال ۱۰۵۸ق/ ۱۶۴۸م به اشغال خویش درآورد. هرچند تلاش‌هایی از جانب شاه جهان پادشاه هندوستان برای استرداد قندهار صورت گرفت و او خلف خود اورنگ زیب را به عزم تسخیر

قندهار فرستاد اما از تلاش‌هایش سودی نبرد و گورکانیان پس از هفتاد روز محاصرهٔ این شهر، وادار به عقب نشینی شدند و از این پس با اینکه قندهار علی الظاهر زیر سلطهٔ صفویه ماند اما نارضایتی مردم از رفتار زشت کارگزاران صفوی روز تا روز افزایش می یافت و گاه منجر به قیامهای مردمی نیز میگردید. سرانجام در یکی از این قیام‌ها که به رهبری حاجی میرویس خان هوتک صورت گرفت، افغان‌ها موفق شدند که خود را از زیر بار حکومت صفوی خارج ساخته و استقلال خویش را به دست آورند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروپ تقسیم شوند، گروپ اول در مورد شیبانی‌ها، گروپ دوم راجع به بابریان و گروپ سوم در رابطه به صفوی‌ها معلومات حاصل و توسط نماینده گان خویش در صنف ارائه نمایند.

سؤال‌ها

۱. شیبانی‌ها از نگاه نژادی وابسته به کدام گروه بودند؟
۲. کدام ولایات کشور ما بیشتر مورد تعرض شیبانیان قرار گرفته بود؟
۳. بابریان در افغانستان با مقاومت کدام اقوام روبرو بودند؟
۴. صفوی‌ها کدام ولایات کشور ما را در تصرف خویش داشتند؟
۵. حاکم صفوی د رافغانستان چه نام داشت؟

فعالیت خارج صنف

شاگردان در مورد تجاوزات شیبانی‌ها، بابری‌ها و صفوی‌ها به همکاری استادان، شخصیت‌های فرهنگی و منابع دست داشته، مقالات ترتیب و در صنف ارائه نمایند.

قیام قندهار به رهبری حاجی میرویس نیکه

قیام مردم قندهار به رهبری هوتکی‌ها در قندهار را می‌توان حرکت مهم رهایی بخش مردم پس از یک دورهٔ طولانی فترت در کشور نامید.این حرکت زنجیرهای اسارت اجانب را درهم شکست و بنیاد حکومت خودمختار محلی را گذاشت.
چگونگی نضج گیری قیام مذکور و تشکیل دولت هوتکی در قندهار موضوع این درس می‌باشد که بدان شما را فرا می‌خوانیم.

زمینه‌های شکل گیری قیام قندهار

آخرین پادشاه سلسلهٔ صفوی ایران سلطان حسین نام داشت. وی در نخستین سال‌های قدرت گیری در اصفهان در صدد سرکوب قیام‌هایی برآمد که در شرق این کشور توسط طوایف و اقوام ساکن آنجا مانند بلوچان براهوی، نارویی، ریگی، رخشانی و نیز افغان‌ها صورت گرفته بود. دامنه این حرکات تا کرمان و یزد و نواحی نایین در ایران کشیده شده بود. مقارن همین ایام ازبکان در خراسان و کردها در غرب ایران نیز دست به فعالیت‌های ضد حکومت صفوی زدند. در چنین وضعیتی گرگین که او نیز در ابتدای جلوس شاه سلطان حسین در گرجستان شورش کرده بود و در این روزها در اصفهان به سر می‌برد، از طرف دربار ایران مامور سرکوب قیام‌های مذکور شد. موفقیت گرگین در این کار سبب شد که وی در سال ۱۱۱۶ق/ ۱۷۰۴م از طرف صفوی‌ها به عنوان حکمران کل قندهار نیز منصوب گردد زیرا از اواخر سال ۱۱۱۵ق/ ۱۷۰۳م بلوچ‌ها به سرکردگی میر سمندر به شهر قندهار وارد شدند و مشکلاتی را برای مامورین صفوی در این شهر پدید آورده بودند. گرگین پس از ورود به قندهار ، ادارهٔ آنجا را به دست گرفت و چون ذاتاً فردی خشن، سخت گیر و خونریز بود، انواع ظلم و ستم را بر اهالی قندهار روا داشت. وی بزرگان اقوام و طوایف را تحت فشار قرار داد و حتی عده ای را نیز کشت. یکی از این بزرگان قومی حاجی میرویس خان بود که زیر نظر گرگین خان قرار گرفت.

حاجی میرویس نیکه

حاجی میرویس نیکه، رهبر قیام قندهار

میرویس خان مشهور به «حاجی میرویس نیکه» در اواخر قرن یازدهم هجری از مادری به نام «نازو» تولد یافت. پدرش شاه عالم خان از جمله

بزرگان قوم هوتک، مادرش (نازو) دختر سلطان ملخی توخی از جملهٔ رهبران قومی بود. بعدها ازدواج میرویس خان با دختر جعفر خان سدوزایی بر اعتبار اجتماعی او بیشتر افزوده گشت و چون شخصی خوش اخلاق، فصیح، مدبر و دلیر بود و ضمناً به شغل تجارت نیز می‌پرداخت، به آسانی توانست که از مقام خوبی در میان اهالی آن وقت (قندهار) برخوردار شود. به دلیل همین خصوصیاتش، به عنوان کلانتر شهر قندهار نیز تعیین شد و در این مقام، میان مردم و حکومت آن وقت قندهار به عنوان واسطه عمل می‌کرد اما در همین حال دست از حمایت مردم نیز نکشید و لهذا در نامه‌هایی که در شکایت از مظالم و ستم‌های گرگین به دربار اصفهان ارسال شد او نیز امضاء نمود و این امر سبب شد تا میرویس خان این بار از طرف گرگین دستگیر و تحت الحفظ به اصفهان اعزام شود.

میرویس خان پیش از این نیز سفرهایی به اصفهان انجام داده بود و با اوضاع دربار و حکومت صفوی آشنایی داشت و به همین دلیل وی در آنجا نه تنها توانست خودش را تبرئه نماید، بلکه به حضور سلطان حسین پادشاه صفوی نیز رسید و اجازهٔ سفر به مکه معظمه را نیز به دست آورد.

وی در مکهٔ معظمه فتوای علمای مذهبی در بارهٔ قیام علیه گرگین گرجی را به دست آورد. با بازگشت حاجی میرویس خان از مکه به اصفهان، وضع دربار اصفهان نیز به خلاف گرگین تغییر یافته بود، زیرا اخباری در مورد قصد پطر کبیر امپراتور روسیه به الحاق ارمنستان و گرجستان به آن کشور انتشار یافته و گفته می‌شد که گرگین نیز با عساکرش اراده پیوستن به پطرکبیر را دارد. این شایعه سبب گردید تا حاجی میرویس نیکه با اقتدار بیشتر اجازهٔ بازگشت به قندهار را حاصل نماید.

وی این بار در قندهار

آرامگاه حاجی میرویس نیکه در قندهار

با حوصله مندی فراوان، مقدمات قیام علیه اجانب را فراهم آورد.به خصوص در بهار سال ۱۱۲۱ق/اپریل ۱۷۰۹ میلادی که سربازان گرجی زیر فرمان الکساندر برادرزادهٔ گرگین به قصد سرکوب کاکری‌های(ارغستان)، شهر قندهار را ترک گفته بودند، فرصت خوبی به دست آمد و در این حال حاجی میرویس خان با همکاری دیگر بزرگان و رهبران قومی که در جرگه محلهٔ «مانجه» با او هم پیمان شده بودند و نیز یاری و کمک اهالی قندهار، گرگین و عدهٔ زیادی از سربازان گرجی دولت صفوی را در قریهٔ ده شیخ، واقع در چهل میلی شهر قندهار غافلگیر کردند و کشتند.

الکساندر و سپاهیانش نیز که از جنگ با کاکری‌ها برگشته بودند، به زحمت توانستند از معرکه بگریزند و خود را به گرشک رساندند.

به این ترتیب پس از قیام روشانی‌ها به رهبری بایزید انصاری، ختک‌ها به رهبری خوشحال خان ختک، قیام قندهار سومین حرکت آزادی بخشی بود که با مشارکت اهالی قندهار صورت گرفت و زمینه‌های استقلال و تشکیل دولت خودمختار را در این شهر فراهم آورد.

تلاش مجدد صفویان برای بازپس گیری قندهار برای شان سودی نبخشید و حاجی میرویس خان زیر نام رئیس ملی برای هشت سال زمام ادارهٔ قندهار را در دست داشت. حاجی میرویس نیکه در سال ۱۱۲۷ق/ ۱۷۱۵م فوت کرد.

میر عبدالعزیز

پس از حاجی میرویس نیکه برادرش میر عبدالعزیز خان به ریاست حکومت در قندهار رسید اما او پس از دو سال حکومت، برخلاف شیوه و روش حاجی میرویس خان در برابر حکومت صفوی ایران راه آشتی و مدارا در پیش گرفت. سران و بزرگان اقوام که نسبت به این روش او اعتراض داشتند، میر محمود پسر حاجی میرویس خان را به قتل کاکایش تشویق کردند و وی پس از این کار در سال ۱۱۲۹ق/ ۱۷۱۶م بر مسند حکومت در قندهار نشست.

فعالیت داخل صنف

شاگردان در دو گروپ جداگانه، در بارهٔ اهمیت و جایگاه ولایت قندهار از بعد داخلی و خارجی در آن مقطع از تاریخ کشور ما بحث نمایند. بعداً نمایندهٔ هر گروپ خلاصهٔ موضوعات فوق را در صنف برای دیگران ارائه نمایند.

سؤال‌ها

۱_ گرگین کی بود و چرا از سوی دربار اصفهان حکمران قندهار شد؟

۲_ به چه دلیل و یا دلایلی، حاجی میرویس نیکه به عنوان رهبر و کلانتر، مورد قبول مردم قندهار واقع گردید؟

۳_ چه تفاوتی میان سیاست حاجی میرویس نیکه با میرعبدالعزیز در قبال دربار صفویه وجود داشت؟

۴_ چرا دربار ایران با بازگشت حاجی میرویس نیکه از اصفهان به قندهار موافقه نمود؟

فعالیت خارج صنف

شاگردان در بارهٔ اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور، مقارن قیام قندهار مطلبی را تهیه و در درس آینده ارایه دارند.

تشکیل دولت هوتکی در ایران

تشکیل دولت هوتکی در ایران یکی از فرازهای مهم تاریخ افغانستان و ایران به حساب می‌رود. هرچند عمر دولت مذکور بسیار کوتاه بود اما در همین مدت نیز وقایع و رویدادهای بس مهمی رخ داد؛ مانند نقشهٔ عثمانی و روسیه در بارهٔ جدا ساختن بخش‌هایی از ایران، تشکیل حکومت‌های محلی در شرق و سایر پدیده‌های تاریخی که در این درس با آنها آشنا خواهید شد.

شاه محمود هوتکی

شاه محمود هوتکی

جلوس شاه محمود پسر بزرگ حاجی میرویس خان در قندهار با قدرت گیری ابدالیان در هرات همزمان شد، زیرا افغانان در هرات نیز با الهام از حرکت قندهار، این شهر (هرات) را در رمضان سال ۱۱۲۹ق/ ۱۷۱۶م به تصرف خویش درآوردند. ریاست ابدالیان را در این زمان عبدالله خان سدوزایی بر عهده داشت. چون شاه محمود کوشید به سال ۱۱۳۲ق/۱۷۱۹م طرح تصرف سیستان را عملی سازد، نخست با ابدالیان مواجه شد که هرات را در اختیار داشتند.

در این جنگ ، هوتکی‌ها پیروزی به دست آوردند و اسدالله خان پسر عبدالله خان سردار ابدالیان هرات در معرکه کشته شد.

شاه محمود هوتکی که اوضاع داخلی ایران را زیر نظر داشت، سال بعد بار دیگر بدانسو لشکر کشید و این بار با عبور از ریگستان، سپاهش را تا کرمان رسانید، اما پس از مصالحه با حکمران آن، به قندهار مراجعت نمود. وی در قندهار در زمینهٔ آمادگی بیشتر سپاه و لشکرش اقداماتی را به عمل آورد و بار دیگر به سال ۱۱۳۵ق/ ۱۷۲۲م با لشکری ۲۵ هزار نفری که در آن سربازان بیشتر اقوام و طوایف افغانی به شمول هزاره‌ها و بلوچان حضور داشتند، راه ایران را در پیش گرفت. وی این بار با کرمانیان مصالحه کرد، یزد را دور زد و مستقیماً خود را به اصفهان، پایتخت صفویان رسانید. درگیری جدی دو طرف روز هفتم مارچ ۱۱۳۵ق/۱۷۲۲م در حوالی گلناباد صورت گرفت. در این نخستین نبرد، به رغم پیروزی اولیهٔ صفوی‌ها، افغانان توانستند که شکست سختی به سربازان ایرانی وارد سازند و از مجموع سپاه پنجاه هزار نفری آن، ۲۵ هزار نفر را به قتل رساندند. قلعهٔ مستحکم شاهی فرح آباد و ناحیهٔ ارمنی نشین جلفا در یک و نیم میلی جنوب شهر اصفهان تسخیر و نیز اموال زیادی به دست افغان‌ها افتاد. در این حال شاه محمود خواستار صلح شد اما سلطان حسین پادشاه صفوی با شرایط آن موافقه نکرد، در نتیجه این شهر کاملاً به محاصرهٔ افغان‌ها درآمد.

محاصرهٔ اصفهان نه ماه به درازا کشید و طی آن قحطی شدیدی در اصفهان رخ داد، پادشاه ایران (سلطان حسین صفوی) سرانجام تحت فشار روز افزون، روز یازدهم محرم سال ۱۱۳۵ق/ ۲۱ اکتوبر ۱۷۲۲م تسلیم شد و خود تاج شاهی را بر سر شاه محمود هوتک گذاشت و کلید خزاین پادشاهی ایران را به او سپرد و به این ترتیب شاه محمود هوتک، شاهنشاه ایران شد.

شاه محمود هوتک بر تخت اصفهان

پس از ورود شاه محمود به شهر اصفهان، تدابیر لازم برای ایجاد نظم و رفع مشکلات ناشی از قحط مواد غذایی در این شهر اتخاذ گردید. شاه محمود به منظور جلب اعتماد مردم، ضمن منع رفتار خشن با اهالی، پست‌ها و مقامات اداری را نیز به مسؤولان قبلی اش سپرد، بجز منصب قاضی القضات که آن را به ملا پیر محمد میاجی از علمای افغان داد. وی با خارجی‌های مقیم اصفهان نیز رفتار خوبی در پیش گرفت اما این رویه دوام زیادی نیاورد زیرا چند واقعه رخ داد که موجب شد شاه محمود و بخشی از افغان‌ها رفتار نسبتاً سختگیرانه ای را اتخاذ نمایند. یکی آنکه در قزوین حدود یک هزار نفر از افغان‌ها غافلگیرانه به قتل رسیدند؛ دیگر آنکه کاروان مالی که از اصفهان عازم قندهار بود در ناحیهٔ سیستان مورد حمله و دستبرد قرار گرفت و از سوی دیگر خبر دریافت شد که پطر کبیر امپراتور روسیه در صدد تعرض به ایران برآمده و نیروهای آن کشور در جولای ۱۷۲۲م مطابق ۱۱۳۵هجری قمری با عبور از رودخانهٔ والگا، دربند را تصرف و شهر هشتدرخان را به عنوان مرکز نظامی خویش برای حمله به داخل ایران برگزیدند. ترکان عثمانی نیز با استفاده از فرصت، چند شهر مرزی ایران را اشغال کردند. این وقایع باعث گردید تا تغییری در رویهٔ حکومتی و رفتار شخصی شاه محمود پدید آید.

هرچند کردهای وفادار به دولت افغانی اصفهان به فرماندهی نصرالله خان و سپاه افغانی به فرماندهی زبردست خان پیروزی‌هایی را در شهرهای گلپایگان، خوانسار، کاشان و شیراز به دست آوردند اما شخص شاه محمود، به دلیل کثرت مشاغل و گرفتاری‌ها و نیز رقابت‌ها و اختلافات درونی افغان‌ها، بیشتر دچار مریضی و اختلال دماغی شد. در این حال سران و بزرگان افغان در اصفهان بنا به مصلحت، شاه محمود را از کار برکنار کردند و در عوضش شاه اشرف هوتک پسر میرعبدالعزیز را به پادشاهی دولت هوتکی اصفهان تعیین ساختند. پادشاهی محمود در ایران سه سال به درازا کشید.

شاه اشرف هوتکی

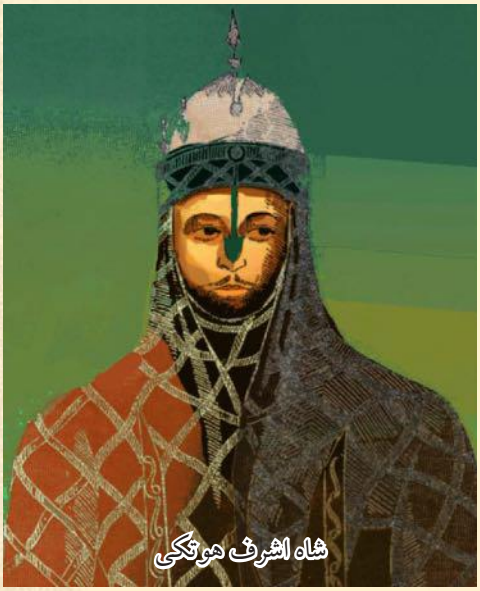
شاه اشرف هوتکی

شاه محمود هوتک در ماه شعبان سال ۱۱۳۷ق/۱۷۲۴م درگذشت و یا چنانکه گفته می‌شود به دستور شاه اشرف به قصاص پدرش به قتل رسید. شاه اشرف نیز در ابتدای جلوسش کوشید تا اعتماد ایرانیان را دوباره به دست آورد و به همین دلیل وی در روز تاج پوشی پیش از آنکه تاج شاهی را بر سر خویش بگذارد آن را پیش پای سلطان حسین صفوی گذاشت اما سلطان مذکور نپذیرفت.

وی همچنین در نامه ای از طهماسب میرزا پسر سلطان حسین مخلوع که در آن روزها مشغول تهیهٔ لشکر و اقدامات ضد دولت افغانی بود، خواست تا با وی متحد گشته و باهم دست دشمنان را از ایران کوتاه سازند. شاه اشرف هم چنین بسیاری از ولایات از دست رفته مانند یزد، کرمان، قزوین، تهران، قم و ساوه را تصرف

کرد. سپه سالارش، سیدال خان ناصری نام داشت و او برای تحکیم دولت افغانی اصفهان، جانفشانی‌های زیادی انجام داد.

درگیری با خارجی‌ها

جلوس شاه اشرف بر تخت اصفهان با اقدامات خصمانهٔ روس و عثمانی (ترکیه) علیه ایران همزمان شد و این دو قدرت مجاور سعی در اشغال بخش‌هایی از این کشور کردند. دولت روس ایالات سرحدی مانند دربند، رشت و با کو تا مازندران را گرفت و عثمانی‌ها نیز ولایات غربی ایران به شمول سلطانیه و ابهر و کرمان شاهان را اشغال کردند. در چنین شرایطی شاه اشرف، از یک سو باید مخالفان داخلی را سرجای شان می‌نشانید و از سوی دیگر برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران ، با روس و عثمانی دست و پنجه نرم می کرد.

جنگ با ترکان

به رغم درخواست شاه اشرف مبنی بر دوستی با ترک‌ها به عنوان جزائی از امت اسلامی، آنان (ترکان) با حدود ۶۰ هزار سرباز و ۷۰ عراده توپ به جانب اصفهان پیشروی کردند. در همین زمان آن دسته نیروهای ترکی که مامور تسخیر شهرکرد و فراهان بودند، برای شاه اشرف پیامی فرستادند و از او خواستند تا خاک ایران را ترک کرده و سلطان حسین مخلوع را به ترکان تسلیم نماید اما شاه اشرف در پاسخ، ضمن فرستادن سر سلطان حسین، پیشنهاد ترکان را رد نمود و برای جنگ آماده شد. رویارویی ترکان و افغان‌ها در شهر کرد و یا به قولی در بین اصفهان و یزد روی داد و طی آن شکست سختی به ترکان وارد آمد. حدود ۱۲ هزار سرباز ترکی کشته شدند و غنایم زیادی نیز بر جای ماند.

درگیری با روسها

شاه اشرف برای مقابله با روسها که به درون خاک ایران پیشروی کرده بودند، سپه سالار خویش سیدال خان ناصری را با قوای افغانی فرستاد. در نتیجهٔ جنگ که در ناحیهٔ رودسر درگرفت، روسها شکست سختی خوردند و ارلوف فرماندهٔ قشون روسی خواستار صلح شد. در این حال حکومت افغانی نیز که خود را با خطرات جدی در شرق ایران مواجه می‌دید، تن به صلح داد. در معاهده ای که میان دو طرف در فبروری ۱۷۲۹م/۱۱۴۲ق در شهر رشت به امضا رسید، روسیه از پیشروی بیشتر به داخل خاک ایران دست کشید و تعهد نمود تا ایالات سرحدی استرآباد و مازندران را نیز به این کشور باز گرداند. شاه اشرف هوتک به این ترتیب دو دشمن بزرگ خارجی دولت افغانی ایران را مهار نمود.

شاه حسین هوتکی

اضمحلال دولت هوتکی

شاه اشرف هوتکی به رغم تلاش‌های فراوانش نتوانست که مدعیان تاج و تخت ایران و قدرت‌های محلی این کشور را از میان بردارد. بخصوص در شرق ایران حکومت ملک محمود سیستانی که از سیستان تا خراسان را در

اختیار داشت و نیز دولت مستقل ابدالی هرات، هوتکیان را به چالش می‌کشیدند. قندهار نیز که در آن ایام از سوی فرزند دیگر حاجی میرویس نیکه (شاه حسین) اداره می‌شد، روابط چندان خوبی با افغان‌ها دراصفهان نداشت.

در چنین اوضاع، مرد جسور و نظامی دیگری به نام نادر که اصلاً از طایفهٔ افشار بود در شرق ایران ظهور کرد. او پس از برچیدن حکومت‌های محلی فوق الذکر، آمادهٔ مقابله با افغان‌ها شد و بلآخره شاه اشرف و سپاه افغانی را در ایران شکست داد. شاه اشرف نیز در راه بازگشت به قندهار در حوالی شورابک به قتل رسید.نادر شاه افشار در اواخر شوال ۱۱۴۹ق/۱۷۳۶م با عبور از هلمند به محاصرهٔ قندهار پرداخت . شاه حسین هوتک با سپاه خویش که از سوی سیدال خان ناصری رهبری می‌شد بیش از یک سال در برابر مهاجمان ایستادگی نمودند و نگذاشتند که قندهار به تصرف آنان درآید اما سرانجام به سال ۱۱۵۱ق/ ۱۷۳۸م مقاومت نظامی هوتکیان پایان یافت زیرا پیش از این تاریخ ، سیدال خان ناصری و محمد پسر شاه حسین هوتک در قلات از سوی نیروهای نادر شاه افشار دستگیر شدند و بخصوص سیدال خان از دو دیده کور گردید. بدین ترتیب دولت هوتکی‌ها مضمحل شد. شاه حسین هوتک به امر نادر به مازندران ایران تبعید گردید و در آن جا مسموم شد و درگذشت.

فعالیت داخل صنف

شاگردان در صنف به دو گروه تقسیم گردند. گروپ الف در بارهٔ علل توجه روسیه به ایران در زمان حکومت افغان‌ها و گروپ ب در بارهٔ عواقب پیشروی ترکان عثمانی به داخل ایران به بحث بپردازند. هردو گروپ نتیجه را به اطلاع معلم و شاگردان برسانند.

سوال‌ها

۱_ جنگ مهم افغانان به فرماندهی شاه محمود هوتک با نیروهای حکومت صفوی در کدام ناحیه واقع شد و چه عواقبی را به دنبال داشت؟

۲_ به چه دلایلی در سیاست اولیهٔ شاه محمود در برابر ایرانیان تغییر به وجود آمد؟

۳_ جنگ نیروهای تحت امر شاه اشرف با عثمانی‌ها در کجا واقع شد و چه عواقبی را در پی داشت؟

۴_ چرا روس‌ها در زمان حکومت افغان‌ها بر اصفهان، به خاک ایران نفوذ کردند و چگونه از پیشروی آنها جلوگیری به عمل آمد؟

۵_ زبردست خان و سیدال خان ناصری به کدام یک از شاهان افغانی اصفهان خدمت می‌کردند؟

فعالیت خارج صنف

شاگردان در بارهٔ علل انقراض دولت هوتکی مقالهٔ مختصری را تهیه و در ساعت بعدی ارایه کنند.

اقتصاد و فرهنگ در دورهٔ هوتکیان

دورهٔ فرمانروایی سی و یک سالهٔ هوتکیان، علاوه بر جنبه‌های سیاسی و نظامی، از حیث مسایل فرهنگی نیز دارای نکات مهمی است که آگاهی بر آن می‌تواند حسن نظر شاهان هوتکی نسبت به امور فرهنگی را نشان دهد به خصوص در بخشی از مقطع مذکور در قندهار زمینهٔ پرورش علم و فرهنگ فراهم شد و دربار هوتکی به حمایت از علما همت گماشت و برای مدت کوتاهی درخشنده گی کلتوری به وجود آمد. در این درس با مطالب فوق و نیز اوضاع اقتصادی در دورهٔ مزبور آشنا خواهید شد.

وضع اقتصادی

چنانکه خواندید، تجزیه، انحطاط و تسلط همسایگان بر قسمت‌هایی از مملکت ما، خصوصیات مهم اوضاع افغانستان پس از سقوط تیموریان هرات می‌باشد. هرچند به لحاظ اقتصادی در بارهٔ این دوره اخباری که حاکی از رونق اقتصاد مردم باشد، وجود ندارد، زیرا در خلال این دوره، بخش‌های مختلف کشور ما زیر انواع فشار بیگانگان قرار گرفت و معمولاً مردم، مالیات سنگینی بخصوص به دو دربار اصفهان و دهلی می‌پرداختند. با این حال بخش کوچکی از مردم ما به خصوص آنانیکه در شهرها سکونت داشتند، کار تجارت با هند و ایران را به پیش می‌بردند و از جمله شهر قندهار، به مرکز مهم تجارت میان دو کشور مزبور تبدیل شده بود و به همین دلیل، همواره مورد منازعه و اختلاف دو کشور ایران و هندوستان قرار داشت.

وضع فرهنگی

به طور کلی دورهٔ بعد از سقوط تیموریان هرات تا روی کار آمدن هوتکیان یک دورهٔ تاریک در تاریخ کشور ما محسوب می‌شود، اما در این زمان و بخصوص پس از آنکه اصفهان به دست افغان‌ها افتاد، تغییری در وضعیت فوق به وجود آمد، زیرا شاهان هوتکی افغان به رغم گرفتاری‌های سیاسی و نظامی،به کار حمایت از دو زبان پشتو و فارسی و نیز شاعران و اهل ادب در مناطق و ممالکی که به ارث گرفته بودند، پرداختند.

در این زمان نه تنها جلو علوم مروجه آن عصر که اصطلاحاً علوم معقول و منقول نامیده می‌شد، گرفته نشد، بلکه در متصرفات افغانی و ایرانی، هوتکی‌ها علوم مذکور به حیات خویش ادامه دادند. علوم معقول عبارت بود از فلسفه، منطق، نجوم، ریاضیات و نیز به رشته‌های تفسیر، حدیث، فقه و علوم منقول گفته می‌شد، توجه صورت گرفت.

با اینکه عمر دولت هوتکی کوتاه بود و فرصت چندانی برای انجام کارهای بنیادی

در زمینهٔ رشد و انتشار علوم نیافت، با آن هم، نمونه‌ها و مثال‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد، علم و فرهنگ در دورهٔ هوتکیان به سیر عادی خویش ادامه داده است؛ بخصوص در این زمینه، تشکیل نخستین محفل ادبی قندهار در زمان حکومت شاه حسین هوتک مهم می‌باشد، زیرا از سوی پادشاه مذکور در قصر نارنج قندهار کتابخانه ای ایجاد گردید و در آن شماری از سرشناسان علم و ادب آن عصر هفتهٔ یک بار گرد هم می‌آمدند. شخص شاه حسین هوتک نیز به دو زبان دری و پشتو شعر می‌سرود و از علما و ادبا حمایت جدی به عمل می‌آورد، مثلاً وی به ریدی خان شاعر زبان پشتو که داستان جنگ‌های محمود هوتک را به نظم در آورده بود، هزار سکه صله داد.

از جملهٔ شعرا و فضلای این دوره می‌توانیم از اینان نام ببریم: ملا زعفران، مدد خان غلجی، شاه حسین هوتک، داود هوتک، ملا یار محمد هوتک، بابوجان بابی، سیدال خان ناصری و ... از زمرهٔ شاعران زن می‌توانیم از زینب هوتک خواهر شاه حسین یاد آوری کنیم که خانمی با علم و فضل بود و افزون بر سرودن اشعار، در امر حکومت داری نیز با برادرش (شاه حسین هوتک) همکاری می‌نمود.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه الف و ب تقسیم شوند. گروه الف در بارهٔ وضع اقتصادی و گروه ب در مورد وضع فرهنگی هوتکیان معلومات خویش را ارایه دارد.

سؤال‌ها

۱- اهمیت تجارتی و اقتصادی قندهار در دورهٔ هوتکی را مختصراً توضیح دهید.
۲- پنج نفر از اهل علم و فرهنگ دورهٔ هوتکی را نام ببرید.
۳- دو نمونه از حمایت شاه حسین هوتک از اهل فرهنگ را بیان دارید.
۴- کتابخانهٔ قصر نارنج قندهار توسط چه شخصی ایجاد گردید؟

فعالیت خارج صنف

شاگردان مقالهٔ مختصری را در بارهٔ محفل ادبی قندهار در دورهٔ هوتکیان تهیه نمایند.

بخش جغرافیه

فصل اول

افریقا

نقشه موقعیت افریقا

در نقشه براعظم افریقا را مشاهده می نمائید.

در این فصل می خوانیم:

معرفی قارهٔ افریقا (حدود و موقعیت)

- جغرافیای سیاسی افریقا
- جغرافیای بشری(نژاد، زبان و ادیان)
- جغرافیای اقتصادی(زراعت، مالداری، معادن و صنایع)
- ترانسپورت فضایی، زمینی وآبی

اهداف عمومی فصل

شاگردان عزیز به اهداف علمی ذیل در این فصل نایل آیند:

•آشنایی با موقعیت جغرافیایی قارهٔ افریقا
•آشنایی با جغرافیای سیاسی قارهٔ افریقا
•آشنایی با جغرافیای بشری قارهٔ افریقا
•آشنایی با جغرافیای اقتصادی (زراعت و مالداری، معادن و صنایع) قارهٔ افریقا
•آشنایی با جغرافیای مواصلاتی قارهٔ افریقا

شاگردان عزیز می‌توانند:

مهارت‌های ذیل را در این فصل کسب و بیاموزند:
•موقعیت جغرافیایی قارهٔ افریقا را روی نقشه تعیین نمایند.
•موقعیت جغرافیایی ممالک افریقایی را روی نقشه نشان دهند.
•ترکیب قومی و اجتماعی نفوس قارهٔ افریقا را بیان کنند.
•وضعیت اقتصادی قارهٔ افریقا را بیان کنند.

موقعیت و حدود اربعه

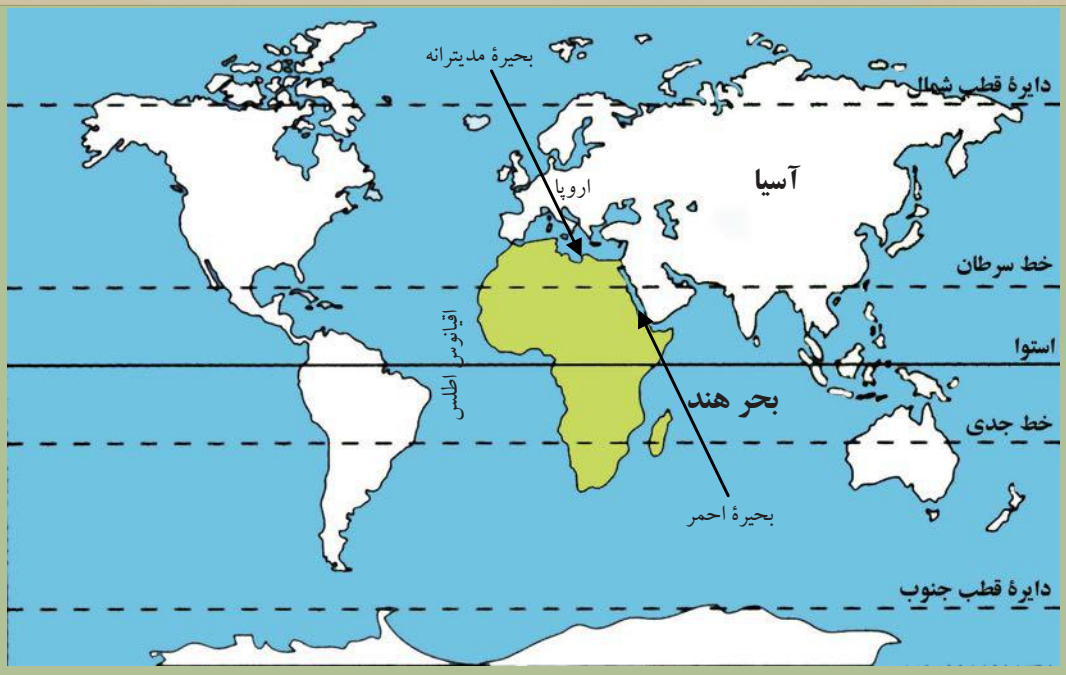

موقعیت قارهٔ افریقا

در صنف هفت و هشت در بارهٔ قاره‌های آسیا، امریکا و اروپا معلومات حاصل نمودید در این صنف شما با خصوصیات جغرافیایی قاره های افریقا، آسترالیا و اقیانوسیه آشنا می شوید.

به نقشه بالا نگاه کنید. قارهٔ افریقا در جنوب براعظم اروپا و جنوب غرب براعظم آسیا، بین بحر هند، اوقیانوس اطلس (اتلانتیک) و بحیرهٔ مدیترانه، میان ۳۶ درجه عرض البلد شمالی، ۳۴ درجه عرض‌البلد جنوبی و میان ۱۸ درجه طول البلد غربی و ۵۳ درجه طول البلد شرقی واقع شده است. قارهٔ افریقا از لحاظ مساحت بعد از آسیا و امریکا به درجهٔ سوم قرار دارد که مساحت آن ۳۰ میلیون کیلومتر مربع است. نفوس براعظم افریقا در سال ۲۰۰۵میلادی به ۸۷۹ میلیون نفر می‌رسید.

– موقعیت براعظم افریقا را در روی نقشه نشان داده و حدود اربعهٔ آن را بیان کنید.

براعظم افریقا از شمال به بحیرهٔ مدیترانه، از شرق به اوقیانوس هند و بحیرهٔ سرخ، از جنوب به آب‌های مشترک اقیانوس اطلس (اتلانتیک) و بحر هند محدود است. حفر کانال سویز ایجاد ارتباط آبی میان بحیرهٔ مدیترانه و بحیرهٔ سرخ را به وجود آورده است. براعظم افریقا از چهار طرف توسط اوقیانوس ها و بحیره‌ها محصور شده و به صورت یک قارهٔ علیحده در آمده است.

این قاره از ناحیهٔ شمال غربی توسط آبنای باریک جبل الطارق، از قاره اروپا جدا شده است و آبنای باب المندب و بحیرهٔ سرخ در شمال شرق قارهٔ افریقا، آسیا را از افریقا جدا می‌سازد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان در صنف به گروپ‌ها تقسیم شوند و هر گروپ از روی نقشه حدود اربعه و موقعیت جغرافیایی افریقا را طی سؤال و جواب به دیگران ارائه نمایند.

سؤال‌ها

۱- حفر کانال سویز ارتباط آبی را میان کدام بحیره‌ها بوجود آورده است؟

۲-کانال سویز در کدام قسمت افریقا موقعیت دارد؟

۳-قارهٔ آسیا از افریقا توسط کدام آبنا جدا شده است؟ جواب درست آن را در کتابچه‌های تان حلقه بکشید.

الف) آبنای جبل الطارق
ب)آبنای باب المندب
ج) آبنای بیرنگ
د) آبنای دردانیل

فعالیت خارج صنف

شاگردان نقشهٔ افریقا را در کتابچه‌های خود کاپی نموده و ضمناً بگویند کدام آبناها افریقا را از اروپا و آسیا جدا می‌سازد.

جغرافیای سیاسی افریقا

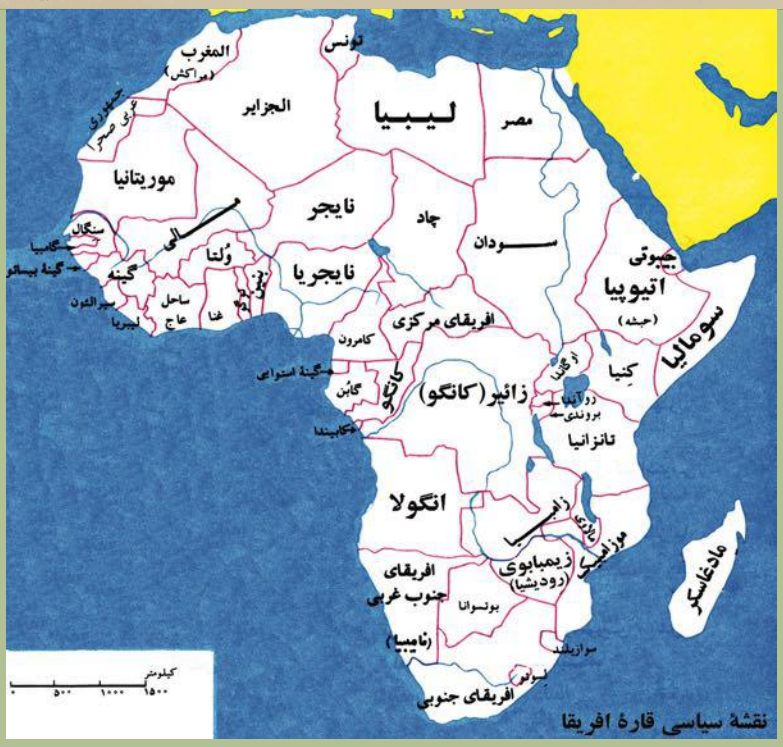

نقشهٔ سیاسی قارهٔ افریقا

راجع به جغرافیای سیاسی قارهٔ افریقا چه می‌دانید؟

مدنیت قدیم مصر در حوزه نیل با اهرام های تاریخی آن در آسیا و اروپا مورد توجه زیاد قرار داشت. استیلای اسکندر مقدونی شهر اسکندریه را در ساحل مدیترانه با آئینه جهان نمای آن خیلی معروف ساخت. چون براعظم افریقا نزدیک عربستان بود، پخش دین اسلام در صفحات شمال افریقا به سرعت صورت گرفت و از طریق آبنای جبل الطارق حتی در هسپانیه، پرتگال و جنوب فرانسهٔ امروزی، اسلام پخش و نشر گردید و مدنیت پیشرفتهٔ اندلس را به وجود آورده بود که مسجد الحمرا نمونه بارز آن محسوب میشود.

- اکتشافات جغرافیایی استعمار غربی ها را در این براعظم به صورت گسترده وسعت بخشید. کشورهای اسلامی در شمال این براعظم مورد تهاجم قرار گرفتند، صحرا نشینان صحرای اعظم، سیاه پوستان، مردمان منطقه سوانا و جنگلات استوایی با افریقای جنوبی یک بعد دیگر تحت تسلط اروپایی ها قرارگرفت. ضمناً در نتیجه استعمار غرب اکثر افریقایی ها به شکل برده و غلام به امریکا انتقال داده شد.

- بعد از جنگ جهانی دوم، نهضت های آزادی خواهی در افریقا اوج گرفت و ممالک زیادی در آنجا مستقل شد.

افریقا تا سال ۱۹۵۱ م دارای بیش از ۴ مملکت مستقل نبود (حبشه، لایبریا، مصر و افریقای جنوبی) و در سال های ۱۹۲۵ تا ۱۹۹۶ میلادی تعداد آنها به ۳۷ کشور ارتقا یافت وبالاخره امروز در نقشهٔ

سیاسی براعظم افریقا ۵۴ کشور مستقل را مشاهده کرده میتوانیم که در جدول، ضمیمه کشور های مختلف را با نوعیت حکومت شان مطالعه می نماییم.

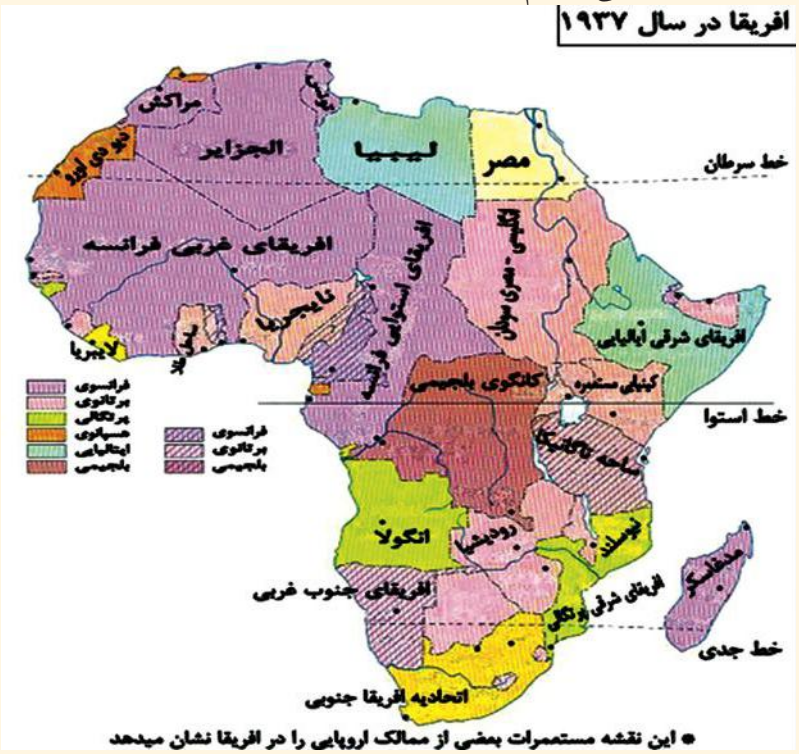

در جنوب افریقا برای مدت طولانی اقلیت سفید پوست کشورهای غربی در قدرت بودند و بالای اکثریت مردم سیاه پوست آن منطقه حکومت می کردند.

این تبعیض نژادی (اپارتاید) سبب مهاجرت مردم سیاه پوست از آنجا شد. که بعد از پایان یافتن اپارتاید وقتی که در سال ۱۹۹۴م انتخابات آزاد در افریقای جنوبی صورت گرفت مردم آن کشور دو باره به مناطق اصلی شان بر گشتند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به گروپ ها تقسیم شوند. روی تبعیض نژادی افریقای جنوبی بحث نموده و نتیجهٔ بحث خود را به دیگران ارائه نمایند.

سؤال ها

۱- تبعیض نژادی در کدام سال در افریقای جنوبی به پایان رسید؟
۲- در روی نقشهٔ جهان، افریقا فعلاً دارای چند کشور مستقل است؟ روی نقشه نشان دهید.
۳- در سال ۱۹۵۱م افریقا چند مملکت مستقل داشت؟ آن ها را نام بگیرید.

فعالیت خارج از صنف

راجع به علت پسمانی قارهٔ افریقا یک مقالهٔ یک صفحه یی نوشته و به همصنفان خود ارائه نمایید.

مشخصات جغرافیایی کشور های مستقل قارهٔ افریقا

شماره	ممالک	عمومیات				طرز حکومت
		مرکز	مساحت به کیلومتر مربع	تعداد نفوس در سال ۲۰۰۶	کثافت نفوس در فی کیلومتر مربع	
۱	آنگولا	لواندا	۱,۲۴۶,۷۰۰	۱۲,۱۲۷,۰۷۱	۱۰	جمهوری
۲	ایتوپیا	آدیس بابا	۱,۱۰۴,۳۰۰	۷۴,۷۷۷,۹۸۱	۶۸	جمهوری فدرالی
۳	اریتریا	اسمره	۱۱۷،۶۰۰	۵،۰۲۸،۴۲۷	۴۲،۸	جمهوری
۴	افریقای جنوبی	پریتوریا	۱,۲۲۱,۰۳۷	۴۴,۱۸۷,۶۳۷	۳۶	جمهوری
۵	افریقای مرکزی	بانگی	۶۲۳,۰۰۰	۴,۳۰۳,۳۵۶	۷	رژیم کودتایی
۶	الجزایر	الجزیره	۲,۳۸۱,۷۴۱	۳۲,۹۳۰,۰۹۱	۱۴	جمهوری
۷	اوگاندا	کامپالا	۲۴۱,۰۳۸	۲۸,۱۹۵,۷۵۴	۱۱۷	جمهوری
۸	بنین	پرتونوو	۱۱۲,۶۲۲	۷,۸۶۲,۹۴۴	۷۰	جمهوری
۹	بوتسوانا	گابرون	۵۸۱,۷۳۰	۱,۶۳۹,۸۳۳	۳	جمهوری
۱۰	بورکینافاسو	واگادوگو	۲۷۴,۰۰۰	۱۳,۹۰۲,۹۷۲	۵۱	جمهوری
۱۱	بوروندی	بوجومبوار	۲۷,۸۳۴	۸,۰۹۰,۰۶۸	۲۹۱	جمهوری
۱۲	تانزانیا	دارالسلام	۸۸۳,۷۴۹	۳۷,۴۴۵,۳۹۲	۴۲	جمهوری
۱۳	توگو	لومه	۵۶,۷۸۵	۵,۵۴۸,۷۰۲	۹۸	جمهوری
۱۴	تونس	تونس	۱۶۳,۶۱۰	۱۰,۱۷۵,۰۱۴	۶۲	جمهوری
۱۵	جیبوتی	جیبوتی	۲۳،۲۰۰	۵۰۶،۲۲۱	۲۱،۸	جمهوری
۱۶	چاد	انجامنا	۱,۲۸۴,۰۰۰	۹,۹۴۴,۲۰۱	۸	جمهوری
۱۷	رواندا	کیگالی	۲۶,۳۳۸	۸,۶۴۸,۲۴۸	۳۲۸	جمهوری
۱۸	زامبیا	لوزاکا	۷۵۲,۶۱۸	۱۱,۵۰۲,۰۱۰	۱۵	جمهوری
۱۹	زیمبابوی	هراری	۳۹۰,۷۵۷	۱۲,۲۳۶,۸۰۵	۳۱	جمهوری
۲۰	سایوتومه وپرنسیپ	سایوتومه	۹۶۴	۲۰۶،۱۷۸	۲۱۳،۹	جمهوری
۲۱	ساحل عاج	یاموسوکرو	۳۲۲,۴۶۳	۱۷,۶۵۴,۸۴۳	۵۵	جمهوری
۲۲	سنیگال	داکار	۱۹۶,۷۲۲	۱۱,۹۸۷,۱۲۱	۶۱	جمهوری
۲۳	سوازیلند	امبابان	۱۷،۳۶۴	۱،۱۲۸،۸۱۴	۶۵	شاهی
۲۴	سودان	خرطوم	۲,۵۰۵,۸۱۳	۴۱,۲۳۶,۳۷۸	۱۶	جمهوری اسلامی
۲۵	سومالیا	موگادیشو	۶۳۷,۶۵۷	۸,۸۶۳,۳۳۸	۱۴	دولت مؤقت
۲۶	سیرالیون	فری تاون	۷۱,۷۴۰	۶,۰۰۵,۲۵۰	۸۴	جمهوری
۲۷	سیشل	ویکتوریا	۴۵۵	۸۲،۲۴۷	۱۸۰،۸	جمهوری

شماره	ممالک	عمومیات				طرز حکومت
		مرکز	مساحت به کیلومتر مربع	تعداد نفوس در سال ۲۰۰۶	کثافت نفوس در فی کیلومتر مربع	
۲۸	صحرای غربی	العیون	۲۶۶،۰۰۰	۳۹۳،۸۳۱	۱،۵	جمهوری
۲۹	گانا	اکرا	۲۳۸,۵۳۳	۲۲,۴۰۹,۵۱۷	۹۴	جمهوری
۳۰	کامرون	یایونده	۴۷۵,۴۴۲	۱۷,۳۴۰,۷۰۲	۳۶	جمهوری
۳۱	کانگو برزاویل	برازویل	۳۴۲,۰۰۰	۳,۷۰۲,۳۱۴	۱۱	جمهوری
۳۲	کانگو کینشاسا	کینشاسا	۲,۳۴۴,۸۵۸	۶۲,۶۶۰,۵۵۱	۲۷	جمهوری
۳۳	کینیا	نایروبی	۵۸۰,۳۶۷	۳۴,۷۰۷,۸۱۷	۶۰	جمهوری
۳۴	کومورن	مورونی	۲،۲۳۵	۷۳۱،۷۵۵	۳۲۷،۴	جمهوری فدرال
۳۵	کیپ وردی	پرایا	۴،۰۳۳	۴۲۶،۹۹۸	۱۰۵،۹	جمهوری
۳۶	گابون	لیبرویل	۲۶۷,۶۶۸	۱,۴۲۴,۹۶۰	۵	جمهوری
۳۷	گامبیا	بانجول	۱۱,۲۹۵	۱,۶۴۱,۵۶۴	۱۴۵	جمهوری
۳۸	گینه	کوناکری	۲۴۵,۸۵۷	۹,۶۹۰,۲۲۲	۳۹	جمهوری
۳۹	گینه استوایی	مالابو	۲۸،۰۵۱	۶۱۶،۴۵۹	۲۲	جمهوری
۴۰	گینه بیساو	بیساو	۳۶،۱۲۵	۱،۵۰۳،۱۸۲	۴۱،۶	جمهوری
۴۱	لسوتو	ماسرو	۳۰،۳۵۵	۲،۱۲۸،۱۸۰	۷۰،۱	شاهی مشروطه
۴۲	لیبریا	مونروویا	۱۱۱،۳۶۹	۳،۳۳۴،۵۸۷	۲۹،۹	جمهوری
۴۳	لیبیا	تریپولی	۱,۷۵۹,۵۴۰	۵,۹۰۰,۷۵۴	۳	جمهوری
۴۴	مادغاسکر	آنتاناناریوو	۵۸۷,۰۴۱	۱۸,۵۹۵,۴۶۹	۳۲	جمهوری
۴۵	مالاوی	لیلونگوه	۱۱۸،۴۸۴	۱۳،۰۱۳،۹۲۶	۱۱۰	جمهوری
۴۶	مالی	باماکو	۱,۲۴۰,۱۹۲	۱۱,۷۱۶,۸۲۹	۹	جمهوری
۴۷	مصر	قاهره	۱,۰۰۱,۴۴۹	۷۸,۸۸۷,۰۰۷	۷۹	جمهوری
۴۸	المغرب (مراکش)	رباط	۴۴۶,۵۵۰	۳۳,۲۴۱,۲۵۹	۷۴	شاهی مشروطه
۴۹	موریتانیا	نواکشوت	۱,۰۲۵,۵۲۰	۳,۱۷۷,۳۷۸	۳	جمهوری
۵۰	موریش	پورت لویس	۲،۰۴۰	۱،۲۷۴،۱۸۹	۶۲۴،۶	جمهوری
۵۱	موزمبیق	مابوتو	۸۰۱,۵۹۰	۱۹,۶۸۶,۵۰۵	۲۵	جمهوری
۵۲	نامیبیا	ویندهوک	۸۲۴,۲۹۲	۲,۰۴۴,۱۴۷	۲	جمهوری
۵۳	نایجر	نیامی	۱,۲۶۷,۰۰۰	۱۲,۵۲۵,۰۹۴	۱۰	جمهوری
۵۴	نایجریا	آبوجا	۹۲۳,۷۶۸	۱۳۱,۸۵۹,۷۳۱	۱۴۳	جمهوری فدرال

منبع:
Wolters– Noordhoff, WN Atlas Productions, Groningen, the ۲۰۰۷ Netherlands

نوت: در سال ۱۳۹۰ سودان به دو کشور مستقل تبدیل شد. که به این ترتیب تعداد کشورهای افریقا به ۵۵ واحد سیاسی ارتقا یافت.

جغرافیای بشری(نژاد)

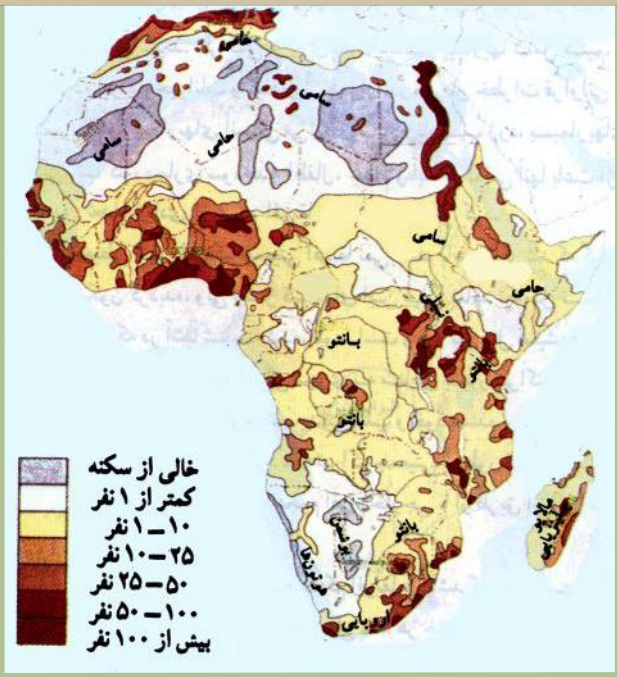

نقشهٔ توزیع جغرافیایی نفوس در قارهٔ افریقا

جغرافیای بشری بر اعظم افریقا را به طور مفصل در سه بخش که عبارت از نفوس، نژاد ، زبان و دین می‌باشد، مطالعه می‌نمائیم:

نژاد

به نقشه های ترکیب قومی و توزیع نفوس افریقا نگاه کنید. در شمال افریقا مردم عرب زنده گی می کنند که به زبان عربی صحبت می‌نمایند. تعداد زیاد آنان در شهرها امرار حیات دارند. مردم دهات به زراعت مصروف‌اند. مردم عرب این منطقه متشکل از دو قبیله به نام حامی(Hami) و سامی (Sami) می باشند. چهرهٔ این مردم گندمی رنگ بوده و موی سیاه دارند.

در شمال غرب افریقا قبایل بربر زنده گی می کنند که دارای رنگ سفید و در نسل با مردم اسپانیا و ایتالیا شباهت دارند. به همین سبب کشورهای مراکش، الجزایر و تونس را به نام کشورهای بربر یاد می کنند. در صحرای اعظم در قسمت‌های مرکزی و جنوبی افریقا مردم سیاه پوست زنده گی می کنند. که به نام سیاه‌های افریقایی یاد شده و اکثریت نفوس افریقا را تشکیل می‌دهند، اما از نظر نژادی از هم فرق دارند. از این لحاظ به گروپ های جدا گانه تقسیم شده‌اند. در افریقای مرکزی، جنوبی و صحرای اعظم مردم سیاه پوست زنده گی می کنند که از لحاظ قد، چهره و رنگ پوست از هم فرق دارند و

به دو بخش سودانی و نگروهای بنتو تقسیم شده اند.

در جنگل های استوایی افریقای مرکزی، مردمان قبایل پیگمی زنده گی می‌نمایند که دارای قد کوتاه‌اند. قد متوسط مردان آن ۱۴۵ سانتی متر و از زنان شان به ۱۳۵ سانتی متر می‌رسد.

رنگ پوست مردمان پیگمی چندان سیاه نیست. خانه‌ها و ضروریات مردم پیگمی از جنگلات تهیه می‌شود و خانه‌های این مردم به مشکل قابل دید است، زیرا خانه‌های آنها در میان شاخه ها و برگ‌های درختان پوشیده شده است. لباس پیگمی‌های پیر عبارت از یک کمربند است که در کمر بسته و گاهی هم برگ های درختان را به آن بسته می‌کنند.

مردمان مهاجر سفید پوست اروپایی که بعد از سال ۱۸۰۰میلادی به افریقا آمده‌اند، به منظور عملی نمودن برنامه‌های استعماری خود، قسمت های زیاد افریقا را تحت تسلط در آوردند،آنها در افریقای‌جنوبی و زمبابوی زنده گی می کردند بعداً در کینیا و یوگندا و دیگر کشورهای افریقا پراگنده شدند.

چهرهٔ عربهای افریقای شمالی

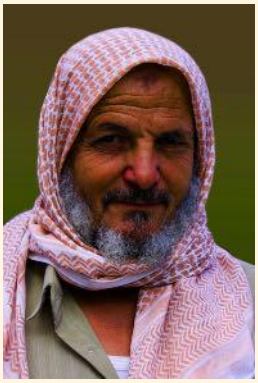

چهرهٔ نگروهای افریقا

فعالیت داخل صنف

شاگردان به گروپ‌ها تقسیم شوند و هر گروپ روی علل و عوامل مهاجرت افریقایی ها بحث نموده و نتیجهٔ مباحثهٔ خود را به دیگران ارائه نمایند.

سوال ها

۱- در شمال افریقا کدام مردمان زنده گی می کنند و به کدام زبان صحبت می نمایند؟

۲- در صحرای اعظم و قسمت های جنوبی و مرکزی براعظم افریقا کدام مردمان زنده گی می کنند و به نام چه یاد می‌شوند؟

۳- چرا مردمان اروپایی به افریقا مهاجرت کردند؟ هدف شان چه بود و در کدام ممالک افریقایی امرار حیات می کردند؟

فعالیت خارج صنف

نقشهٔ ترکیب قومی مردم افریقا را مطالعه نموده به سؤال های زیر جواب تحریری دهید:

۱- در براعظم افریقا مردم نژاد سیاه به صورت عمومی در کدام بخش سکونت دارند؟

۲- به اساس همین نقشه ممالک مصر، لیبیا و مراکش در سال ۲۰۰۵ م چند میلیون نفوس داشتند؟

دین وزبان افریقا

نقشهٔ ممالک اسلامی قارهٔ افریقا

از دین و زبان افریقا چه می‌دانید؟

دین: به نقشه بالای صفحه نگاه کنید. در براعظم افریقا، ادیان مختلف وجود دارد اما از جمله ادیان دین مقدس اسلام، عیسوی و بودایی پیروان زیادی دارند. که در همه کشورهای افریقائی به صورت پراگنده زیست می‌نمایند. به صورت عموم در این براعظم ۲۳ کشور پیرو دین مقدس اسلام می‌باشد.

زبان: مردم براعظم افریقا از ملیت های جداگانه ترکیب شده اند که به زبان‌ها و لهجه های مختلف تکلم می کنند و تعداد آن به ۷۰۰ لسان و ۳۰۰ لهجه یا زبان محلی می‌رسد. چون اکثریت ممالک افریقا تحت استعمار اروپایی ها قرار داشتند، بناءً همان زبان استعماری خارجی را زبان رسمی خود قرار داده اند. اکنون که این کشور ها مستقل هم شده اند باز هم همان زبان خارجی به حیث زبان رسمی‌شان باقی مانده است. که مهم‌ترین آن زبان انگلیسی، اسپانوی، فرانسوی و پرتگالی می‌باشد.

در براعظم افریقا به زبان های گونا گون تکلم می‌شود، ولی به صورت عموم چهار گروه زبان در این قاره زیاد تر عمومیت دارد:

۱- زبان های سامی که شامل زبان های عربی، قبطی و امهری است.

۲- زبان های ساحلی یا سواحلی که شامل زبان های بانتو و نوعی زبان دیگر که محصول اختلاط

زبان های محلی می‌باشد و تعداد آنها بسیار زیاد است.
۳- زبان‌های محلی که تعداد آنها زیاد است.
۴- زبان های اروپایی که در رأس آنها زبان های فرانسوی و انگلیسی قرار دارد.
لسان‌های رسمی ممالک افریقایی را می توان در جدول زیر مطالعه کرد.

جدول لسان مردم افریقا

لسان رسمی	عربی	انگلیسی	فرانسوی	پرتگالی	سواحلی	افریقایی
نام ممالک	مصر سودان مراکش تونس الجزایر لیبیا موریتانیا (صحرای غربی) ایرتیریا	نایجیریا گانا گامبیا سیرالیون لایبریا اوگندا زامبیا مالاوی زمبامبوی بوتسوانا کینیا نامبیا افریقای جنوبی	سنیگال گینه مالی ساحل عاج بورکینا فاسو توگو بنین نایجیر چاد (جمهوریت افریقای مرکزی) (کانگو-کینشاسا) (کانگو- برازاویل) روندا گابون مد غاسکر	انگولا (گینهٔ- بیساو) کپ وردی (ساوتام و پرنسپی) موزمبیق	تانزانیا کینیا (و در یک بخش اوگندا)	افریقای جنوبی

• همچنان کشورهای دیگری وجود دارند که لسانهای رسمی دیگری دارند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به گروپ‌ها تقسیم شوند. گروپ اول راجع به زبانهای مهم افریقایی و گروپ دوم راجع به ادیان معروف و مهم افریقایی معلومات ارائه نمایند.

سؤال‌ها

۱- مسلمانان در کدام قسمت افریقا بیشتر سکونت دارند؟
۲- در براعظم افریقا چند کشور پیرو دین مقدس اسلام می‌باشد؟ با استفاده از نقشه نام بگیرید.
۳- چرا افریقایی‌ها زبان خارجی را به حیث زبان رسمی قبول کردند؟
۴- زبان های محلی و زبان های مروج اروپایی را تذکر دهید.

فعالیت خارج صنف

شاگردان نقشهٔ براعظم افریقا را در کتابچه های خود کاپی نمایند و ساحات ادیان مردم افریقا را در آن نشان دهند.

جغرافیای اقتصادی(زراعت و مالداری)

چیدن برگهای چای در کینیا

راجع به جغرافیای اقتصادی براعظم افریقا چه می دانید؟

ترقی و انکشاف در اقتصاد قارهٔ افریقا نظر به براعظم های دیگر بعد تر یعنی در اوایل قرن نزده آغاز گردید و قبل از آن بسیار محدود بوده است.

اوضاع اقتصادی این قاره نیز رنگ‌ها و اشکال مختلفی دارد. چنانچه از ساده‌ترین پیشه ها و صنایع دستی ابتدایی تا مدرن ترین فابریکه های صنعتی را در آن می توان مشاهده کرد یا از طریق خیلی ساده و بسیط در قسمت ترانسپورت و انتقال مواد که مستقیماً توسط انسانها صورت می گیرد تا مدرن ترین بندر های بحری، خطوط آهن و شبکه های هوایی و میدان های مجلل را می‌توان سراغ کرد.

براعظم افریقا از نظر منابع طبیعی قارهٔ ثروتمند است. در این قاره معادن نفت، طلا، الماس ، مس و جنگل های عظیم فراوانی وجود دارد. اقتصاد و عایدات افریقا بیشتر براساس زراعت و مالداری استوار است.بناءً بخش های مختلف اقتصاد براعظم افریقا را به طور ذیل مطالعه می‌نماییم:

الف- زراعت و مالداری

حاصلات زراعتی این قارهٔ را بیشتر نباتات استوایی و تحت استوایی تشکیل می‌دهند. چنانچه کنجد

و بته‌های چای در شرق افریقا، نباتات تیلی زیادتر در غرب منطقه سودان و قسمت علیای گینه، ناریال در جزایر شرقی افریقا، ککاو در سواحل گینه و جزایر نزدیک آن، بادام زمینی (ممپلی) در افریقای غربی، پنبه در مصر، سودان و تانزانیا، کیله و اناناس در افریقای غربی و تقریباً در همه جزایر این ساحه، قهوه زیادتر در حبشه و کینیا، انجیر، انگور و غیره میوه ها و یا سبزیها در سواحل بحیرهٔ مدیترانه یافت می‌شود. در شمال براعظم افریقا در ساحل بحیرهٔ مدیترانه که دارای اقلیم مدیترانه‌یی است، زمستان آن معتدل و بارانی و تابستان آن گرم و خشک است، جنگلات در آن کمتر و درختان همیشه بهار، زیتون و لیمو، گندم، جو، جواری و انگور حاصل خوب می دهد. در افریقای جنوبی دشت های علفزار به صورت للمی حاصل می دهد و از آن جمله حاصلات تنباکو و پنبه قابل یاد آوری است. در بسیاری مناطق آن لوبیا حاصلات عمدهٔ زراعتی را تشکیل می دهد.

گرچه اقلیم افریقا به طور عموم برای تربیهٔ حیوانات مساعد نیست و مالداری و تربیت حیوانات نیز کمتر صورت می گیرد. با این همه تربیهٔ گوسفند و بز تا حدی قابل تذکر است. صید ماهی خصوصاً در سواحل ممالک افریقائی که متصل به بحر اطلس اند، زیادتر صورت می گیرد. انواع ماهیان قابل شکار در آنجا ساردین، تونیاک و مکریل می باشد.مناطق استوایی ۵ الی ۱۰ درجهٔ عرض البلد شمالی و جنوبی خط استوا دارای اقلیم گرم و مرطوب می باشد که به اساس آن در این منطقه جنگلات انبوهی وجود دارد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به گروپ ها تقسیم شوند هر گروپ راجع به علت عقب مانی قارهٔ افریقا بحث نموده و نتیجه بحث خود را به دیگران ارائه نمایند.

سوال ها

۱- راجع به اوضاع اقتصادی قارهٔ افریقا معلومات دهید.
۲- انکشاف مالداری در افریقا چه گونه است؟
۳- انواع حیوانات و ماهیان قابل شکار افریقا را نام بگیرید.

فعالیت خارج صنف

راجع به محصولات مدیترانه‌یی قارهٔ افریقا معلومات خود را بنویسید. همچنان بگویید که آیا در افغانستان نوع اقلیم مدیترانه یی وجود دارد؟ اگر دارد در کدام منطقه؟

معادن و صنایع

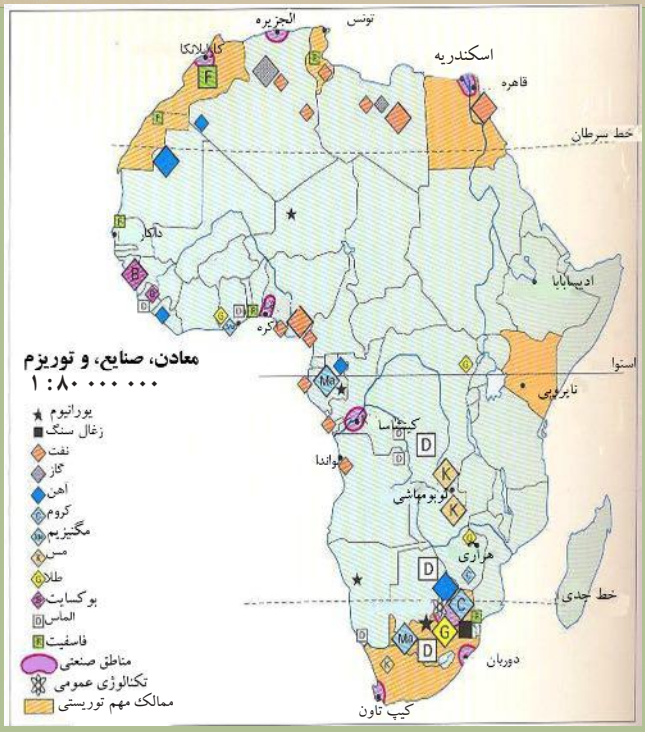

نقشهٔ معادن، صنایع و توریزم افریقا

به نقشه بالا نگاه کنید. کدام مواد معدنی و محصولات صنعتی در کدام مناطق افریقا وجود دارد؟

براعظم افریقا از نظر منابع طبیعی قارهٔ ثروتمند است، اما استفادهٔ کمتر از آن صورت گرفته است. افریقای شمالی دارای ذخایر زیاد نفت و گاز می باشد و افریقای جنوبی باداشتن ذخایر الماس مقام اول را در جهان دارا ست و منبع بزرگ عایداتی افریقا را تشکیل می‌دهد. الماس سخت‌ترین وقیمتی‌ترین منرال طبیعی است که به صورت عموم به رنگ زرد و سیاه دیده می‌شود. بعضاً به رنگ‌های سفید، آبی و سبز نیز می باشد. منرال مذکور بعد از صیقل شدن به نام بریلیانت(الماس تراشیده) یاد می شود. طلا از معادن مهم افریقای جنوبی است. همچنان ذخایر زغال سنگ، کروم، منگنیز و یورانیم نیز در آن ساحه موجود است. کشور های زایر و زمبابوی دارای بهترین ذخایر مس هستند. معادن آهن در لایبریا و افریقای جنوبی موجود است.به صورت عموم گفته می توانیم که براعظم افریقا ۸۰ فیصد الماس، ۴۰ فیصد طلا، ۲۰ فیصد نقره، ۲۰ فیصد مس و ۱۴فیصد قلعی جهان را تولید می کند. همچنان از منطقهٔ مهم ترانسوال میتوان نام برد که در آن کار خانه های صنعتی و شهر های عظیم متمرکز بوده و بیشترین جمعیت را در خود جای داده است. نواحی مرکزی افریقا دارای جنگلات انبوه و مناطق صحرایی دارای معادن فراوان است که تا حال مورد استفاده قرار نگرفته است. کشور های افریقا کوشش دارند تا حجم تولیدات صنعتی را بالا ببرند. بعضی کشور های افریقا به ساختن بند های برق و بند های زراعتی مشغول اند مثلاً بالای دریای نیل بند اسوان در مصر و بند کریبا بالای دریای زامبزی در بین کشور

های زمبیا و زمبابوی و بند ولتا بالای دریای ولتا در کشور گانا قابل یاد آوری است. محصولات زراعتی و معدنی قارهٔ افریقا اکثراً به خارج صادر می شود. مواد اولیهٔ خام برای کار خانه ها و مراکز صنعتی دیگر کشورهای جهان نیز در افریقا تولید می شود. زیرا در خود افریقا صنعت پیشرفت چندانی نکرده است.همچنان در افریقا عواید از منابع توریزم نیز به دست می آید. اهرام مصر و آثار باستانی سایر کشورهای قدیمی، سواحل زیبای شمال افریقا در کنار بحیرهٔ مدیترانه، آداب ورسوم مردم و نیز پارکهای ملی معروف که درافریقا وجود دارد، ارزش توریزم و جهانگردی دارد که سبب می‌شود مردم از آنجا دیدن کنند که طبعاً در اقتصاد مناطق و ممالک مربوطه نقش دارد.

منظرهٔ از یک باغ وحش طبیعی موزامبیق

فعالیت داخل صنف

شاگردان به گروپ ها تقسیم شوند و هر گروپ راجع به منابع و ذخایر طبیعی قارهٔ افریقا بحث نموده، نتیجه بحث خود را به دیگران ارائه نمایند.

سؤال ها

۱- بند های برق افریقا روی کدام دریا ها موقعیت دارند؟
۲- افریقای شمالی و جنوبی را از نظر منابع طبیعی با هم مقایسه نمایید.
۳-کشورهایی را در افریقا نام ببرید که در آن مس بیشتر یافت می شود.
۴- معادن آهن در کدام مناطق افریقا بیشتر به ملاحظه می‌رسد؟
۵- معادنی را که در قارهٔ افریقا یافت می شود نام بگیرید.

فعالیت خارج صنف

نقشهٔ معادن، صنایع و توریزم افریقا را مطالعه نموده، سؤال‌های ذیل را جواب دهید:
۱- یورانیم در کدام ممالک افریقا وجود دارد از آن نام ببرید.
۲- نفت به طور عمومی در کدام بخش های افریقا وجود دارد؟
۳- مناطق صنعتی افریقا را نام ببرید.

ترانسپورت (فضایی، زمینی و آبی)

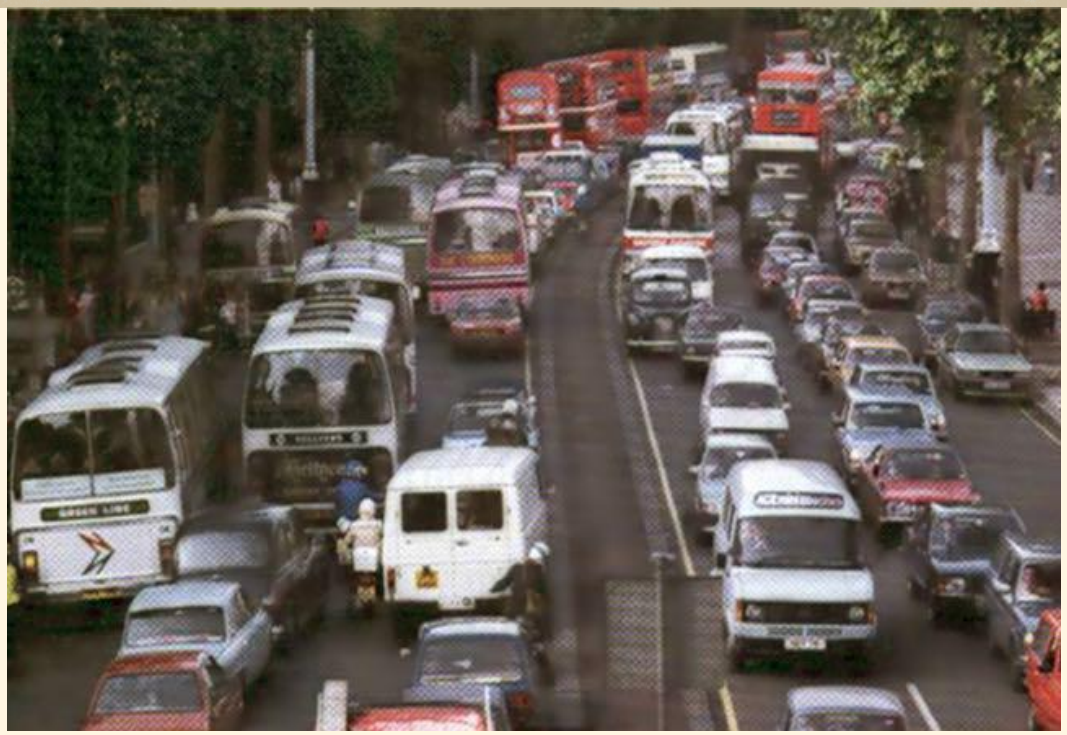

ترانسپورت در لاگوس

مواصلات در افریقا سابقهٔ دیرینه داشته و به اشکال مختلف صورت می گرفت. اکنون تا حدودی به شکل بهتر و معاصر تر انکشاف یافته است. موجودیت جنگل های انبوه استوایی، باد های تند صحرایی، باتلاقها و صحراها، موانعی را در این قاره به وجود آورده است. حمل و نقل مواد از طریق خشکه و در سواحل توسط کشتی‌ها صورت می گیرد. اولین رفت و آمد از غرب به شرق افریقا در سال ۱۸۷۷م توسط هری موتن ستنلی (Harry mouton Stanly) صورت گرفت که در سه سال تکمیل گردید.

در اکثر این قسمت‌ها مواصلات و حمل نقل به شکل ابتدایی و معمولاً توسط شتر، مرکب و یا در مواضع صعب العبور با استفاده از انسان عملی می شود.

احداث شبکه های خطوط آهن از اوایل قرن بیست. مخصوصاً از جنگ اول جهانی به بعد به طور بطی پیش رفته است. بنا بر آن زیادتر از سرک ها در حمل و نقل کار گرفته می شود.

طول مجموعی شبکه های خطوط آهن در افریقا به هفتاد هزار کیلومتر رسیده و طویل ترین آن خطی است که به طول هشت هزار کیلومتر قاهره را به کپتاون در افریقای جنوبی وصل می کند.

خطوط آهن درکشورهای دیگرافریقایی مانند:مراکش، الجزایر،تونس ومصرانکشاف نموده است.

- طویل ترین خط آهن افریقا چه قدر طول دارد کدام مناطق را به هم وصل می کند؟

علاوتاً پایتخت‌ها و مراکز اکثر ممالک این براعظم و شهرهای مشهور و معروف آن با میدان‌های هوایی عصری مجهز می باشند که از این طریق به کشورهای پیشرفتهٔ صنعتی و دیگر کشورهای جهان ارتباط برقرار می نمایند.

ترانسپورت در شهر قاهره

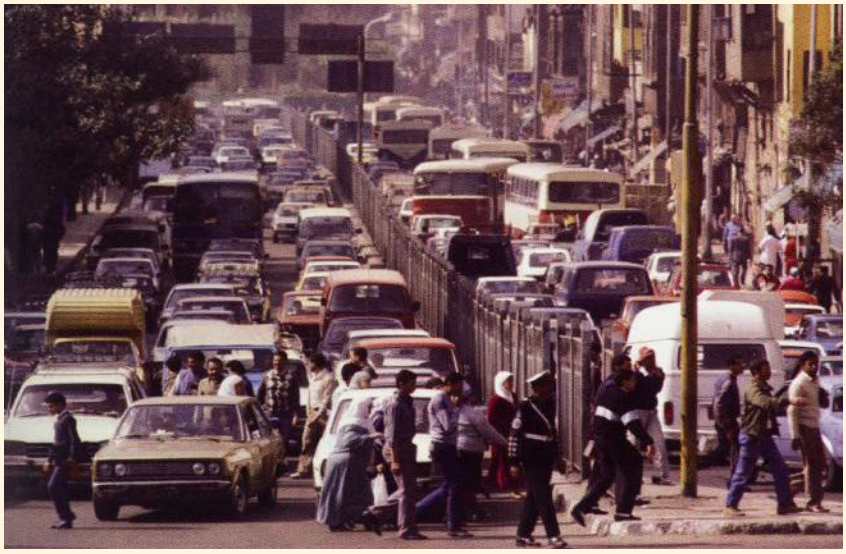

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ اول راجع به اشکال ابتدائی مواصلات افریقا و گروپ دوم راجع به شکل پیش رفتهٔ مواصلات در افریقا بحث نموده و نتیجه بحث خود را به دیگران ارائه نمایند.

سوال ها

۱- خطوط آهن در کدام کشورهای افریقای شمالی انکشاف نموده است؟

۲- راجع به شکل حمل و نقل ابتدایی معلومات دهید.

فعالیت خارج صنف

در مورد موانع و مشکلات راه های مواصلاتی در افریقا معلومات دهید.

حمل و نقل بحری و دریایی

دوربان مهمترین بندر بحری افریقای جنوبی

شما در درس قبلی راجع به راه های خشکه و هوایی افریقا معلومات حاصل نمودید.
در این درس به راه های آبی قارهٔ افریقا آشنا می شوید.به نظر شما افریقا از طریق کدام آبنا ها و کانال‌ها به بحر وصل می‌شود؟

حمل و نقل بحری و دریایی افریقا حایز اهمیت خوبی بوده و مهمترین راه‌های آبی (طبیعی، مصنوعی) که در افریقا ارتباط میان دو بحیره یا دو اقیانوس را بر قرار می‌سازند، از این قرار اند: کانال سویز (بین بحیرهٔ مدیترانه و بحیرهٔ سرخ که کار ساختمانی آن در سال ۱۸۵۶م شروع و در سال ۱۸۶۹م خاتمه یافت)، آبنای باب المندب (بین بحیرهٔ سرخ و خلیج عدن)، کانال موزمبیق(بین دو قسمت از بحر هند در غرب مدغاسکر) و آبنای جبل الطارق(بین بحیرهٔ مدیترانه و اقیانوس اطلس). از این راه های آبی تنها کانال سویز مصنوعی است و دیگر آنها طبیعی می باشند.

با وجود مشکلات و موانع در براعظم افریقا و بنا بر عدم مساعدت ساختمان اراضی، موجودیت جنگلات در ساحه کانگو و استوا، اقلیم بسیار گرم و سوزان صحرایی و استوایی که اکثر جا های افریقا بدون استفاده قرار گرفته است. با آنهم سهولت هایی در حمل و نقل اموال به وجود آمده است.

مهمترین راه بحری در حوزهٔ کانگو موقعیت دارد که تقریباً به طول یک هزار و پنج صد کیلومتر قابل استفاده می باشد. حوزهٔ آبگیرآن در مناطق استوایی قرار دارد که در تمام سال آب فراوان و باران زیاد دارد. دریای نیل الی بند اسوان قابل استفادهٔ کشتی‌های بحری بوده و از این دریا کشورهای مصر و سودان هر دو جهت حمل و نقل استفاده می نمایند. هکذا در دریا های نایجر، سنیگال و زامبزی نیز در بعضی اوقات سال که آب فراوان باشد، کشتیرانی صورت می گیرد.

به نظر شما کانال سویز کدام بحیره ها را به هم وصل می نماید؟

امروز حمل ونقل توسط کشتی های بحری زیادتر در بنادر مدیترانه و بنادر افریقای جنوبی صورت می گیرد که از آن به جانب بازار های امریکای جنوبی و آسترالیا مال التجارهٔ بیشتر انتقال داده می شود. همچنین کانال سویز که ارتباط اروپا را با افریقای شرقی، و جنوب شرقی فراهم نموده از ارزش خاص اقتصادی برخوردار است.

لاگوس پایتخت نایجریا و بندر بحری

فعالیت داخل صنف

با توجه به نقشهٔ افریقا اگر قرار باشد که از خلیج عدن توسط کشتی به شهر ساحلی کشور مراکش یعنی کازابلانکا مسافرت کنیم، از کدام آبناها و کانالها می گذریم؟

سؤال ها

۱- کدام کانال شمال شرق افریقا از اهمیت مهمی برخوردار می باشد؟
۲- آبنای جبل الطارق بین کدام اقیانوس و بحیره قرار دارد؟
۳- مواصلات سابقهٔ براعظم افریقا و انکشاف بعدی آن را مقایسه نماید.

فعالیت خارج صنف

یک کتاب، مجله و یا اخبار را، که در مورد قارهٔ افریقا معلومات داشته باشد، مطالعه نموده و یادداشت نام کتاب، سال طبع و غیره مشخصات آن را به استاد مضمون بدهید.

آسترالیا

نقشهٔ موقعیت آسترالیا

در این فصل می‌خوانیم:

آسترالیا و اوقیانوسیه

- موقعیت
  - حدود اربعه
  - کشف آسترالیا
- جغرافیای سیاسی
- جغرافیای بشری
- جغرافیای اقتصادی
- جغرافیای مواصلاتی
- اوقیانوسیه
  - وضع اقتصادی
  - نیوزیلاند

اهداف عمومی فصل

• از شاگردان انتظار می‌رود که باخواندن این فصل به اهداف علمی زیر دست یابند:

- آشنایی با موقعیت جغرافیایی قارهٔ آسترالیا و اقیانوسیه.
- آشنایی با وضعیت جغرافیای سیاسی قارهٔ آسترالیا و اقیانوسیه.
- آشنایی با جغرافیای بشری قارهٔ آسترالیا و اقیانوسیه.
- آشنایی با جغرافیای مواصلاتی قارهٔ آسترالیا و اوقیانوسیه.
- اوقیانوسیه
- وضع اقتصادی اوقیانوسیه.
- نیوزیلاند.

حدود و موقعیت

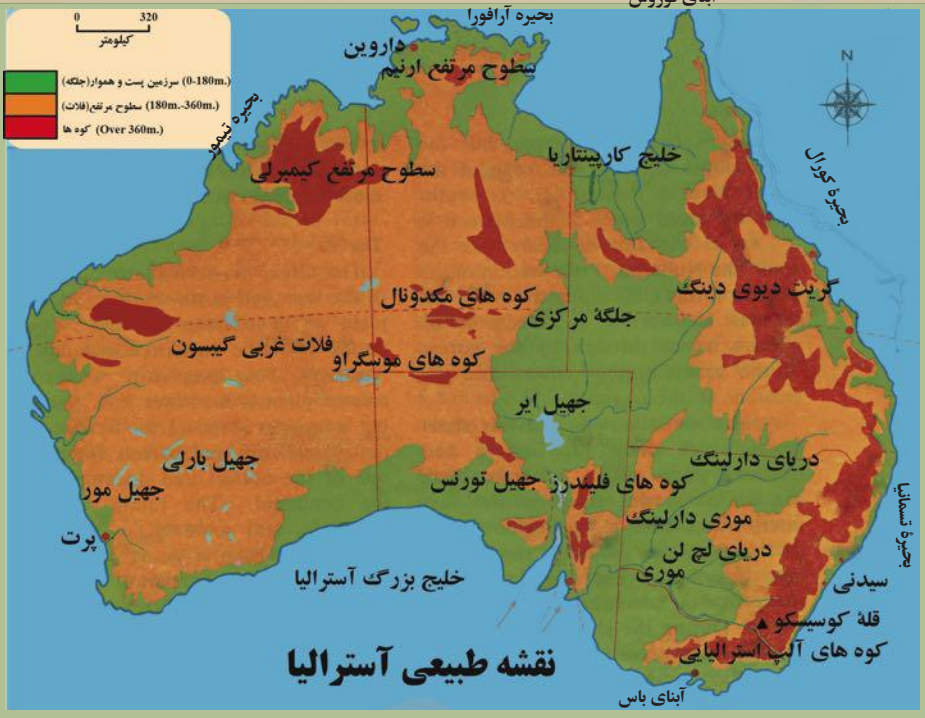

نقشهٔ موقعیت جغرافیایی آسترالیا و نیوزیلاند

آسترالیا در کدام بخش درکرهٔ زمین موقعیت دارد؟

الف. حدود اربعه

براعظم کوچک آسترالیا که از نظر بعضی جغرافیه دانان یک جزیرهٔ کلان است، قسمت زیاد (تقریباً $\frac{3}{4}$) آن صحرا است. آسترالیا بین خطوط ۱۲ درجه و ۴۳ درجه عرض البلدهای جنوبی، ۱۱۵ و ۱۵۴ درجهٔ طول البلدهای شرقی موقعیت دارد. در شمال آسترالیا بحیرهٔ تیمور (Timor sea)، بحیرهٔ ارافورا (Arafura sea)، خلیج کارپینتاریا (Gulf of Carpentaria) و آبنای تورس (Str. Torres) موقعیت دارد. در شرق آن بحیرهٔ کورل (Coral Sea) و بحیرهٔ تسمانیا (Tasmania Sea) و در جنوب آسترالیا آبنای باس (Bass.Str) و خلیج آسترالیا موقعیت دارد. بحر هند در جنوب و غرب آسترالیا قرار گرفته است. مساحت آن بالغ بر (۷۶۸۲۳۰۰) کیلومتر مربع می باشد

ب. کشف آسترالیا

- آسترالیا چگونه و توسط کی کشف گردید؟

تقریباً ۵۰,۰۰۰ سال قبل مردمان جنوب شرق آسیا به آسترالیا آمدند. در دوره های یخچالی که سطح آب بحر قدری پایین بود و پلهای خاکی که بین آسیا و آسترالیا وجود داشت، از راه همین پل‌ها و راه‌ها مردمان و حیوانات می توانستند از آسیا به آسترالیا بروند. این یک پروسه چهل هزار ساله بود. بعداً که کره زمین گرم شد

و یخبندان به ذوب شدن شروع کرد؛ سطح آب بحر بالا رفت. به این ترتیب آسترالیا به شکل یک جزیره در آمد.

به اثر مسافرت‌ها و کشفیات زیاد بحری همان وقت بود که آسترالیا هم توسط اروپایی‌ها کشف گردید.

در سال ۱۶۰۶م اولین کشتی هالندی‌ها در ساحل خلیج کار پنتاریا (Gulf of Carpentaria) در شمال آسترالیا مقابل گینه جدید(New Guinea) لنگر انداخت. کپتان این کشتی ویلیم جانسن (Willem Janszoon) دوباره به جاوا(Java) برگشت.

اولین بریتانیوی که به آسترالیا رسید، یک کپتان کشتی بود به نام ویلیم دامپیر (William Dampier) که در سال ۱۶۸۸م به آسترالیا رسید.

در سال ۱۶۴۲ میلادی آسترالیا توسط یک بحر پیمای هالندی بنام ابل تاسمان کشف گردید.

در سال ۱۷۷۰ م جیمز کوک انگلیسی اولین اروپایی بود که به سواحل شرقی آسترالیا رسید و از طریق خلیج بوتانی Botany(سدنی(Sydneyکنونی) سواحل شرقی را پیمودند و آنرا به نام ولز جنوبی جدید (New South Wales) مسمی ساختند.

در آغاز سالهای ۱۸۰۰ م سدنی به مرکز تجارتی در حالت مبدل شدن بود. همچنان به خاطر کشف سایر نقاط آسترالیا، تلاش هایی صورت گرفت.

در اول جنوری سال ۱۹۰۱م سیستم ایالتی در آسترالیا به وجود آمد و در حقیقت روز استقلال آسترالیا از انگلستان می‌باشد.اما تامدت طولانی آسترالیا به گونهٔ مستعمره انگلستان باقی ماند که آهسته آهسته به شکل یک مملکت مستقل عرض وجود کرد.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ اول موقعیت جغرافیایی آسترالیا را به روی نقشه تثبیت و نشان دهند. گروپ دوم لست ممالک و اشخاصی را که در کشف آسترالیا نقش داشتند، ترتیب و به دیگران ارائه نمایند.

سؤال‌ها

سؤالات ذیل را اگر صحیح است به (ص) و اگر غلط است به (غ) در کتابچه های تان جواب دهید:

۱- آسترالیا یک جزیرهٔ کلان است.

۲- آسترالیا در شرق بحر هند موقعیت دارد.

۳- کشف آسترالیا نتیجهٔ مسافرت‌ها و کشفیات زیاد بحری بود که توسط اروپایی‌ها صورت گرفت.

۴- آسترالیا استقلال خود را در سال ۱۹۰۱م از انگلستان به دست آورد.

فعالیت خارج صنف

با استفاده از انترنت و یا کتابخانه راجع به کشفیات بحری و کشف آسترالیا یک مقالهٔ یک صفحه‌یی نوشته کنید.

جغرافیای سیاسی استرالیا

استرالیا چگونه اداره می‌شود؟

استرالیا دولت فدرالی شاهی مشروطهٔ یا شاهی پارلمانی است که ملکهٔ انگلستان به گونهٔ تشریفاتی در راس دولت قرار دارد.

اما در حقیقت استرالیا یک دولت فدرالی است که هفت پارلمان ایالتی دارد و هر پارلمان امور مربوطه به آن ایالت را انجام می‌دهد و یک پارلمان عمومی و مشترک در مرکز استرالیا یعنی شهر کانبرا وجود دارد که امور کل مملکت را انجام می‌دهد. این نوع حکومت شبیه حکومت فدرالی ایالات متحده امریکا و کانادا می‌باشد.

لسان رسمی این کشور انگلیسی و پایتخت آن شهر کانبرا است. اکثریت مردم این مملکت پیرو دین عیسوی هستند.

اگر به نقشهٔ سیاسی استرالیا نگاه کنید؛ می بینید که استرالیا به شش ایالت و دو منطقه تقسیم گردیده که عبارت اند از:

۱- نیوساوت ویلز (New South Wales) (ویلز جدید جنوبی) که در آن دو شهرهای بزرگ استرالیا یعنی سدنی (Sydney) که مرکز همین ایالت است و کانبرا (Canberra) که پایتخت استرالیا است موقعیت

دارد. شهر سدنی بزرگترین شهر استرالیا و مهمترین بندر و مرکز مالی این کشور است.
۲- ایالت ویکتوریا (Victoria) که مرکز آن ملبورن (Melborne) است.
۳- کوینزلند که مرکز آن بریسبان (Brisban) است.
۴- استرالیای جنوبی که مرکز آن شهر ادلاید (Adelaid) می باشد.
۵- استرالیای غربی که مرکز آن شهر پرت (Perth) است.
۶- تسمانیا که مرکز آن هوبارت است و یک جزیره است که در جنوب ولز جدید جنوبی موقعیت دارد.
دو منطقهٔ مستقل عبارت‌اند از منطقهٔ پایتخت کانبرا و منطقهٔ شمالی.
حکومت استرالیا در سال ۱۹۰۱ میلادی استقلال خود را کسب نموده است.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به گروپ‌ها تقسیم گردند و هر گروپ راجع به طرز حکومت استرالیا بحث نموده و نمایندهٔ هر گروپ نتیجه بحث خود را برای همصنفان خود بیان نماید.

سؤال ها

۱- استرالیا به چند ایالت تقسیم گردیده، نام ببرید.
۲- آسترالیا در کدام سال و از کدام مملکت استقلال سیاسی خود را کسب نموده است؟
۳- طرز حکومت آسترالیا چگونه است؟
۴- پایتخت استرالیا در کدام بخش موقعیت دارد؟

فعالیت خارج صنف

در کتابچه های تان نقشهٔ سیاسی استرالیا را رسم نموده و نام ایالت‌ها را در ساحهٔ مربوطه آن بنویسید.

جغرافیای بشری آسترالیا

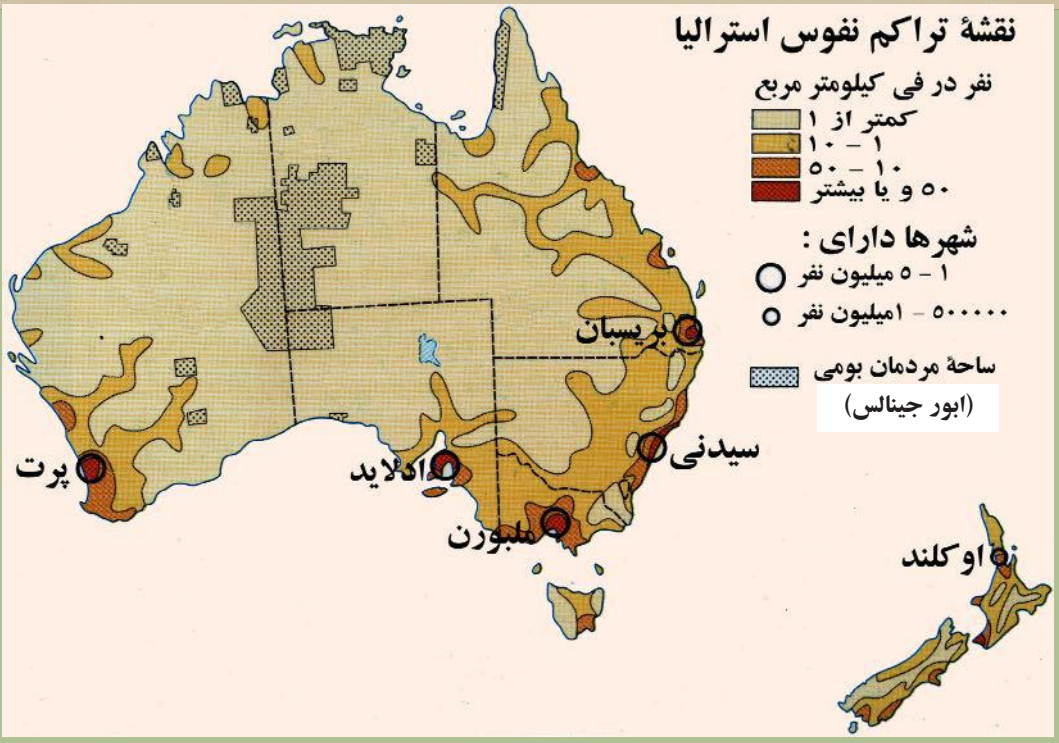

در مورد نژاد و نفوس استرالیا چه می‌دانید؟

در این بخش، نخست به نفوس و نژاد و بعداً با دین و زبان مردم استرالیا آشنا می‌شوید. نخستین ساکنان استرالیا را بومیانی تشکیل می‌دادند که از جنوب شرق آسیا به آنجا مهاجرت کرده اند.

هنگامی که اروپایی ها بعد از سال ۱۸۳۰ وارد استرالیا شدند، کمتر از نیم میلیون افراد بومی در این قاره زنده گی می کردند. افراد بومی استرالیا دارای پوست تیره بوده که به ۵۵۰ قبیله تقسیم شده بودند و هر قبیله از چندین طایفه تشکیل شده بود.

در این اواخرنفوس بومیان آسترالیا تقریباً به ۶۰۰۰۰ نفر می‌رسید اما اکنون رشد نفوس آنها به اساس شرایط بهتر زنده گی بار دیگر افزایش یافته و تعداد آنها زیاد شده است.

در استرالیا در سال ۲۰۰۸ میلادی بیش از ۲۰ میلیون نفر زنده گی می کردند که تراکم نفوس آن به طور اوسط در فی کیلومتر مربع به ۳ نفر میرسید.

استرالیا یکی از کشورهایی است که اکثریت نفوس آن در شهر ها زنده گی می کنند. حدود۸۵٪ نفوس استرالیا در چند مرکز مهم متراکم بوده، در حالی که مناطق وسیعی از دهات و قریه‌جات استرالیا، خالی از مردم هستند. تقریباً بیش از شش میلیون نفوس استرالیا در دو شهر بزرگ سدنی و ملبورن زنده گی می کنند. قسمی که قبلاً یاد آور شدیم، علاوه بر مردم بومی در حدود بیش از ۹۰٪ مردم استرالیا را سفید پوستان اروپایی (به خصوص انگلیسیها)، تقریبا ۷٪ را آسیایی ها و در حدود ۱٪ را بومیان و غیره تشکیل می‌دهند.علاوه برآن در اینجا نژاد «دو رگه» یا مختلط که از سفید پوستان

و افراد بومی تشکیل شده، قابل یادآوری می باشد.

کدام دین در آسترالیا پیروان بیشتری دارد؟

در استرالیا اکثریت مردم عیسوی اند. غیراز دین عیسوی پیروان مذاهب ابتدایی، بت پرستی و غیره نیز در جزایر اقیانوسیه و استرالیا دیده می‌شوند.

پیروان دین اسلام هم در آنجا وجود دارند که در اقلیت‌اند.

تعدادی از یهودیان نیز در این قاره سکونت دارند.

زبان رسمی استرالیا انگلیسی است. در استرالیا و جزایر دیگر اقیانوسیه زبان‌های مختلفی وجود دارند که بعضی از این زبانها از یک ریشه هستند و برخی به کلی از هم متمایز می‌باشند.

باید یادآور شد که اقامت طولانی انگلیسی‌ها در جزایر عمدهٔ این قاره و مخصوصاً در استرالیا و نیوزیلاند سبب شده که لسان انگلیسی در اوقیانوسیه مخصوصاً در استرالیا و نیوزیلاند عمومیت پیدا کند.

در میان همه زبان‌های بومی اقیانوسیه (پولی نزی) صحبت کننده گان بیشتری دارند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند وگروپ اول راجع به ادیان در استرالیا و گروپ دوم راجع به زبان‌ها بحث کنند و نتیجهٔ بحث خود را به همصنفان خود بیان کنند.

سؤال ها

۱- لسان رسمی استرالیا کدام است و چرا این لسان به صفت لسان رسمی تعیین شده است؟

۲- با استفاده از نقشهٔ ادیان در استرالیا بگویید که کدام دین در استرالیا پیروان بیشتر دارد و چرا؟

۳- به نظر شما پیروان دین اسلام در استرالیا اصلاً از کدام ممالک اسلامی به آنجا مهاجر شده اند؟

فعالیت خارج صنف

به کمک اقارب و دوستان تان در مورد افغانهای مهاجر در استرالیا معلومات حاصل نمایید که افغان‌ها و دیگر مسلمانان چه امکاناتی برای ادای فرایض دینی خود دارند؟

جغرافیای اقتصادی.(زراعت و مالداری ،معادن و صنایع)

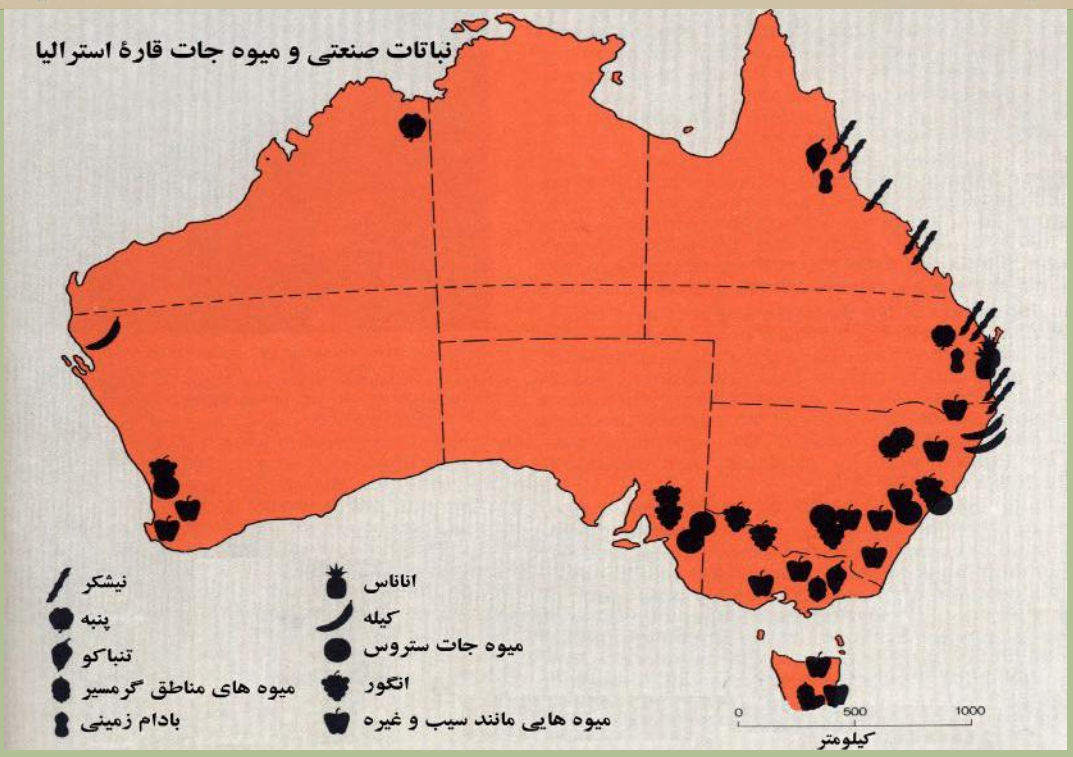

علایم پیشرفت اقتصادی استرالیا را در چه می بینید؟

الف. زراعت و مالداری.

زراعت و مالداری در استرالیا چگونه است؟

با وجود محدودیت زمین های زراعتی و آب؛ استرالیا از لحاظ مواد غذایی زراعتی، مملکت خود کفا است؛چنانکه نفوس کم و مناطق با آب و هوای مختلف به خود کفایی این کشور کمک کرده است.

زرع گندم ۶۰٪ مزارع استرالیا را به خود اختصاص داده است و منطقه کشت آن جلگه های غرب سلسله کوه‌های مرتفع شرقی در ویکتوریا و نیوساوت ویلز است. همچنان زیتون و انگور در قلمرو آب و هوای مدیترانه‌یی در جنوب غرب و در بعضی حصص جنوب شرقی و محصولات زراعتی نواحی معتدل مانند جواری، شفتالو، سیب و ناک از سواحل جنوب شرقی جزیرهٔ تسمانیا به دست می آید.

مالداری برای استرالیا مهم‌تر از زراعت است. چنانچه سالهای متمادی پایه اقتصادی استرالیا به مالداری استوار بود. وجود علفچرها و چمنزارهای وسیع طبیعی که در حدود ۳۴ فیصد از کل مساحت استرالیا را پوشانده اند، سبب توسعه و رواج کامل مالداری در این جزیره بزرگ شده است.

مناطق حوالی دریاهای موری و دارلینگ در جنوب شرق، ساحهٔ علفچرهای مناسب برای نگهداری حیوانات می‌باشد. این مناطق بعداً به مرکز پرورش گوسفند توسعه یافت و هنوز در

حدود ۱۷۵ ملیون گوسفند در نیوساوت ویلز یافت می‌شود. بعداً مراکز نگهداری حیوانات، به نواحی کوینزلند انتقال یافته است. به اثر کمبود آب، پرورش گوسفند به طرف غرب کاهش یافته و در مقابل نگهداری گاو افزایش می‌یابد.

استرالیا یکی از برزگترین تولید و صادر کننده پشم در جهان است که محصولات آن به کشورهای جاپان، آلمان و فرانسه صادر می‌گردد. یکی از صادرات مهم آسترالیا گوشت است که صادرات گوشت آن به ایالات متحده امریکا، انگلستان، جاپان و کانادا صورت می‌گیرد.

قند نیز از اقلام عمدهٔ صادراتی این کشور به حساب می‌آید. همچنان این کشور نیز از بزرگترین صادر کننده‌های گندم در جهان شناخته می‌شود که محصولات گندم آن به ممالک چون روسیه، چین و شرق میانه صادر می‌گردند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به گروپها تقسیم شوند و هر گروپ به استفاده از نقشهٔ استرالیا ساحات علفچر و مناطق زراعتی آن را نام برده و بر روی نقشه نشان دهند.

سؤال ها

۱- چرا مالداری در استرالیا بیشتر رشد کرده است؟
۲- کدام نوع از محصولات زراعتی در نواحی معتدل یافت می‌شوند؟ نواحی متذکره را برروی نقشه نیز نشان دهید.
۳- مهمترین محصولات زراعتی و مالداری استرالیا را نام ببرید.

فعالیت خارج از صنف

درمورد عوامل پیشرفت اقتصادی استرالیا معلومات جمع آوری و ارائه دهید.

ب . معادن و صنایع

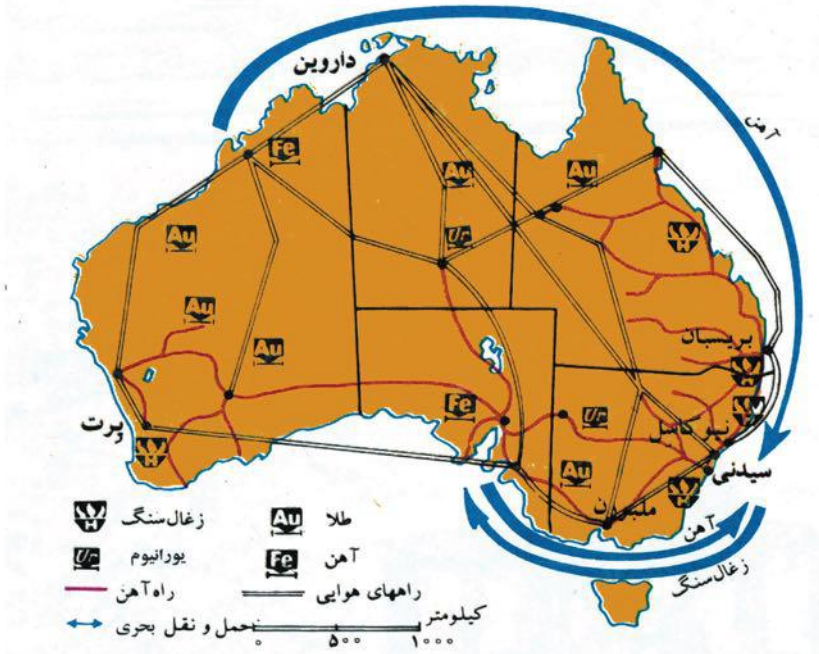

معادن و راه های آسترالیا

وضع معادن و صنایع در استرالیا چگونه است؟

آسترالیا با داشتن کلتور غربی مملکتی است که دارای سیستم اقتصاد بازار آزاد بوده و کشوری پیشرفته است. عواید سالانه فی نفر آن به طور اوسط بیش از ۲۳ هزار دالر امریکایی می باشد. علایم سریع پیشرفت اقتصادی این مملکت در این است که از یک حالت زراعتی به سرعت در حالت صنعتی شدن است . به این معنی که در سال ۱۹۷۵ تقریباً ۱۵٪ نفوس در بخش زراعت مصروف بودند که در حال حاضر این رقم به ۳٪ می رسد. از باقیمانده نفوس فعال این کشور ۲۶ فیصد در صنعت و ۷۱ فیصد در بخش خدمات مصروف هستند.

استرالیا یکی از کشور های عمدهٔ تولید کننده و صادر کنندهٔ مواد معدنی محسوب می گردد.

در سال ۱۸۵۱ موجودیت طلا در استرالیا توجه انگلیسیها و اروپایی ها را به خود معطوف ساخت و تعدادی زیادی آنها به استرالیا مهاجرت کردند.

این کشور دومین کشور تولید کنندهٔ آهن، همچنین بزرگترین تولید کنندهٔ بوکسیت در جهان است که برای تولید المونیم مورد استفاده قرار می گیرد. سایر مواد معدنی که در استرالیا استخراج می‌شوند عبارت‌اند از: طلا، نکل، مس، سرب و یورانیوم. استرالیا بعد از ایالات متحده امریکا دومین

ذخایر بزرگ یورانیوم جهان را در اختیار دارد.

مهم‌ترین منطقه نفتی استرالیا در آبنای باس (Bass Strait) قرار دارد که بین جزیره تسمانی و ویکتوریا قرار گرفته است. این کشور میتواند یک حصهٔ احتیاجات نفتی خود را تأمین کند. در همین ساحه تولیدات گاز طبیعی نیز صورت می گیرد. استرالیا نیز یکی از کشورهای صادر کنندهٔ زغال سنگ است.

صنعت در استرالیا چه وقت و چگونه پیشرفت کرد؟

از جنگ جهانی دوم به بعد (بعد از سال ۱۹۵۰) صنایع استرالیا به پیشرفت های بزرگی نایل شده است. در سال ۱۹۹۹م سهم صنایع در تولیدات داخلی این کشور به ۲۶ فیصد رسیده است.

صنایع قدیمی این کشور بر اساس محصولات حیوانی بنا شده بود؛ اما در حال حاضر افزایش سریع در صنایع محصولات استهلاکی و صنایع ثقیل استرالیا دیده می‌شود. به طور مثال ظرف ۳۰ سال اخیر تولید فولاد این کشور به ۶ برابر افزایش یافته است. صنایع آهن و فولاد نیز عمدتاً در نیوساوت ویلز مستقر شده اند. علاوه بر فولاد، صنایع ساختمانی و کاغذ سازی، صنایع عمدهٔ دیگر آن شامل مواد غذایی، کیمیاوی و منسوجات است.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروپ تقسیم شوند. گروپ اول با استفاده از متن و نقشهٔ درس راجع به معادن و گروپ دوم پیرامون صنایع استرالیا بحث نموده و نتیجهٔ مباحثات شان را به همصنفان خود ارائه نمایند.

سؤال ها

به نقشه معادن و صنایع استرالیا نگاه کنید و سؤال های زیر را جواب دهید:

۱- یورانیم در کدام ایالات استرالیا وجود دارند؟

۲- معادن آهن زیادتر در کدام بخش استرالیا قرار دارند؟

۳- نواحی صنعتی استرالیا عمدتاً در کجا واقع هستند؟

فعالیت خارج صنف

در مورد واردات و صادرات استرالیا معلومات جمع آوری و ارائه نمایید.

ترانسپورت (فضایی، زمینی و آبی)

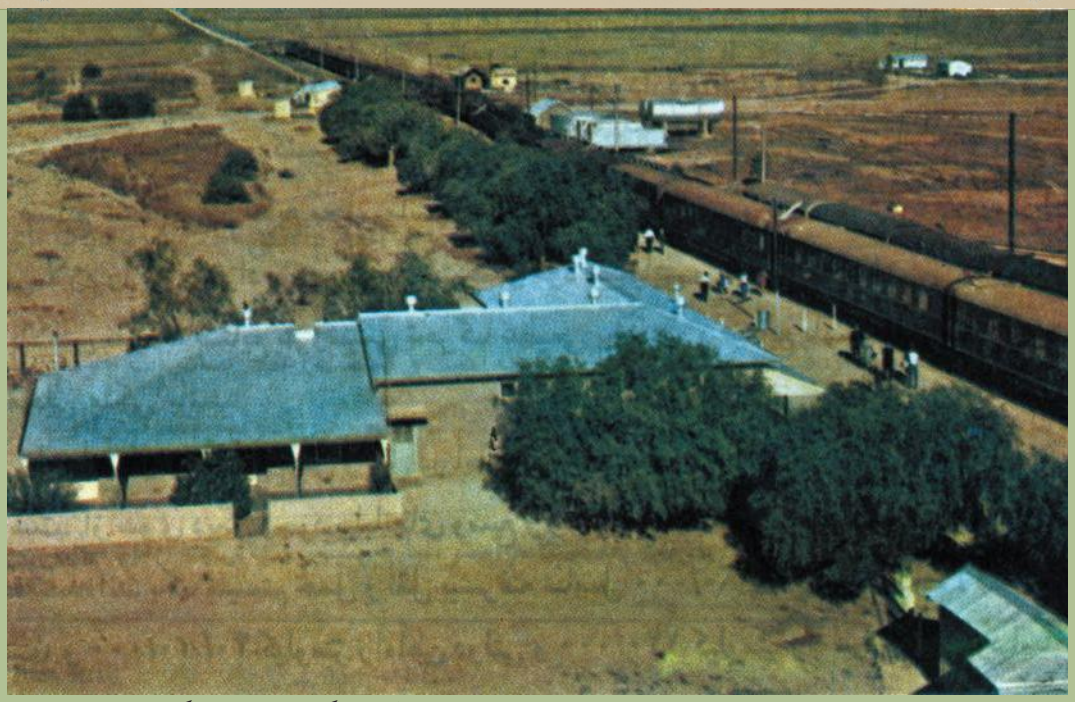

یک ایستگاه راه آهن در جلگه های مرکزی آسترالیا

ترانسپورت زمینی، آبی و هوایی استرالیا درکدام سطح است؟

حمل و نقل در استرالیا با مشکل فاصله و تراکم نامساوی نفوس روبرو است. از سوی دیگر وجود بیابان‌های وسیع و وسعت زیاد کشور نتوانسته است تا مانع احداث شبکه های گسترده در این سرزمین گردند.

اولین خط ریل در سال ۱۸۵۴م میان ملبورن و پرت(Perth) کشیده شده است. در استرالیا در حدود ۴۰ هزار کیلومتر راه آهن (خطوط ریل) و بیش از ۹۰۰ هزار کیلومتر شاهراه ها و راه های موتر رو وجود دارد. بیشتر این راه ها در نواحی شرقی، جنوب شرقی، جنوب و جنوب غرب استرالیا احداث شده‌اند.

شاخه شرقی راه آهن این کشور که از شمال به جنوب امتداد یافته، شهر های بریسبان، (Brisban)سدنی(Sydney) و ملبورن را به یکدیگر وصل می کند. این راه آهن در جنوب به سمت غرب امتداد یافته و پس از گذشتن از ادلاید (Adelaid) به بندر پرت در جنوب غرب استرالیا منتهی می‌شوند.

قسمت عمدهٔ دریاهای استرالیا به سبب جریان تند آنها برای راه آبی داخلی استفاده نمی‌شود، اما از جهیل های واقع در جنوب استرالیا و تاحدودی از دریاها به منظور حمل و نقل استفاده صورت می‌گیرد. استرالیا دارای ۵۲ بندر کشتی‌رانی است که از آن جمله سدنی، ملبورن (Melborne) نیوکاسل (Newcastle) ادلاید، بریسبان، هوبارت (Hobart)و غیره قابل یاد آوری می‌باشند.

بنادر استرالیا نه تنها برای حمل و نقل مواد از طریق راه های آبی به جهان خارج اهمیت دارند؛ بلکه در داخل استرالیا نیز برای حمل ونقل بین ایالات مختلف آن قابل استفاده می باشند.

راه های هوایی استرالیا بعد از جنگ دوم جهانی توسعهٔ بیشتر یافته است. ترانسپورت هوایی در استرالیا میان شهرهای از هم دور افتاده قابل اهمیت زیاد بوده و پیشرفت خوب کرده است.

تمام شهرهای بزرگ دارای میدانهای هوایی می‌باشند. در این کشور ۴۴۱ میدان خورد و بزرگ هوایی وجود دارد که از خدمات لازم برخوردار هستند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروپ تقسیم شوند و در مورد راه‌های مواصلاتی زمینی، آبی و هوایی استرالیا بحث نموده و نتیجه بحث خویش را به همصنفان‌شان ارائه نمایند.

سؤال ها

۱- استرالیا دارای چند نوع راه های مواصلاتی می باشد؟ نام‌های آنها را بگیرید.
۲- به نظر شما کدام نوع ترانسپورت در استرالیا پیشرفت خوبی کرده است؟
۳- به نظر شما حمل و نقل مواد توسط کدام نوع ترانسپورت ارزان تمام می‌شوند و چرا؟

فعالیت خارج صنف

در بارهٔ مواصلات استرالیا با استفاده از اینترنت و یا کتابخانه یک مقالهٔ یک صفحه‌یی بنوسید.

اقیانوسیه

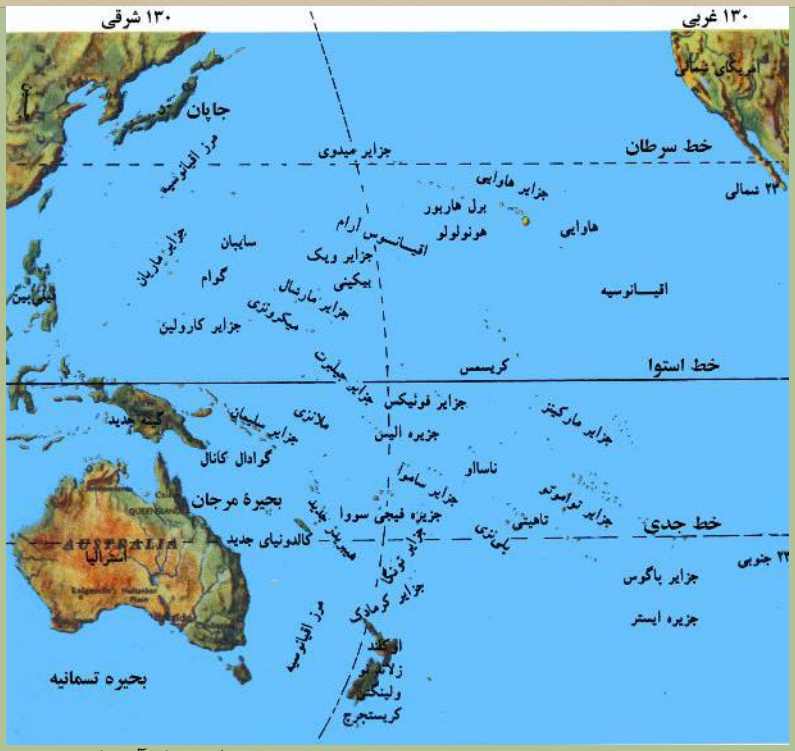

نقشهٔ بر اعظم آسترالیا و اقیانوسیه

جزایر اقیانوسیه در کدام بحر موقعیت دارند؟

اقیانوسیه نام جزایر متعدد است که در اقیانوس آرام موقعیت دارند. استرالیا به تنهایی یک قاره است و جزء اقیانوسیه نیست. اگر چه بحر آرام به تنهایی یک سوم مساحت کره زمین را به خود اختصاص داده ؛ ولی جزایر اقیانوسیه کمتر از ۱۳۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارند.

جزیره گینه جدید (papua New Guine) حدود ۶۰ فیصد و نیوزیلاند New Zealand ۲۰ فیصد مساحت اقیانوسیه را به خود اختصاص داده‌اند و ۲۰ فیصد باقیمانده مربوط به سایر جزایر است.

جزایر اقیانوسیه را از لحاظ جغرافیایی به سه گروپ زیر تقسیم کرده اند:

- ملانزیا(Melanesia) که در شمال و شرق استرالیا و در جنوب خط استوا قرار گرفته اند و معنی جزایر سیاهان را می‌دهند. گینه جدید از جمله این جزایر است.
- درشمال خط استوا، شرق فیلیپین و جنوب جاپان جزایر دیگری قرار دارند که به آنها میکرونیزیا Micronesia یا جزایر کوچک گفته می‌شود.
- درنواحی مرکزی اقیانوس آرام جزایر متعدد دیگری قرار گرفته اند که بنام پلی نزیا (Polynesia) یا «جزایر بسیار» مسمی هستند. از جمله این جزایر هاوایی در شمال و نیوزیلاند در جنوب قابل

یادآوری می‌باشند.

گمان می‌رود که ساکنان اولیهٔ اقیانوسیه هزاران سال قبل از آسیا به آن جا مهاجرت کرده‌اند. برای رسیدن به جزایر اقیانوسیه، مهاجرین اولیه از کشتی‌های کوچک استفاده کرده و در جاهایی که ساختن پل امکان پذیر بوده، پل احداث کرده‌اند. در طول چندین قرن کم کم مردم در جزایر مختلف ساکن شدند. در سالهای ۱۷۰۰ و ۱۸۰۰ میلادی کاشفین اروپایی از تعداد بسیاری جزایر اقیانوسیه بازدیدکردند و تفاوت ظاهری مردم ملانزیا، پلی نزیا و میکرونزیا توجه آنان را به خود جلب کرد.

ساکنان این جزایر معمولاً زبان‌ها، ادیان، آداب و رسوم متفاوت دارند. می گویند مردمی که در هر یک از سه منطقهٔ فوق زنده‌گی می کنند، متعلق به نژادهای مختلف‌اند و حتی گفته می‌شوند که برخی ساکنان ملانزیا از سیاهان مهاجر افریقایی و هندی می‌باشند.

علاوه بر این مهاجرت‌هایی که بین جزایر متذکره صورت گرفته، اروپاییان و آسیایی‌ها نیز در مهاجرت خود با بومیان مختلط شده‌اند.

- ملا نزیها کوتاه قدترین مردم اقیانوسیه بوده و پوست تیره دارند.
- میکرونزیها قد بلندتر و پوست روشنتر از ملانزیایی‌ها دارند.
- پلی نزیها نسبت به دیگران بلند ترین قد دارند و در میان سه نژاد یاد شده دارای روشن‌ترین پوست‌اند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروپ تقسیم شوند. گروپ اول جزایر ملانزیا، گروپ دوم جزایر پلی‌نزیا و گروپ سوم جزایر میکرونزیا را به روی نقشه تثبیت نموده و نشان دهند.

سؤال‌ها

۱- سه جزیرهٔ بزرگ اقیانوسیه را نام ببرید.

۲- مردم جزایر اقیانوسیه از لحاظ نژادی به چند گروپ تقسیم شده‌اند؟ نام‌های آن را بگویید.

فعالیت خارج صنف

از روی نقشه اقیانوسیه جزایر عمدهٔ اقیانوسیه را لست کنید.

وضع اقتصادی

ناریال مهم ترین محصول اقیانوسیه است

وضع زراعتی در جزایر اقیانوسیه چگونه است؟

مهمترین محصولات زراعتی جزایر اقیانوسیه ناریال است. کیله نیز از جملهٔ محصولات درختی این جزایراند. کاکائو، مرچ و قهوه نیز از تولیدات عمدهٔ زراعتی به شمار می‌روند. در همه جا زنده گی مردم از طریق زراعت پیش برده می‌شود. در اقیانوسیه زراعت عنعنوی رواج دارد و زمین‌ها توسط خانواده‌ها زرع می‌شوند. در بسیاری جزایر حق کشت و ماهیگیری خانواده‌ها حفظ شده است. در حال حاضر قسمت اعظم مزارع جزایر اقیانوسیه در اختیار اروپایی ها قرار دارد. ولی برخی دهقانان مالک زمین‌های خود می‌باشند. در برخی قریه ها زمین‌های زراعتی متعلق به تمام ساکنان یک قریه است و همه در آن شریک‌اند. پیشرفته‌ترین مملکت زراعتی اقیانوسیه نیوزیلاند است.

یگانه محصول صادراتی همه جزایر کوپرا (Copra) مغز ناریال است. از روغن ناریال نیز برای تهیه روغن نباتی و صابون استفاده می‌شود و مازاد آن به کشورهای مختلف جهان صادر می‌شود. صادرات کیله نیز در این جزایر از اهمیت خاص برخوردار است.

استخراج معادن و انکشاف صنعتی در جزایر اقیانوسیه به کدام پیمانه است؟

ذخایر فسفات جزایر میکرونزیا و ملانزیا رو به اتمام است. از این معادن سالانه ۲,۶میلیون تن بهره‌برداری شده است.

ثروتمندترین جزیره از لحاظ مواد معدنی کالدونیای جدید است که مواد معدنی و فلزات ۹۰ فیصد صادرات آنرا تشکیل می‌دهند. نکل، کروم، آهن، کوبالت، منگنیز، طلا و مس از جملهٔ تولیدات فلزی اقیانوسیه اند.

مهمترین صنایع اقیانوسیه پایهٔ محصولات زراعتی دارد. صنایع تهیه روغن ناریال، صابون، شکر و کنسروسازی از این جمله‌اند. در جزایر سلیمان، گینه جدید و ساموای غربی کارخانه‌های اره‌کشی برای استفاده چوب‌های نجاری احداث شده است. در جزایر مکرونزیا و پلی نزیا رشد صنعت بسیار ناچیز است و مردم آن اغلب به کارهای دستی مشغول‌اند.

کشتی‌های کوچک پارویی وسیلهٔ عنعنه یی حمل و نقل منطقه اقیانوسیه است و مردم دهات از آن برای مسافرت‌های کوتاه و حمل نقل کالا استفاده می‌کنند. برای مسافرت‌های دورتر از کشتی‌های بادبانی و یا موتوردار استفاده می‌گردد.

در حال حاضر مردم اقیانوسیه برای ارتباط خود با یک دیگر و یا ارتباط با سایر ممالک جهان وابستگی زیاد به کشتی و پروازهای هوایی دارند.

درخت نان

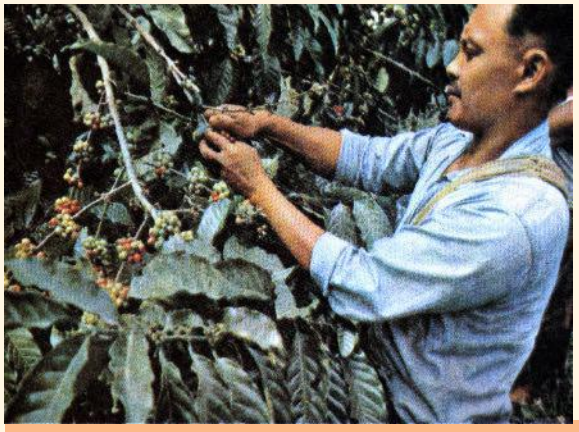

فعالیت داخل صنف

دربارهٔ تولیدات زراعتی جزایر اقیانوسیه دو نفری مباحثه کنید و نتیجهٔ بحث‌تان را به همصنفان بیان کنید.

سؤال‌ها

۱- تولیدات عمده زراعتی جزایر اقیانوسیه کدام‌ها اند؟
۲- مهمترین مواد معدنی جزایر اقیانوسیه را نام ببرید.
۳- اساس صنایع جزایر اقیانوسیه را کدام مواد تشکیل می‌دهند؟

فعالیت خارج صنف

دربارهٔ حمل و نقل در جزایر اقیانوسیه، امکانات و موانع مواصلاتی معلومات تهیه و ارائه نمایید.

نیوزیلاند(New Zealand)

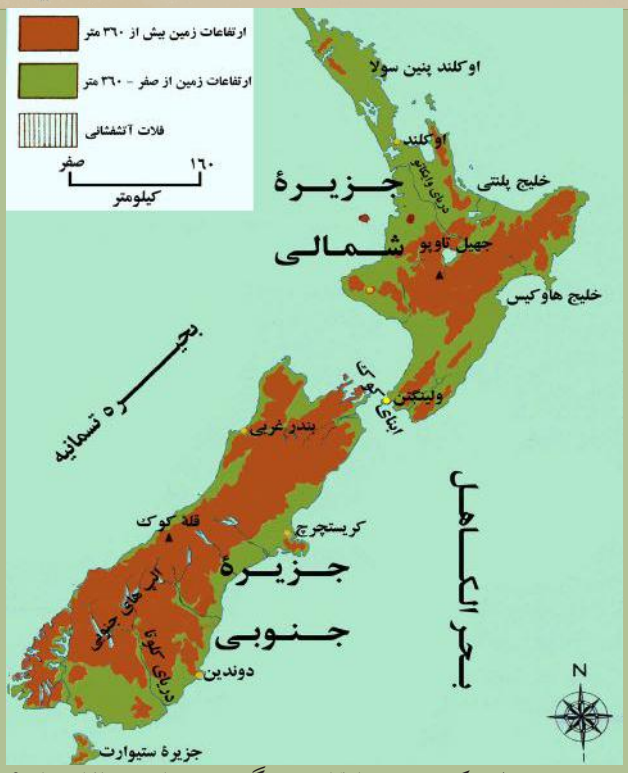

نیو زیلاند کشور مشهور اوقیانوسیه چگونه مشخصات جغرافیایی دارد؟

نیوزیلاند کشوری مربوط اقیانوسیه است که در جنوب غرب بحرالکاهل به فاصله ۱۶۰۰ کیلومتر در شرق استرالیا موقیعت دارد.

این کشور دو جزیره اصلی به نام‌های جزیرهٔ شمالی و جزیرهٔ جنوبی و جزایر متعددی کوچک دیگری دارند. بحیرهٔ تسمانیا این سرزمین را از استرالیا جدا نموده است. جزیرهٔ جنوبی وسعت بیشتری دارد و آبنای کوک(Cook Strait) این دو جزیره را از یک دیگر جدا کرده است.

تقریباً سه بر چهار مساحت نیوزیلاند را کوه‌ها و تپه‌ها پوشانیده است. که مهمترین آنها الپ های جنوبی (South Alps) نام دارند و در جهت شمال شرقی – جنوب غربی در امتداد بحیرهٔ کشیده شده‌اند. بلندترین قلهٔ آلپهای جنوبی، قلهٔ کوک است که بیش از ۳۷۰۰ متر ارتفاع دارد.

چون نیوزیلاند وسعت زیاد ندارد، دریاهای طولانی هم در آن دیده نمی‌شوند. دریاهای وایکاتو (Waikato) و کلوتا (Clutha) از دریاهای مشهور این کشوراند. اکثر دریاهای نیوزیلاند کوتاه بوده و دارای سرعت زیاد می‌باشند و به همین سبب برای تولید و تأمین برق بسیار مناسب می‌باشند. از دریاهای این کشور در آبیاری نیز استفاده صورت می گیرد.

برخلاف استرالیا، نیوزیلاند مملکت پر باران است و به طور عمومی آب و هوای معتدل و مرطوب بحری دارد.

وضع بشری و اقتصادی نیوزیلاند چگونه است؟

نیوزیلاند بیش از ۲۷۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. این کشور در سال ۲۰۰۶ م بیش از چهار میلیون نفوس داشت. تراکم نفوس آن در هر کیلومتر مربع به ۱۵ نفر می‌رسد. ۷۰ فیصد مردم این مملکت اروپایی اصل هستند که زیادتر آنان از مملکت انگلستان به نیوزیلاند مهاجر شده‌اند. مردم در سرتاسر این کشور زنده گی میکنند و در حدود سه میلیون آن در جزیرهٔ شمالی و یک میلیون آن در جزیرهٔ جنوبی مستقر هستند. شهر مهم نیوزیلاند اوکلند (Auckland) است که در آن تراکم نفوس زیاد بوده و در حدود یک میلیون نفوس دارد.

ولینگتن که مرکز نیوزیلاند است بیش از ۳۰۰ هزار نفر نفوس دارد. نیوزیلاند یک مملکت عصری و پیشرفتهٔ صنعتی است.

اکثریت زمین این مملکت کوهستانی است و بخش زیاد خاک آن درجلگه های ساحلی قابل زرع می‌باشد که درآن به طور عموم گندم، جو، جودر و علوفه برای حیوانات کشت می‌شوند.

آب و هوای مناسب، چمن‌زارهای وسیع و استفاده از فنون جدید در پیشرفت زراعت این کشور کمک کرده و زراعت بعد از مالداری در درجهٔ دوم قرار دارد. پرورش حیوانات به خصوص گوسفند در اقتصاد این مملکت اهمیت خاص دارد.

مواد عمدهٔ معدنی این مملکت فلزات است که از آن جمله طلا از صادرات مهم این کشور در سالهای اول مهاجرت سفید پوستان بوده و زغال سنگ نیز در این مملکت یافت می‌شود.

صنعت نیوزیلاند بر پایهٔ تولید مواد غذایی، صنایع کاغذ، چوب و مصارف محلی استوار است، که در آن از منابع آبی فراوان دریاها و برق استفاده می‌شود و در حدود ۱۸ فیصد عاید ملی را تشکیل می‌دهند.

فعالیت داخل صنف

شاگردان با استفاده از نقشهٔ نیوزیلاند، تصویرها و متن درس، نقاط عمدهٔ درس را جمع آوری نموده و در صنف بیان نمایند.

سؤال‌ها

۱- نیوزیلاند از چند جزیرهٔ بزرگ تشکیل شده و چه نام دارند؟
۲- تعداد زیاد نفوس نیوزیلاند در کدام جزیره سکونت دارند؟
۳- پیداوار عمدهٔ زراعتی، معدنی و صنعتی نیوزیلاند را نام ببرید.

فعالیت خارج صنف

با استفاده از نقشه، موقعیت نیوزیلاند را به اساس خطوط طول البلد و عرض البلد تثبیت و بنویسید.

بخش تعلیمات مدنی

فصل اول

با ارگانهای خدمات اجتماعی آشنا شوید

در این فصل موضوعات ذیل را میخوانید:

- **پسُت چه کار هایی را انجام میدهد؟**
- **مخابرات چه خدماتی را ارائه می دارد؟**
- **بانک چه خدماتی را انجام می دهد؟**
- **سره میاشت و وظایف آن**
- **چرا باید محیط زیست را پاک و زیبا نگهداریم؟**
- **شاروالی چه کار هایی را انجام میدهد؟**
- **ارگان های تأمین امنیت (پولیس)**
- **پولیس ترافیک چه نقشی در زنده گی ما دارد؟**

اهداف فصل

از شاگردان توقع میرود که بعد از خواندن این فصل به اهداف ذیل دسترسی پیدا کنند:

۱- پُست و وظایف آن را بدانند؛

۲- بانک و وظایف آن را بدانند؛

۳- وظایف و اهمیت سره میاشت را بفهمند؛

۴- اهمیت حفاظت محیط زیست را بفهمند؛

۵- با شاروالی و وظایف آن آشنا شوند؛

۶- اهمیت موجودیت پولیس را بدانند واهمیت وظایف پولیس را بفهمند؛

۷- وظایف پُست را بیان کرده بتوانند.

۸=در بارۀ خدمات بانکی معلومات داده بتوانند.

۹- اهمیت سره میاشت را بیان کرده بتوانند.

۱۰- به اهمیت خدمات شاروالی پی ببرند؛

۱۱- وظایف پولیس و پولیس ترافیک را بیان کرده بتوانند.

۱۲- اهمیت حفاظت و پاکی محیط زیست را توضیح کرده بتوانند.

۱۳- به مؤسسات خدمات اجتماعی مانند: پُست، بانک،سره میاشت، شاروالی و پولیس علاقه مندی از خود نشان بدهند؛

۱۴- درحفاظت و پاکی محیط زیست عملاً سهم بگیرند.

پُست چه کار هایی را انجام می دهد؟

در سال گذشته از موضوعات اقتصادی و تعلیم وتربیه آگاهی حاصل نمودید. دراین درس می آموزید که پُست چه کار هایی را انجام می دهد.

مباحثه کنید

شما علاقه دارید که با دوستان و رفقای خود که در شهرهای دیگر سکونت دارند، مکاتبه کنید و با خویشاوندان تان که در ممالک دیگر زنده گی می کنند، ارتباط داشته باشید و از احوال آنها مطلع گردید.

بنابراین شما به برقراری رابطه با دیگران نیاز دارید و در زنده گی اجتماعی نمی توان بدون ارتباط با دیگران، ضرورت خود را رفع کرد.

- آیا می دانید نامه چگونه ارسال می گردد؟
- در زمان های قدیم مردم چگونه پیام های خود را به جاهای دور می فرستادند؟
- امروز چه راه هایی برای این کار وجود دارد؟ بیان کنید.

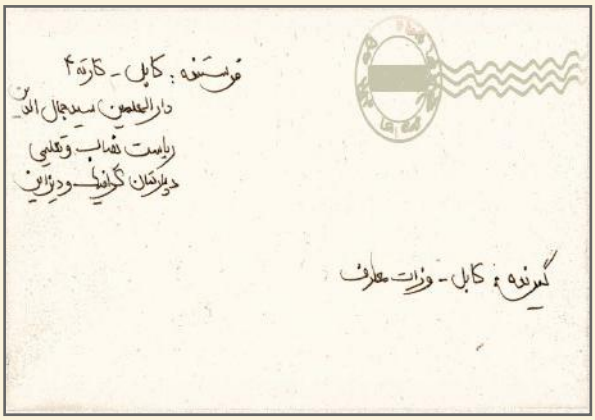

طریقه ارسال نامه از طریق پست در شکل مقابل نشان داده شده است.

پُست چیست؟

امروز، پست به اداره یی اطلاق می شود که نامه ها و امانات را از جایی به جایی می برد و می رساند و یا نامه و بسته های رسیده را به صاحبان آنها توزیع می کند.پس پُست عبارت از مؤسسه خدمات اجتماعی است که برای رفع بخشی از نیاز های ارتباطی ایجاد گردیده است. در زمان های قدیم با استفاده از حیوانات و پرندگان خط و پیام را انتقال می دادند.

سیستم پُستی در جهان به صورت ابتدایی وجود داشت، ولی با پیشرفت علم و تخنیک در شکل، سرعت و طرز استفاده از آن تغییرات مهمی به وجود آمده است.

امروز مردم برای انجام دادن فعالیت ها و رفع نیاز مندی های ارتباطی خود از امکانات مختلف پُستی استفاده می کنند، که بسیاری از مشکلات مردم به سهولت حل می گردد.

پُست برای بالا بردن سطح دانش و اطلاعات مردم، روزنامه، مجله، کتاب و سایر مطبوعات

را به قیمت بسیار کم در تمام کشور ها توزیع می کند. بعضی از سازمان ها، نشریه ها و کتابهای مورد درخواست شما را تهیه می کند و شما آنرا از طریق پُست دریافت مینمایید.

❁آیا در خدمات پُستی دیروز و امروز کدام تغییری به وجود آمده است. یا خیر؟

پُست دیگر چه کار ها را انجام می دهد؟

پُست با حمل و نقل نامه ها و امانت های مردم به صورت عمومی مانع هدر رفتن وقت و مصرف می شود و مطمئن تراست. در روایات آمده است که ابتکار نامه رسانی از طریق پُست اولین بار در زمان حضرت عمرفاروق(رض) خلیفهٔ دوم مسلمانان آغاز گردید، تا از این طریق نامه های خلیفه به زود ترین فرصت به فرماند هان ارتش مسلمانان در گوشه و اکناف جهان اسلامی که مشغول فتوحات بودند رسانده شود و احوال آنها در دسترس وی قرار گیرد.

❁ با همکاری همصنفان خود چهار وظیفه پُست را فهرست کنید.

مروری بر درس

- ----------
- ----------
- ----------
- ----------

سؤالات

۱- پُست چیست؟

۲- پُست برای بلند بردن سطح دانش و اطلاعات مردم کدام چیزها را به مردم توزیع می کند؟ پُست کدام نیاز ما را رفع می کند؟

کارخانه گی

پُست چه سهولت ها را بارآورده است؟ در مورد چند سطر بنگارید.

مخابرات چه خدماتی را ارائه می دارد؟

در درس گذشته درمورد پُست آگاهی حاصل نمودید. در این درس به وظایف و خدمات مخابرات آشنا می شوید.

مباحثه کنید

بشر در طول تاریخ به داشتن ارتباط با دیگران نیاز مند بوده و از راه های گوناگون این ضرورت را برطرف کرده است. در این قسمت سؤال مطرح می گردد،که: مخابرات کدام سهولت ها را در ارتباطات بشر به میان آورده است؟

مخابرات چیست؟

مخابرات یکی از مؤسسات خدماتی است که ارتباط ما را با دیگران فراهم می سازد. مخابرات شامل تیلفون های ثابت (در منازل و ادارات، تیلفون های همراه (موبایل) فکس و انترنیت می باشد.

تیلفون و موبایل از اجزای مهم ارتباط جمعی در تکنالوژی عصری به شمار میرود. از تیلفون می توانیم با یکدیگر صحبت کنیم و به وسیله موبایل علاوه بر صحبت کردن می توانیم پیامهای کوتاه ارسال و دریافت نماییم.

فکس Fax نیز از رسانه های ارتباط جمعی است که پیام های شخصی و رسمی، معاملات تجارتی؛ حقوقی و غیره را به صورت فوری و ضروری به فاصله های دور و نزدیک کوتاه می سازد.

این دستگاه در مدت چند ثانیه پیام های ارسالی رابه شکل پیام های نوشته شده به گیرنده در همه نقاط جهان می رساند.

انترنیت

انترنیت به معنای شبکه جهانی است.انترنیت در حقیقت نام سیستم یا شبکهٔ ای است

که سایر شبکه های کمپیوتری جهان را باهم وصل می کند. برای انترنیت برنامه های زیادی در حال ساختن است. انترنیت بزرگترین منبع ایمیل یا خط الکترونیک می باشد، قبلاً تنها پیام ها از طریق انترنیت فرستاده می شد، خدمات فعالیت انترنیتی کشور ما از طریق چندین کمپنی صورت میگیرد.

توسط Email یا پست الکترونیکی و با استفاده از انترنیت و ایمیل آدرس می توان با شخص مورد نظر ارتباط قایم ساخت. همچنان مطالبی را از دیگران دریافت کرد یا اطلاعات علمی و غیره را برای آنها ارسال نمود. از اثر زحمات دانشمندان و پیشرفت علم و تکنالوژی سهولتهای بی شماری در زمینهٔ مخابرات نصیب ما گردیده است. پس بر ماست که از این خدمات به شکل درست و طبق اصول و چارچوب اخلاقی اسلام استفاده نماییم و سبب آزار واذیت دیگران نشویم.

❁ سهولت های مهمی را که انترنیت و ایمیل به مردم فراهم می سازد، فهرست کنید.

مروری بر درس

- _____
- _____
- _____
- _____

سؤالات

۱- اجزای مهم ارتباط جمعی درتکنالوژی عصری چه چیزها می باشد؟ صرف نام بگیرید.

۲- از فکس چه استفاده بعمل می آید؟ بنگارید.

۳- انترنیت چیست؟ در زمینه معلومات ارایهٔ دارید.

کارخانه گی

در مورد نقش مخابرات در کشور، مباحثه نموده نتیجه را در چند سطر تحریر دارید.

بانک چه خدماتی را انجام می دهد

در درس قبلی آموختیم که مخابرات چه خدماتی را ارائه می دارد. در این درس با بانک که چه کار هایی را انجام می دهد، آشنا می شویم.

مباحثه نمایید

دربارهٔ سؤالات زیر باهم گفتگو کنید:

آیا شما و والدین‌تان از بانک استفاده می کنید و چگونه؟

آیا می‌دانید، که بانک‌ها چه کارهایی را انجام می‌دهند؟

بانک

امروز در همه کشورهای جهان، مؤسسه‌یی به نام «بانک» فعالیت می کند. وظیفهٔ بانک این است که پول‌های مردم را نگهداری کند، از جایی به جای دیگر انتقال دهد، پول‌های کشورهای مختلف را به یکدیگر مبادله کند، قرضه دهد، به غرض برآوردن مقاصد تجارتی یا خدمات مالی دیگر از آن استفاده صورت گیرد. در کشور ما بانک‌های دولتی و خصوصی زیادی فعالیت می کند. بانک مرکزی کشور ما **دافغانستان بانک** است.

بانک‌ها، خدمات متنوعی ارائه می کنند که برخی از مهم‌ترین آنها قرار ذیل است:

نگهداری از پول مردم

بانک‌ها جای مطمئنی برای نگهداری پول می‌باشند. ما وقتی پول خود را در بانک می گذاریم، آنرا از خطر گم‌شدن و سوختن حفظ می کنیم. هر وقت به پول نیاز داشته باشیم به بانک مراجعه نموده و از حساب خود پول دریافت می کنیم.

انتقال پول

هرگاه نیاز باشد که پول خود را از شهری به شهر دیگر منتقل نماییم، به جای آنکه آنرا با خود ببریم، در شهر خود پول را به حساب بانکی اضافه کرده و از شعبهٔ همان بانک در شهر دیگر دریافت می‌کنیم و یا به نام کس دیگری ارسال می‌کنیم که دریافت نماید.

سرمایه‌گذاری

بانک‌ها پول‌های اندک اندک مردم را جمع می‌کنند و از این پول ها پروژه‌های بزرگ را راه‌اندازی می‌کنند و بدین ترتیب، زمینهٔ پیشرفت و ترقی کشور را فراهم می‌سازند.

پرداخت وام (قرضه)

بعضی از بانک‌ها به کسانی که ضرورت به پول داشته باشند، قرضه می‌دهند و به صورت قسط آنرا در مدت طولانی دریافت می‌کنند.

❁ بر علاوهٔ موضوعات فوق بانک دیگر کدام وظایف را دارد؟ فهرست کنید.

مروری بر درس

- .....
- .....
- .....
- .....
- .....

سؤالات

۱- بانک در زنده گی ما چه نقش دارد.

۲- بانک چه خدماتی به مردم ارائه میدارد؟

۳- آیا از کسانی که میگویند (در بانک حساب دارم)پرسیده اید که داشتن حساب یعنی چه؟

کارخانه گی

با کمک والدین تحقیق کنید که در کشور ما چند بانک دولتی و چند بانک خصوصی وجود دارد؟ آنرا لیست نموده در صنف بخوانید.

سره میاشت و وظایف آن

رهٔ نیک مردان آزاده گیر　　چو ایستاده یی دست افتاده گیر

در درس قبلی در مورد بانک که چه خدماتی را انجام می دهد، معلومات حاصل نمودید، در این درس با سره میاشت آشنایی حاصل خواهید کرد.

مباحثه کنید

بعضی از خانواده ها هنگام بروز حوادث ناگوار و پیش بینی نشده؛ مانند: آتش سوزی، زلزله، سیل و غیره به کمک ضرورت پیدا می کنند ومی بایست به این مصیبت رسیده گان وسایلی نظیر لباس، مواد غذایی، کمپل، دوا، داکتر، خیمه و غیره فرستاده شود و کمک های نقدی نیز صورت گیرد.

آیا تاکنون، به این موضوع فکر کرده اید که چگونه این کمک های نقدی و غیرنقدی به آسیب دیده گان می رسد؟

کدام ارگان دولتی این مسؤولیت را به عهده دارد؟

مردی سویسی به نام ژان هانری دونانت مردم را تشویق می کرد تا جمعیت های داوطلبانه تشکیل دهند، که هنگام جنگ و مصایب بتوانند بیماران و زخمیان و مصدومین و آواره گان را بدون درنظرداشت نژاد، قوم و دین شان کمک نمایند. تقاضای دونانت نتایج فوری داده در سال ۱۸۶۴م یک کنفرانس بین المللی تشکیل گردید و ۲۶ کشور در آن نماینده داشتند. در آن کنفرانس بود که کنوانسیون جینوا به تصویب رسید و آرم صلیب سرخ انتخاب گردید.در سال ۱۸۷۶م سلطان عبدالحمید خلیفهٔ عثمانی، در برابر صلیب سرخ هلال احمر را برگزید و پس از آن در کشور های اسلامی هلال احمر به جای صلیب سرخ به کار رفت و در کشور ما به نام جمعیت هلال احمر افغانی یا سره میاشت یاد میگردد. این مؤسسه به آسیب دیده گان جنگ و حوادث طبیعی؛ مانند: زلزله، سیل، طوفان و همچنان با فامیل های بی بضاعت از کمکهای بشر دوستانه خویش دریغ نه کرده است.

همچنان یک تعداد از اطفال معیوب از طریق همین مؤسسه غرض تداوی به کشور آلمان اعزام می گردد. این سازمان در تمامی کشور های جهان بالخصوص کشور های اسلامی با آسیب دیده گان جنگی و حوادث طبیعی کمک میکند.

حضرت سعدی (رح) چنین گفته است:

بـــنی آدم اعضـــای یکدیگر اند — که در آفرینش زیک جـوهر اند
چوعضوی به درد آورد روزگـار — دیـگرعضـوهـــا را نمانـد قـــرار
توکز محنت دیگران بی غمی — نشایـد که نامت نهند آدمـی

❁ به نظر شما سره میاشت کدام کار ها را انجام می دهد؟ فهرست کنید.

دین مقدس اسلام در مورد تعاون که یکی از نشانه های جامعهٔ اسلامی است چنین هدایت فرموده است: **وَتَعَاوَنُواْ عَلَى الْبرِّ وَالتَّقْوَى**(المائدة آیهٔ ۲)

ترجمه: در کار های نیک بایکدیگر همکاری کنید.

گذشته از مفهوم آیهٔ فوق، پیامبر بزرگ اسلام نیز می فرماید: **کسی که یک مصیبت از مصایب مومنی را در این جهان برطرف می سازد، خداوند(جَلَّ جَلاَلُه)یکی از مصایب وی را درآخرت برطرف می سازد.**(المعجم الکبیرلطبرانی صفحه. ۱۰۹).

امروز در افغانستان دهها نهاد خدماتی شبیه به **سره میاشت** به طورخصوصی و توسط مردمانی اخلاص مند تأسیس گردیده است تا با مصیبت زده گان همکاری صورت گیرد. و سعی می دارند، که زکات و صدقات مردم ثروتمند و خیراندیش را جمع آوری نمایند تا در راستای کمک به مستمندان و آبادانی وچیره شدن بر مشکلات اجتماعی نقش سازنده ایفا نمایند.

مروری بر درس

- _____
- _____
- _____
- _____

سؤالات

۱-در مقابل کدام حوادث سره میاشت به مردم کمک می رساند؟
۲- سره میاشت یا هلال احمر چه نوع یک سازمان است؟
۳- در مورد مفهوم شعر حضرت سعدی(رح) پنج سطر بنگارید.

کارخانه گی

با همکاری همصنفان،کمکهای که از طرف سره میاشت در منطقه تان صورت گرفته، چند سطربنویسید.

چرا محیط زیست خود را پاک و زیبا نگهداریم؟

هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (سوره هود آیه ۶۱)

ترجمه: اوخدایست که شما را از زمین آفرید و جاگزین ساخت شما را در آن

در درس گذشته با ارگان سره میاشت آشنا شدید. در این درس با محیط زیست آشنا می شوید.

مباحثه کنید

ما برای پاکی و زیبایی محیط زنده گی خود کار های زیادی انجام میدهیم. چرا باید در حفظ و پاک نگهداشتن محیط زیست خود کوشش نماییم؟

- چگونه میتوانیم محیط زنده گی خود را زیبا و پاک نگهداریم؟

محیط زیست چیست؟

جایی که در آن زنده گی ادامه دارد، محیط زیست نامیده میشود. به طور مثال: حوض آب، یک شهر، اقیانوس و دشت همه گی انواعی از محیط زیست به حساب می آیند.

شما وقتی محیط زیست منزل خود را پاک می بینید، احساس لذت میکنید. وقتیکه از کوچه و سرک پاک میگذرید، احساس خوشحالی می کنید. هنگامیکه در یک پارک زیبا به درخت ها و گل های تازه و شاداب نگاه میکنید، آرامش خاطر بیشتری می یابید. همهٔاین لذت ها خوشحالی ها و آرامش خاطر به دلیل اینست که شما به پاکی و زیبایی محیط زیست ضرورت دارید. این ضرورت شما را وادار میسازد که محیط زیست خود را پاک و تمیز نگهدارید. ما هم چنین می کوشیم تا زیبایی محیط زیست خود را حفظ کنیم. خانوادهٔ شما ممکن برای حفظ زیبایی و پاکیزه گی محیط زنده گی بسیار کوشش کند. حتماً شما نیز با آنها همکاری می کنید. جاروب کردن، پاک کاری وسایل منزل، شستن حویلی خانه و تنظیم وسایل منزل، این همه بخشی از فعالیت های ما برای حفظ زیبایی و پاکی و نظافت محیط زیست، به شمار می روند. البته در پهلوی تعدادی زیادی از مردم که برای حفظ زیبایی و پاکی محیط زیست کوشش می نمایند، تعدادی از افرادی را نیز می بینیم که تنها برای ایجاد محیط پاک و زیبا تلاش نمی کنند، بلکه زیبایی محیط زیست را نیز برهم میزنند. این افراد کثافات و خاک روبه های خود را در کوچه، سرک، پارک و کنار دیوار حویلی می ریزند، شاخه های درختان را می شکنند، پارک ها را کثیف می کنند.... چنین افراد زیبایی و پاکی را دوست ندارند، ما مسؤولیت داریم

تا از این گونه رفتار های ناشایستهٔ آنها جلوگیری کنیم. دود تیل و مواد سوخت، انداختن خاک روبه و کثافات در جوی ها، دریاها و محلاتی که مردم زنده گی می نمایند، سبب آلوده گی هوا، آب و محیط میگردد. آلوده گی محیط و هوا بالای صحت و سلامتی کهنسالان، جوانان و اطفال تأثیر منفی گذاشته و مردم را به امراض مختلف مصاب می گرداند. بنابراین دولت و مردم باید در بارهٔ حفاظت محیط زیست سالم توجه جدی نمایند. و مسئله پاکی و حفاظت محیط زیست را در اولویت کاری خویش قرار دهند. در شریعت اسلامی و تعلیم دین، حفاظت از محیط زیست در نصوص صریح وگاه غیر صریح که از آن همین مطلب اخذ می گردد، انعکاس یافته است. از همین رو است که خداوند(جَلَّ جَلاَلُه) پیامبراسلام حضرت محمد ﷺ را در اوایل نبوتش دستور داد که(**وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ**) (المدثر آیهٔ۴)

یعنی لباس هایت را پاکیزه دار و از پلیدی ها دوری گزین. و از سوی هم پیامبر ﷺ جهت تحقق این مأمول نظافت را جزیی از ایمان خواند (الطهور شطر الایمان) و در حدیثی دیگر فرموده که میدان ها و حویلی های خانه های خویش را پاک وپاکیزه نگهدارید و همانند یهود مباشید. پس هر اندازه که ما مسلمانان در محیط زیست خویش، زیبایی و جمال را رعایت کنیم همان قدر متمدن، پیشرفته و به دساتیر دین مقدس اسلام پابند معلوم خواهیم شد.

❁ آلوده گی محیط زیست به انسانها چه ضرر می رساند؟ در زمینه معلومات بدهید.

مروری بر درس

- _____
- _____
- _____
- _____

سؤالات

۱-محیط زیست چیست؟

۲- چگونه میتوانیم محیط زیست خود را پاک نگهداریم.

۳- مسؤولیت و وظیفهٔ ما در قبال پاکی و نظافت محیط زیست چیست؟

کارخانه گی

اگر محیط زیست ما کثیف باشد، چه واقع میشود؟ در این باره یک مقالهٔ بنویسید که از شش سطر کم نباشد

شاروالی چه کارهایی را انجام می دهد؟

شهر ما خانهٔ ما

در درس قبلی با محیط زیست آشنا شدید. در این درس با شاروالی و وظایف آن آشنا می شوید.

مباحثه کنید

همهٔ ما به نظافت و زیبایی خانه و شهر خود اهمیت می دهیم و برای پاک و زیبانگهداشتن آن کار های زیادی؛ مانند: جمع آوری خاکروبه ها در خریطه های مخصوص، رسیده گی به محوطهٔ حویلی و گل و سبزه صحن حویلی و جاروب کردن اتاق ها و غیره کار های زیادی را انجام می دهیم.

- آیا محله، ده و یا شهری که در آن زنده گی می کنیم، خانهٔ ما به حساب نمی آید؟
- برای حفظ نظافت این خانهٔ بزرگ، چه کارهایی می توانیم انجام دهیم؟

در کشور ما ارگانی که حفظ نظافت و زیبایی شهر را به عهده دارد، شاروالی نامیده می شود.

با وظایف شاروالی آشنا شوید

شاروالی وظیفه دارد تا مسؤولیت های ذیل را انجام دهد:

۱- دادن کرایه ملکیت های شاروالی طبق مقرره؛
۲- قیمت گذاری اماکن طبق مقرره؛
۳- گرفتن تدابیر جهت همکاری با مؤسسات صحی در جلوگیری از شیوع امراض؛
۴- گرفتن تدابیر در مورد توزیع نمرات زمین جهت اعمار منازل؛
۵- تحصیل محصول خدمات، تنظیم و تعمیم سیستم متریک در ساحه مربوطه؛
۶- تصویب لوایح شهری؛
۷- جلوگیری ازاعمار ساختمانهای خود سر با همکاری مؤظفین امنیتی حوزهٔ مربوطه؛
۸- اجرای دوامدارجواز نامه های صنفی برای اصناف شهر؛
۹- توزیع جواز صنفی برای اصناف مختلف پیشه وران؛

❁ با همکاری یکدیگر بر علاوه وظایف که در فوق ذکرشده، شاروالی دیگر کدام وظایف را دارا می باشد؟ فهرست کنید؛

همچنان طوری که پیامبربزرگ اسلام، می فرماید:(نظافت جز ایمان است). شاروالی در مورد نظافت و سرسبزی شهر و محلات مسکونی نیز وظایف ذیل را انجام می دهد:

۱-احداث جاده ها و پاکی و صفایی آنها؛
۲- حفرچاهها، و کاریزها و حوض های آب بازی و مخازن آب آشامیدنی، حفاظت و نگهداری از آنها؛
۳- بازدید و مراقبت از حمام ها، هوتل ها و محلات مزدحم غرض حفظ نظافت آنها؛
۴- اعمار تشنابها در ساحات مزدحم و حفظ نظافت آنها.
۵- کندن جوی ها و جویچه ها در محلاتی که مربوط شاروالی میباشد.
همان طوریکه عملیه تنظیف شاروالی شب و روز تلاش می نمایند. تا شهر ما را پاک و نظیف نگهدارند، ما هم در مقابل، وظیفه داریم تا با شاروالی همکار باشیم:

- کثافات و خاکروبه ها را در سرکها و جویچه نیندازیم، بلکه در کثافت دانی که شاروالی ها در کنار سرک گذاشته اند، بیندازیم
- اگر بعضی از دکانداران کثافات را در داخل جویچه ها می اندازند، باید به آنها بگوییم که کثافات و زباله را در جای معینی که شاروالی تعیین کرده است بیندازند.
- در حویلی و کنار حویلی خود نهال غرس کنیم و از آنها مراقبت نماییم.
- به درخت هایی که در کنار حویلی و یا سرک ها و پارک ها غرس گردیده صدمه وارد نکنیم.
- مالیات را به موقع تادیه نماییم تا شاروالی ها به موقع بتوانند به خوبی به وظایف خود برسند.

❁ با همکاری هم صنفان خود بر علاوه موضوعات فوق دیگر کدام موضوعات شامل وظایف ما در مقابل شاروالی می گردد؟ فهرست کنید.

مروری بر درس

- _____
- _____
- _____
- _____

سؤالات

۱- پنج وظیفه شاروالی را بنگارید.
۲- پنج وظیفه مردم را در برابر شاروالی بنگارید.
۳- اگر ما وظایف خود را در مقابل شاروالی به خوبی انجام ندهیم به چه مشکلات مواجه می گردیم؟

کارخانه گی

چرا با شاروالی همکاری می نماییم؟ چهار سطر بنگارید.

ارگانهای تأمین کنندۀ امنیت (پولیس)

در درس قبلی در مورد شاروالی که یکی از مؤسسات خدمات اجتماعی بوده معلومات حاصل نمودید. در این درس باارگانهایی که در تأمین امنیت ما همکاری می کنند آشنا می شوید.

مباحثه کنید

یکی ازضرورت های مهم انسان تأمین امنیت است. خطرات گوناگونی؛ مانند: قتل، دزدی، ترور، آدم ربایی و غیره امنیت انسانها را تهدید می کند. اسلام نسبت به هر دینی بیشتر به تأمین امنیت توجه کرده است. از همین رو عوامل و انگیزه های بی امنی را از بین می برد و هر شخص یا جریانی که به نحوی از انحاء عامل ناامنی در جامعه می گردد، مجازات شدیدی را در نظر گرفته تا حقوق جامعه چه به شکل انفرادی و چه به شکل دسته جمعی نگهداری شود. به خاطر تحقق این مأمول خداوند (جَلَّ جَلاَلُه) در آیه ۸۲ سوره انعام امنیت را در کنار ایمان قرار داده است و پیامبر ﷺ نیز اخلال امنیت را تحریم نموده فرموده است: **برای مسلمان حرام است که مسلمانی را در ترس و اضطراب بیفگند.** در هر کشور یا شهری که امنیت مختل گردد، بدون شک شرارتهای ترس و قتل وجنگ، آثار اقتصادی و اجتماعی آن مناطق دیگر را نیز نا امن می گرداند.

در این قسمت سؤال مطرح می گردد که:

کدام ارگان ها به خاطر تأمین امنیت مردم همکاری می نمایند؟

قوای مسلح دولت جمهوری اسلامی افغانستان، متشکل از اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی میباشد که هر کدام آنها وظایف محوله خویش را به پیش می برند. اردوی ملی وظایف حفظ و تحکیم حاکمیت ملی، دفاع از تمامیت ارضی و دفاع درمقابل متجاوزین خارجی را انجام میدهد. امنیت ملی در مسایل سیاسی داخلی و خارجی، کشف دسایس دشمن و دفع آن مصروف خدمت است. پولیس ملی که وظیفه عمدۀ آنها حفظ نظم و امنیت داخلی کشور بوده و در تأمین آن سهم بارز دارد.

❁ با همکاری همصنفان خود وظایف اردوی ملی و امنیت ملی را در سه سطر بیان دارید.

با ارگان پولیس آشناشوید

پولیس در کشور ما جزئی از تشکیل وزارت امور داخله است که در مرکز، تحت رهبری وزیر امور داخله و در ولایات و ولسوالی ها تحت اثر والی ها و ولسوال های مربوطه وظایف خود را انجام می دهد.

پولیس سرحدی و پولیس امنیت شاهراه، در مرکز و ولایات وظایف خویش را تحت رهبری وزیر امور داخله انجام می دهند.

بعضی از وظایف و مکلفیت های پولیس عبارتنداز:

- تأمین و حفظ نظم و امنیت عامه،
- تأمین امنیت فرد و اجتماع و حراست از حقوق و آزادی های قانونی آنها.
- مبارزه با انحرافات اخلاقی، مفاسد اجتماعی و اعمالی که آسایش عامه را اخلال می نماید؛
- محافظت از ملکیت و دارایی های دولتی و خصوصی، مؤسسات و سازمانهای داخلی و خارجی.

پولیس ملی ما یکی از ارگان های خدمتگزار است که شب و روز برای حفظ نظم و امن عامه تلاش می کند. پولیس کشور ما در مبارزه علیه زرع کوکنار و بنگ، قاچاق و ترافیک مواد مخدر، تولید، تورید و استعمال مسکرات و جلوگیری از جرایم سازمان یافته، مبارزه می کند. پولیس ما، هر روز قویتر و نیرومند ترمی گردد. بنابراین، لازم است که هر عضو جامعه برای حفظ امنیت و آرامش، با پولیس کشور همکاری نماید تا امنیت در کشور مستقر گردد، مردم در آسایش زنده گی کنند. ما از خدماتی که پولیس انجام می دهد، قدردانی می کنیم و تلاش می نماییم که همواره پشتیبان پولیس خود باشیم.

❁ با همکاری همصنفان خود فعالیت پولیس را که از طریق وسایل ارتباط جمعی شنیده اید، بیان دارید

مروری بر درس

- _____
- _____
- _____
- _____

سؤالات

۱- اسلام از کدام طریق، عوامل و انگیزه های نا امنی را از بین می برد؟

۲- اگر مال و جان شخص تهدید شود، کدام ارگان در محافظت آن همکاری می کند؟

۳- پنج وظیفه پولیس را بیان کنید؟

۴- چرا ما از پولیس ملی خود قدردانی می کنیم؟

کارخانه گی

وظایف ما در قبال پولیس چیست؟ سه سطر بنگارید.

پولیس ترافیک چه نقشی در زنده گی ما دارد؟

پولیس خدمتگار جامعه

در درس قبلی آموختید که در کشور ما پولیس بخشی از تشکیل وزرات امور داخله است که یکی از وظایف آن حفظ نظم و امنیت عامه می باشد. در این درس با پولیس ترافیک و نقشی که در زنده‌گی ما دارد، آشنا می‌شوید.

بحث کنید

اسلام، پیروان خویش را به رعایت نظم و دیسپلین در تمام امور دستور می دهد.

در واقع امر، ادای شعایر دینی ما، گویای نظم و دیسپلین اند. اسلام از توجه جدی به نظم پذیری، موضوع نظم را با عباداتی مرتبط ساخته که همه روزه به آن سروکارداریم از دیگر سو جهانی که در آن به سرمی بریم، نیز تحت قانون تکوینی و آفرینش خاصی حرکت می نماید. همچنان زنده گانی پیامبر اسلام و خلفای راشدین نیز از نظم خاص برخوردار بود. در سایهٔ این چنین نظم پذیری بود که تمدن اسلامی توانست بیشتر از یکهزار سال بر تمام جهان فرمان براند و رهبری ورهنمایی آن را در دست خویش نگهدارد، شما زمانی که از خانه به مکتب می روید، حوادث زیادی را می بینید به طور مثال: یک تعداد از همشریان ما بدون درنظر گرفتن اشاره های ترافیکی و رهنمایی موظفین عمل می کنند که باعث حوادث ناگوار ترافیکی می گردد. اشخاصی را که از مقررات ترافیکی سرپیچی نموده اند، توسط پولیس ترافیک جریمه میشوند. در این قسمت سؤال مطرح می گردد که:

- کدام ارگان مسؤولیت نظارت بر رفت و آمد عابرین، پیاده و وسایل نقلیه را به عهده دارد؟

- آیا امکان دارد بدون موجودیت چنین ارگانی در شهر ها به آرامی زنده گی کرد؟

با برخی از وظایف پولیس ترافیک آشنا شوید

در دهات و روستاها، جمعیت نسبتاً کمتری زنده‌گی می کنند. رفت و آمد انسان‌ها، حیوانات و وسایل نقلیهٔ ماشینی، مشکلی برای مردم به وجود نمی آورد؛ امّا در شهرها نسبت زیادت نفوس و کثرت موترو کم عرض بودن سرکها و تخلف از مقررات ترافیکی مشکلاتی را به وجود میآورد. افزایش روز افزون وسایل نقلیه و عبور و مرور آن برای مردم ما خصوصاً در پایتخت و شهر های بزرگ، مشکلات زیادی را ایجاد نموده وظایف پولیس ترافیک را سنگین کرده است. این ارگان برای ایجاد نظم بهتر در جامعه، کارهای زیادی را باید انجام دهد از آن جمله میتوان از:

- رفع راه بندی ها: اگر راننده گان از نظم و مقررات ترافیکی آگاهی نداشته باشند و خلاف علایم ترافیکی حرکت کنند، راه ها به کلی مسدودد می گردد. این نظم را پولیس ترافیک تأمین می کند.
- رفت و آمد وسایل نقلیه را در سراسر کشور کنترول می کند؛
- به تصادمات وسایل نقلیه رسیده گی کرده در صورت لزوم، موضوع را به مراجع قضایی می فرستد؛
- از رفت و آمد و سایل نقلیهٔ دود زا و آلوده کنندهٔ هوا و محیط زیست، جلوگیری می نماید.
- از اشخاصی که تصدیق راننده‌گی می گیرد، امتحان اخذ و در صورت کامیابی برای آنها اجازهٔ لیسانس راننده‌گی می دهد.

❁ علاوه بر موضوعات فوق، دیگر کدام مسایل شامل وظایف پولیس ترافیک می گردد؟ با همصفان خود بحث نموده فهرست نمایید.

وظایف ما در برابر پولیس ترافیک

- با مقررات رهنمای راننده گی آشنا شویم و آن را کاملاً رعایت نماییم؛
- با ماموران پولیس ترافیک همکاری نماییم؛
- هنگام راننده گی علامات، اشارات و مقررات عبور و مرور را رعایت کنیم؛
- با بی احتیاطی و با بی توجهی به قانون، جان خود و دیگران را به خطر نیندازیم.

خلاصه اینکه راننده گی، مانند بسیاری ازدیگررفتار های انسان، رفتار اجتماعی است که اگر این رفتار سالم باشد، به سلامت جامعه کمک می کند و اگر نا سالم باشد، سلامت جامعه را به خطر مواجه می سازد.

❁ با همکاری همصنفان خود، برخی از وظایف خویش را در برابر پولیس ترافیک فهرست نموده، یکی از شاگردان به دیگران بیان دارد.

مروری بر درس

- _____
- _____
- _____
- _____

سؤالات

۱- دین مقدس اسلام، پیروان خود را به نظم و دیسپلین چگونه تشویق نموده است؟

۲- سه مسؤولیت مردم را در قبال پولیس بیان دارید؟

۳- کدام عوامل باعث مشکلات ترافیکی گردیده، بیان دارید؟

کارخانه گی

سه سطر در مورد حل پرابلم را ه بندی ترافیکی بنگارید.

خلاصهٔ فصل اول

- پست مؤسسهٔ است برای تأمین ضرورت های ارتباطی انسانها.
- مخابرات شامل تیلفون های ثابت (درمنازل و ادارات، تیلفون های همراه (مبایل)، فکس و انترنیت) میباشد.
- سره میاشت ارگانی است که بی طرف بوده و با اهداف بشردوستانه برای کمک با آسیب دیده گان جنگی و حوادث طبیعی تلاش میکند.
- شاروالی ارگانیست که وظیفه دارد شهر و محیط زیست را زیبا، پاک و سرسبز نگهدارد.
- وظیفهٔ پولیس تأمین و حفظ نظم و امنیت عامه میباشد.
- پولیس ترافیک مسؤولیت نظارت بر رفت و آمد وسایط و عابرین را به عهده دارد.

فصل دوم

در این فصل موضوعات ذیل مورد بحث قرار می گیرد

- **ضرورت به دولت؛**
- **اقسام دولت؛**
- **قانون چیست؟**
- **با قانون اساسی کشور ما آشنا شوید؛**
- **نظام سیاسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان؛**
- **قوۀ مقننه یا شورای ملی (پارلمان)**
- **قوۀ قضائیه؛**
- **لویه جرگه؛**

اهداف فصل

از شاگردان توقع میرود که با خواندن این فصل به اهداف ذیل دست یابند:

- **وظایف دولت را بدانند؛**
- **اقسام دولت را بفهمند؛**
- **قانون اساسی کشور را بدانند؛**
- **نظام سیاسی کشور خود را بشناسند.**
- **قوّهٔ مقننه را با قوهٔ قضائیه مقایسه کرده بتوانند؛**
- **وظایف دولت را بیان کرده بتوانند؛**
- **اقسام دولت را توضیح کرده بتوانند؛**
- **قانون اساسی کشور را بیان کرده بتوانند؛**
- **قوهٔ اجرائیه را توضیح کرده بتوانند؛**
- **قوهٔ مقننه را بیان کرده بتوانند؛**
- **با دولت و قانون اساسی کشور علاقه مندی پیدا کنند؛**
- **به مشارکت در نظام سیاسی، علاقه مندی نشان دهند؛**

ضرورت به دولت

در درس گذشته در مورد پولیس ترافیک معلومات حاصل نمودید. در این درس به ضرورت دولت آشنا می شوید.

بحث کنید

- چرا به دولت ضرورت داریم؟

انسان یک موجود اجتماعی است که بدون تعامل و تعاون ذات البینی خویش زنده گی کرده نمی تواند. انسان ها به یک دیگر ضرورت دارند و برای تنظیم این تعاملات به نظم و قانون نیاز است. مرجع تطبیق کنندهٔ این قوانین دولت است.

دولت چیست؟

دولت کلمه یی عربی بوده و از لحاظ لغوی از تداول یا مداوله گرفته شده، تداول از دست به دست گرفتن و از دست به دست گشتاندن را می گویند. مال و متاع دنیا، قدرت و فرمانروایی را هم دولت می گویند. به سببی که به دست کسی استقرار نکرده و از شخصی به شخص دیگر منتقل می شود. خداوند(جَلَّ جَلاَلُه) ارشاد فرمود: (**وَتِلْكَ الأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ**) العمران ۱۴۰

ترجمه: «و ما این روز ها (پیروزی و شکست) را در میان مردم دست به دست می گردانیم» دولت در اصطلاح به شکلی از مجمع سیاسی مردم اطلاق می شود، که رهبری سیاسی جامعه را در اختیار دارد و آن را عرضه می کند. به عبارتی دیگر: دولت عبارت از مجموعهٔ سازمان های اجتماعی است که برای تأمین روابط اقشار مختلف اجتماعی و حفظ انتظام جامعه به وجود می آید.

❁ اگر در یک کشور دولت وجود نداشته باشد، چه خواهد شد؟ در زمینه معلومات دهید؛

دولت در اسلام: دولت به حیث یک سازمان دهی سیاسی، دینی، اجتماعی و به شکل خلافت آغاز یافته است. خلافت از مصدر خلف و به معنای جانشین شدن یک شخص بوده و در فرهنگ اسلامی مترادف به اصطلاح امام یا پیشرو و پیشوا می باشد. القابی که بعد از وفات رسول کریم ﷺ یعنی از زمان خلافت ابوبکرصدیق(رض) تا امروز برای زمامداران مسلمان بکار برده شده عبارت اند از: خلیفه، امیرالمومنین، امام، ملک یا پادشاه، رئیس جمهور و غیره.

اصول اساسی دولت اسلامی کدام ها اند؟

اصول اساسی دولت اسلامی عبارتنداز:

۱- حاکمیت شریعت؛

۲- عدل و انصاف؛

۳- اطاعت؛

۴- سمع؛

۵ شوری؛

در مورد وظایف دولت چه می دانید؟

در قدیم وظایف دولتها محدود به تأمین نظم و آرامش در کشور ها بود؛ ولی امروز وظایف دولتها بسیار پیچیده و متنوع شده است.

هدف اصلی وظایف اولیه دولت را حفظ نظم جامعه، تأمین امنیت و برقراری عدالت افراد جامعه می دانند. برخی از وظایف دولتهای جدید، عبارتنداز:

- پاسداری و دفاع از جامعه در برابر تهاجم خارجی؛
- تأمین نظم و امنیت کشور؛
- وضع قانون و مقررات برای ادارهٔ افراد جامعه؛
- تعیین مسؤولان برای اجرای قوانین؛
- نظارت بر اجرای قانون و جلوگیری از قانون شکنی؛

❁ علاوه برموضوعات فوق، دیگر کدام مطالب شامل وظایف دولت میگردد؟ آن مطالب را با همکاری همصنفان خود فهرست نموده و یکی از شاگردان به دیگران بیان دارد.

مروری بر درس

- _____
- _____
- _____
- _____

سؤالات

۱- آیهٔ متبرکهٔ (**وَتِلْكَ الأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ**) را ترجمه نمایید.

۲- دولت را تعریف نمایید.

۳- اصول دولت اسلامی را نام ببرید.

۴- پنج وظیفهٔ دولت را بنگارید.

کارخانه گی

در مورد مشخصات دولت اسلامی چند سطر معلومات ارائه دارید.

اقسام دولت

در درس قبلی خواندید که انسان یک موجود اجتماعی است، بدون تعامل و تعاون ذات البینی خویش زنده گی کرده نمی تواند و به یک دیگر ضرورت دارد و برای تنظیم این تعاملات به نظم و قانون نیاز است. مرجع تطبیق کنندهٔ این قوانین دولت است. در این درس با اقسام دولت آشنا خواهید شد.

بحث نمایید

چه عواملی موجب تعدد و تنوع دولت ها در کشور های مختلف شده است؟

اقسام دولت

دولت ها را می توان به دو بخش عمده (انتخابی و استبدادی) تقسیم کرد. دولت استبدادی دولتی است که بر ارادهٔ یک یا چند فرد استوار است و در آن پادشاه یا رئیس دولت، خود را حاکم بر جان و مال مردم می پندارد. در گذشته بیشتر دولت ها استبدادی بودند و حاکمان بدون توجه به خواسته های مردم فقط طبق ارادهٔ خود حکومت می کردند. بعضی از حاکمان مستبد تا آنجا پیش رفتند که حتی ادعای خدایی می کردند. مانند: فراعنه در دولت مصر. در مقابل، نوعی از دولت وجود دارد که در آن، رئیس دولت توسط مردم و از میان خود آنها انتخاب می گردد و متخصصین علم تقنین و حقوق و شریعت اسلامی، همراه با نماینده گان مردم قوانین کشور را در روشنی دساتیر شریعت اسلامی و در چارچوب نصوص دین وضع می کنند. این نوع دولت را دولت انتخابی می نامند. در اسلام روش یا زمامداری انتخابی می باشد که عامه مسلمانان به ویژه سران قوم و متنفذین جامعه و علمای شریعت که آن را شورای (اهل حل و عقد) نامند زمامدار خویش را که خلیفه یا امامش می نامند، از طریق رای دهی آزاد و شفاف انتخاب می نمایند. اکثر حکومت های پادشاهی از نوع استبدادی هستند. در بعضی از کشور ها نظام پادشاهی مبتنی بر قانون اساسی است، که به آن پادشاهی مشروطه می گویند. در این نوع حکومتها صلاحیت ها و اختیارات پادشاه محدود است و نماینده گان پارلمان و مقامات عالی کشور نیز توسط مردم انتخاب می شوند.

در دین مقدس اسلام روش حکومت کردن بر اساسات اسلامی استواربوده حاکمیت مطلق از آن خداوند(جَلَّ جَلاَلُه) است و انسان خلیفه خداوند(جَلَّ جَلاَلُه) در روی زمین به شمار میرود. همهٔ انسانها در برابر قوانین الهی یکسان اند. حاکم بر اساس شایسته گی ، تقواو دانش انتخاب می شود تا قوانین الهی را بر بنده گان الهی تطبیق و عملی سازد. وظیفهٔ اول یک خلیفه حِراست از احکام دین وادارهٔ امور دنیوی مسلمانان و ساکنان قلمرو خلافت اسلامی می باشد.

- چه نوع دولت را انتخابی میگویند؟ با همکاری همصنفان از چند دولت انتخابی نام بگیرید

مقایسهٔ دولت استبدادی و دولت انتخابی

دولت استبدادی	دولت انتخابی
انتخاب حاکم از طرف مردم نمی باشد.	انتخاب حاکم از جانب مردم صورت می گیرد
حاکم خود را مسلط بر مردم میداند.	حاکم و خلیفه، نمایندهٔ خداوند بر روی زمین است.
حاکمان براساس وفاداری به شخص مستبد انتخاب می شوند.	حاکمان بر اساس صلاحیت و شایسته گی انتخاب می شوند.
سخن فرد حاکم، قانون است.	حاکمان باید براساس قانون عمل کنند.
قانون بالای تمام افراد یکسان تطبیق نمی‌شود.	همهٔ افراد در مقابل قانون برابر اند.

❁ با توجه به جدول فوق سه خصوصیت دیگر ازخصوصیات دولت استبدادی و دولت انتخابی را بنویسید.

مروری بر درس

- _____
- _____
- _____
- _____

سؤالات

۱- خصوصیات دولت های استبدادی را بیان دارید.

۲-خصوصیات دولت های انتخابی را بیان دارید.

۳- چرا امروز دولتهای استبدادی در جهان کم وجود دارد؟

۴- در دین مقدس اسلام روش حکومت کردن بر کدام اساسات استوار است؟

کارخانه گی

اسم پنج کشور استبدادی را با همکاری همصنفان خود، فهرست کنید.

قانون چیست؟

در درس گذشته در مورد اقسام دولت معلومات حاصل نمودید. در این درس با قانون که محور تنظیم ارتباط بین مردم و جامعه است، آشنا می‌شوید.

بحث کنید

هرجامعه برای حفظ نظم و جلوگیری از بی نظمی، ضرورت به امر و نهی دارد. تمام کار های روزانهٔ ما بر اساس قواعدی استور است که در جامعهٔ ما وجود دارد. این اوامرو نواهی و قواعد چه نام دارد؟ و برای حفظ نظم در جامعهٔ ما چـــــه کمک کرده می‌تواند؟

در مکتب شما، افرادی اند که هر کدام آنها وظیفه خاصی را انجام می دهد؛ مثلاً: معلم با مقررات خاصی تدریس می کند، مدیر مکتب براساس قانون، وظایفی را انجام می دهد. اگر از مدیر مکتب پرسیده شود؛ جواب می دهد که ما مطابق مقررات، لوایح و قوانین که از طرف وزارت معارف وضع شده است، این هماهنگی را به وجود می آوریم.

- هرگاه لوایح و مقررات در یک مکتب عملی نشود، چه خواهد شد؟ با همکاری همصنفان در زمینه معلومات دهید.

قانون چیست؟

شما در زنده‌گی روزمره با قواعد فراوانی مواجه هستید. بعضی از قواعد بر اساس دستورات دینی است؛ مثلاً: مسلمانان باید از ظلم و تعدی بر برادر مسلمان خود اجتناب نمایند. مسلمانان باید به بزرگان احترام، و به خُردها شفقت، به نیکی ها امر و از بدی ها نهی کنند.

بعضی از قواعد، توسط دولت به وجود می‌آید. بنابر این گفته می توانیم که قانون کلمهٔ است یونانی به معنای قاعده، که از یونانی به زبان عربی وارد شده و معرب گردیده و از عربی به دری آمده است و جمع آن قوانین می باشد.

قانون عبارت از قواعد دقیق، واضح و معقول است که از طرف هیئت حاکمه به منظور نظم بخشیدن و تأمین افراد جامعه وضع گردیده و تطبیق آن توأم با اجبار است.

قانون عبارت از همان قواعد و دستوارت کلی است که مصوب هر دو مجلس

شورای ملی بوده که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر این که در قانون اساسی طوری دیگری تصریح گردد.

هدف قانون چیست؟

تأمین سعادت حقیقی و تضمین آسایش مردم به وسیله ایجاد نظم و آسایش و حفظ جامعه از خطر هرج و مرج و حراست حقوق افراد و جلوگیری از ظلم و پاسداری از حدود آزادی ها، جلوگیری از مداخلهٔ خود سرانهٔ افراد و طبقات و دولت ها و حفظ نظم اجتماعی است. قوانینی که در کشور ما نافذ است، برخی از آنها عبارتنداز: قانون اساسی، قانون اجراآت جزایی، قانون مدنی، قانون پولیس، قانون کشف جرایم، قانون رسیده گی به تخلفات اطفال و غیره. در کشور ما، خوشبختانه قوانین در روشنایی قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ تهیه و ترتیب گردیده است.

- اگر در جامعه قانون نباشد، جامعه با کدام مشکلات مواجه می گردد؟

مروری بر درس

- _____
- _____
- _____
- _____

سؤالات

۱- قانون را تعریف نمایید.

۲- قانون از کدام کلمه گرفته شده و به معنای چیست؟

۳- بعضی از قوانین نافذه کشور را صرف نام بگیرید.

کارخانه گی

در مورد مزایای قانون چند سطر معلومات دهید.

با قانون اساسی کشور ما آشنا شوید

مادهٔ سوم قانون اساسی:(**در افغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد)**

در درس قبلی در بارهٔ قانون آگاهی حاصل نمودید، در این درس با قانون اساسی کشور آشنا می شوید.

مباحثه کنید

قانون را کی میسازد؟

قانون به کدام منظور ساخته میشود؟

قانون اساسی چیست؟

قانون اساسی عبارت از منشوری است که در یک کشور، ماهیت و نقش قدرت و همچنین مجموع حقوق و وظایف اساسی مردم را معین می کند. قانون اساسی متشکل از مجموعهٔ قواعد و مقررات کلی است که شکل حکومت و سازمان عالی قوای سه گانه (اجرائیه، مقننه و قضائیه) کشورو ارتباط آنها را با یکدیگر و حقوق و آزادیهای افراد را در مقابل دولت مشخص می نماید. این که شکل حکومت جمهوری است یا سلطنتی، اینکه پارلمان از یک مجلس تشکیل می شود یا دو مجلس و وضع قانون به چه ترتیب صورت می گیرد، در قانون اساسی مطرح می گردد. قانون اساسی معرف ساختار نظام سیاسی و حقوقی کشور است.

❁ محتویات قانون اساسی را کدام موضوعات تشکیل می دهد؟ در چند سطربنگارید.

با قوانین اساسی کشور آشنا شوید

اولین قانون اساسی کشور درزمان شاه امان الله خان در سال(۱۳۰۳) هـ.ش. به تصویب رسید و افغانستان به جمع کشور های دارای قانون اساسی شامل گردید. قانون اساسی کنونی کشور ما توسط لویه جرگه تاریخی ۲۲ قوس الی تاریخ ۱۴ جدی ۱۳۸۲هـ.ش. به اتفاق آراتصویب وبعد ازتوشیح رئیس جمهورنافذگردید. قانون اساسی کشور ما مشتمل بریک مقدمه، دوازده فصل و ۱۶۲ ماده است.فصل اول، در مورد دولت، فصل دوم حقوق و وجایب اتباع، فصل سوم رئیس جمهور، فصل چهارم حکومت، فصل پنجم شورای ملی، فصل ششم لویه جرگه، فصل هفتم قضا، فصل هشتم اداره، فصل نهم حالت اضطرار، فصل دهم تعدیل، فصل یازدهم احکام متفرقه، فصل دوازدهم احکام انتقالی.

باخصوصیات قانون اساسی کشور ما آشنا شوید

۱- **اسلامی بودن:** هیچ قانونی نمی‌تواند مخالف اعتقادات و احکام دین مقدس اسلام وضع شود.

۲- **جمهوری و مردمی بودن:** براساس قانون اساس جمهوری اسلامی افغانستان، حاکمیت ملی به ملت افغانستان تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نماینده گان مردم اعمال می‌شود.

۳- **رعایت حقوق بشر:** در قانون اساسی کشور ما به حفظ کرامت و حقوق انسانی وتأمین آزادی ها و حقوق اساسی مردم توجه شده است.

۴- **تحقق عدالت اجتماعی و نفی هرگونه تبعیض:** در قانون اساسی کشور ما، عدالت اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته و تبعیض به هر شکلی که باشد (قومی، زبانی، مذهبی وجنسی) نفی شده است.

مروری بر درس

- _____
- _____
- _____

سؤالات

۱-قانون اساسی را تعریف نمایید.

۲-اولین قانون اساسی کشور در یکی ازسال های زیر به تصویب رسید. جواب درست را با علامه (√) نشانی کنید.

الف: ۱۳۰۳هـ.ش. ج: ۱۳۵۵هـ.ش.

ب: ۱۳۰۹هـ.ش. د: ۱۳۸۲هـ.ش.

۳-بعضی از قوانین نافذه کشور را صرف نام بگیرید.

کارخانه گی

به نظر شما قانون اساسی کشور چه اهمیت دارد؟

نظام سیاسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان

در درس قبلی در مورد قانون اساسی کشور معلومات حاصل نمودید. در این درس با نظام سیاسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان آشنا می‌شوید.

مباحثه کنید

دولت جمهوری اسلامی افغانستان، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه می باشدو از نظر حقوقی دارای نظام ریاستی است و از نظر ساختمان متشکل از قوۀ اجرائیه، مقننه و قضائیه است.

آیا می دانید در رأس دولت ما چه کسی قرار دارد؟

در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان، رئیس جمهور قرار داشته صلاحیت های خود را در عرصه های اجرائیه، مقننه و قضائیه، مطابق به احکام قانون اساسی اعمال می کند.

قوۀ اجرائیه

حکومت متشکل است از هیئت وزرا که تحت ریاست رئیس جمهور اجرای وظیفه می نماید. تمام وزرا و ریاست ها در همه نقاط کشور جزیی از قوۀ اجرائیه اند. در رأس هر وزرات خانه یک وزیر قرار دارد. وزرا برای اجرای وظایف خود نزد رئیس جمهور و ولسی جرگه مسؤول می باشند.

❁ با همکاری همصنفان خود اسم ده وزارتخانه را تحریر و به همصنفان بیان دارید.

با برخی وظایف قوۀ اجرائیه آشنا شوید.

- تعمیل احکام قانون اساسی وسایر قوانین و فیصله های قطعی محاکم؛

- حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعهٔ بین المللی؛
- تأمین نظم و امن عامه و از بین بردن هر نوع فساد.
- ترتیب بودجه، تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت دارایی عامه.

رئیس دولت که در رأس قوهٔ اجرائیه قرار دارد، هر پنج سال یک بار ازطریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم، توسط مردم انتخاب می شود. رئیس جمهور دارای دو معاون، اول و دوم می باشد.

برخی از وظایف و صلاحیت های رئیس جمهور عبارت اند از:

- تعیین خطوط اساسی سیاست داخلی و خارجی کشور به تصویب شورای ملی؛
- قیادت اعلای قوای مسلح افغانستان؛
- اعلان حرب و متارکه باتأیید شورای ملی؛
- اتخاذتصمیم لازم در حالت دفاع ازتمامیت ارضی و حفظ استقلال ؛

❁ با همکاری همصنفان خود برعلاوه موضوعات فوق چهار وظیفه از وظایف رئیس جمهور را تحریر و به دیگران بیان دارید.

مروری بر درس

- _____
- _____
- _____
- _____

سؤالات

۱- از نظر حقوقی دولت افغانستان دارای کدام نظام است؟

۲- برخی از وظایف قوهٔ اجرائیه را فهرست نمایند.

۳- خصوصیات قانون اساسی را صرف نام بگیرید.

کارخانه گی

در مورد تعیین رئیس جمهور یک مقالهٔ پنج سطری بنویسید و فردا در صنف قرائت نمایید.

قوۀ مقننه یا شورای ملی چیست؟

در درس گذشته در مورد قوۀ اجرائیه که از جمله ارکان مهم سه گانۀ دولت میباشد، معلومات حاصل نمودید. در این درس در بارۀ قوۀ مقننه که از جملۀ ارکان سه گانه دولت میباشد، معلومات حاصل می نمایید.

مباحثه کنید

دولت ما ازترکیب سه قوه که عبارت است از قوۀ اجرائیه، قوۀ مقننه و قوۀ قضائیه، تشکیل گردیده است، به نظر شما:

شورای ملی مسؤولیت کدام بخش امور دولت را به عهده دارد؟

شورای ملی از کی نماینده گی می کند؟

شورای ملی دارای چند مجلس میباشد؟

شورای ملی جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عالی ترین ارگان تقنینی مظهر ارادۀ مردم است و از قاطبۀ ملت نماینده گی می کند که مرکب از دو مجلس می باشد:

ولسی جرگه و مشرانو جرگه: اعضای ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزۀ انتخاباتی تعیین گردیده وتعداد آنها ۲۴۹ وحد اکثر ۲۵۰ عضو میباشد. اعضای ولسی جرگه توسط آرای سری و مستقیم مردم انتخاب میشوند. به طوراوسط دو عضو زن از هر حوزۀ انتخاباتی در ولسی جرگه انتخاب می گردد. اعضای ولسی جرگه باید سن بیست وپنج ساله گی را در روزکاندیدا شدن تکمیل کرده باشند.

انتخاب اعضای مشرانو جرگه قرار ذیل صورت می گیرد:

۱- از جمله اعضای هر شورای ولایتی یک تن، به انتخاب اعضای شورای مذکور برای مدت ۴ سال.

۲- از جملۀ اعضای شورای ولسوالی های هر ولایت یک تن به انتخاب اعضای شورای ولسوالی مذکور برای مدت ۳ سال.

۳- ثلث سوم اعضای با قیمانده به شمول دو تن نمایندۀ معلولین و معیوبین و دو تن از نماینده گان کوچی ها از بین شخصیت های خبره و با تجربه برای ۵ سال از جانب رئیس جمهور تعیین میگردد.

در مشرانو جرگه، نصف اعضای انتصابی رئیس جمهور (۱۷ عضو) را زنان تشکیل میدهند. که به صورت مجموعی ۲۶ فیصد کرسی ها در شورای ملی برای زنان اختصاص یافته است.لازم است که اعضای مشرانو جرگه سن سی وپنج ساله گی را در وقت کاندیدا شدن تکمیل کرده باشند.

شورای ملی دارای کدام صلاحیت ها میباشد؟

- تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین.
- تصویب برنامه های انکشافی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی.
- تصویب بودجۀ دولتی و اجازۀ اخذ و یا اعطای قرضه.
- تصدیق معاهدات و میثاق های بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن؛ هر یک از دو مجلس شورای ملی، در آغاز دورۀ کار، یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس برای یک دوره تقنینی و دو نفر را به حیث نایب اول و نایب دوم و دو نفر را بحیث منشی و نایب منشی برای مدت یک سال انتخاب می کند

❁ باگروه خود بحث نموده، بر علاوه از مطالب فوق دیگر کدام مسایل شامل صلاحیت های قوۀ مقننه می گردد.؟

آیا میدانید ولسی جرگه دارای کدام صلاحیت ها میباشد؟

ولسی جرگه دارای صلاحیت های اختصاصی ذیل میباشد:

۱- اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح از هر یک از وزرا؛

۲- اتخاذ تصمیم راجع به پروگرامهای انکشافی و بودجۀ دولتی؛

۳- تایید و یا رد مقرری ها مطابق به احکام قانون اساسی؛

طوریکه گفته شد، شورای ملی از مجموع نماینده گان منتخب مردم تشکیل میگردد و از آنها نماینده گی می نماید. برای اینکه یک پارلمان خوب وخدمت گزار داشته باشیم، به همۀ ما لازم است که در زمان انتخابات، اشخاصی را انتخاب نماییم که:

۱- مسلمان خوب و افغان خوب باشند.

۲- خدمتگزار مردم و وطن بوده و از خود خواهی منزه باشند.

۳- از هر نوع تبعیض و خود خواهی پاک باشند.

۴- در استحکام روابط بین دولت و ملت مطابق به قانون سعی نمایند.

۵- منافع ملی را از منافع شخصی برتر بدانند.

۶- در برابر هر نوع ظلم، تجاوز، فشار و انواع کار های غیر قانونی ایستاده گی داشته باشند.

❁ بر علاوه صلاحیت های فوق، ولسی جرگه دیگر دارای کدام صلاحیت ها است؟ بیان دارید.

مروری بر درس

- _____
- _____
- _____
- _____

سؤالات

۱-شوای ملی از چند مجلس ترکیب گردیده است؟

۲- در مشرانوجرگه چند فیصد کرسی به زنان اختصاص داده شده است؟

۳- در وقت انتخابات مسؤولیت همۀ ما چیست؟

کارخانه گی

در انتخاب وکلای خوب کدام موارد باید درنظرگرفته شود؟ دراین باره نظر خود را بنویسیدو فردا آنرا در برابر هم صنفی های خود بخوانید.

قوۀ قضائیه

در درس گذشته در بارۀ قوۀ مقننه آگاهی حاصل نمودید. در درس کنونی به قوۀ قضائیه آشنا می شوید.

مباحثه کنید

اگر حقوق اتباع کشور مورد تعدی و تجاوز قرار گیرد، اعادۀ این حقوق از طریق کدام ارگان صورت می گیرد؟

هرگاه حقوق اتباع کشور مورد تعدی و تجاوز قرار گیرد، اعادۀ این حقوق از طریق قانون و به وسیله قوۀ قضائیه صورت می گیرد. قوۀ قضائیه در سیستم سیاسی دولت اسلامی دارای صلاحیت بوده و از استقلال کامل برخوردار است. جز شریعت و قانون الهی هیچ قدرتی دیگر ما فوق آن نیست. تمام اتباع جامعۀ اسلامی در پیشگاه قضا مسؤول و پاسخگو هستند. هیچ کس در هر مقامی که باشد، در پیشگاه قضا (نسبت به آنچه انجام می دهد) هیچ گونه مصونیتی ندارد؛ حتی رئیس دولت.

قوۀ قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد که مرکب از ۹ عضو است که از طرف رئیس جمهور به تایید ولسی جرگه تعیین می گردد. سه عضو برای مدت چهار سال، سه عضو دیگر برای مدت هفت سال و سه عضو دیگر برای مدت ده سال می باشد. تعیین اعضا برای بار دوم جواز ندارد. رئیس جمهور یکی از اعضا را به حیث رئیس ستره محکمه تعیین می کند.

آیا می‌دانید تحت کدام شرایط، قضات می‌توانند عضو ستره محکمه گردند؟

اعضای ستره محکمه واجد شرایط ذیل می باشند:

- سن رئیس و اعضا در حین تعیین از چهل سال کمتر نباشد؛
- تبعۀ افغانستان باشد؛

- درعلوم حقوقی و یا فقهی، تحصیلات عالی و در نظام قضایی افغانستان تخصص و تجربهٔ کافی داشته باشد؛
- دارای حسن سیرت و شهرت نیک باشد؛

❁ با همکاری همصنفان خود علاوه بر موضوعات فوق، دو مورد از شرایط عضویت به ستره محکمه را تحریر و به دیگران بیان دارید.

با برخی از صلاحیتهای قوهٔ قضائیه آشنا شوید

صلاحیت قوهٔ قضائیه شامل رسیده گی به تمام دعاوی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی به شمول دولت، به حیث مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.

معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی یا قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم مطابق به احکام قانون از صلاحیت های ستره محکمه می باشد.

❁ با همکاری همصنفان خود بر علاوه موضوعات فوق دو مورد از صلاحیت های ستره محکمه را بنگارید.

مروری بر درس

- _____
- _____
- _____
- _____

سؤالات

۱-قوهٔ قضائیه متشکل ازچند عضو می باشد؟

۲- عضو ستره محکمه واجد کدام شرایط باشد؟

۳-سه صلاحیت قوهٔ قضائیه را بنگارید.

کارخانه گی

نظر تان را در سه سطر در مورد قوهٔ قضائیه بنگارید.

لویه جرگه

در درس گذشته راجع به قوهٔ قضائیه معلومات حاصل نمودید. در این درس با لویه جرگه آشنایی حاصل می نماید.

مباحثه کنید

افغانها هر زمانیکه ضرورت مصلحت مجموعی را به منظور حل قضایای محلی و ملی احساس کردند، به جرگه ها و لویه جرگه ها مراجعه نموده و راه حل را برای مشکلات موجود در جامعه پیدا نموده اند. این جرگه ها دو نوع بودند.جرگه ها و لویه جرگه ها،

به نظر شما:

۱- جرگه ها به خاطر چه دایر می گردند؟

۲- آیا لویه جرگه با جرگه محلی یکسان است؟

جرگه چیست؟

جرگه اجتماعی است از مردم که نماینده های شان درآن با حقوق مساوی باهم نشسته و روی مسایلی تصمیم می گیرند که جهت غور و بررسی به آن راجع شده باشد و هر آنچه را فیصله نمود، طرفین دعوی مجبور به رعایت آن می گردد. در کشور ما نمونه های بارزی از جرگه ها را می توان یافت؛ مانند: جرگه ها به نام سبهاSabha و سمیتیSamithe در عصر آریایی ها و همچنان جرگه های کوکران، مانچه، جرگه مزار شیر سرخ قندهار، لویه جرگهٔ امان الله خان، لویه جرگهٔ نادر خان، لویه جرگهٔ سال ۱۳۲۰هـ.ش. محمدظاهر خان و غیره.

زمانی که در جامعهٔ مابین اقوام و قبایل مختلف کشور وحدت سیاسی استحکام یافت، به خاطر مصلحت های بزرگ ملی عوض جرگه های محلی، عنعنه لویه جرگه نیز رواج یافت.

❁ با همصنفان خود بحث نموده، اسم چهار لویه جرگه را فهرست نموده و یکی از شاگردان به دیگران بیان دارد.

لویه جرگه چیست؟

لویه جرگه از دو کلمه لویه به معنای بزرگ و جرگه به معنای اجتماع، دسته، گروه و مجلس آمده است، که به معنای شورای بزرگ است، که جهت حل و فصل مشکلات پیش آمده در اجتماع تشکیل می گردد. یا اینکه لویه جرگه مجلسی است که در افغانستان تشکیل گردیده و عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان می باشد. لویه جرگه متشکل است از:

۱- اعضای شورای ملی

۲- رؤسای شورا های ولایات و ولسوالیها؛

وزرا، رئیس و اعضای ستره محکمه و لوی خارنوال می توانند در جلسات لویه جرگه بدون حق رای اشتراک ورزند.

آیا می‌دانید لویه جرگه در کدام حالات دایر می گردد؟

لویه جرگه در حالات زیر دایر می گردد.

۱- اتخاذ تصمیم درمورد مسایل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح علیای کشور؛

۲- تعدیل احکام این قانون اساسی؛

۳- محاکمه رئیس جمهور مطابق به حکم مندرج مادۀ ۶۹ این قانون اساسی.

مروری بر درس

- _____
- _____
- _____
- _____

سؤالات

۱- لویه جرگه از چند کلمه گرفته شده است؟ بیان دارید.

۲- لویه جرگه متشکل از اعضای کدام ارگان ها است؟

۳- در کدام حالات لویه جرگه دایر می گردد؟ سه موارد آن را ذکر کنید.

کارخانه گی

در مورد سابقه تاریخی جرگه ها چند سطر معلومات دهید.

خلاصۀ فصل دوم

- **ضرورت به دولت یک نیاز اساسی است و در طول تاریخ هیچ اجتماعی مشاهده نشده که بدون حکومت بتواند به حیات خود ادامه دهد؛**
- **دولتها یا به صورت انتخابی اند و یا به صورت استبدادی؛**
- **قانون موجب ایجاد نظم، هماهنگی و امنیت درجامعه می گردد؛**
- **دولت ما جمهوری اسلامی افغانستان است که از سه قوۀ اجرائیه، مقننه (پارلمان) و قوۀ قضائیه تشکیل شده است**
- **لویه جرگه عالی ترین مظهر ارادۀ مردم میباشد.**